

سرمقاله ...

بهمن؛ انقلاب ناتمام

منصور امان

نمایش حکومتی ۲۲ بهمن امسال برای رژیم ج.ا دارای اهمیت ویژه ای بود. جنبش انقلابی تمامی بنیادهای آن را به لرزه درآورده و توده معترض با وجود سرکوب وحشیانه، دست از کوبیدن و روفتن نظام حاکم برنداشته است. در حالیکه توان و هیبت قیام، بخشهایی از دستگاه قدرت را به تردید در باره شناس بقای «نظام» فرو برده، ترتیب دادن یک نمایش خیابانی برای تاکید بر داشتن پشتیبانی مردمی یا دستکم نشان دادن توانایی بسیج اجتماعی ضرورتی حیاتی داشت.

نمایشی بدون داستان

همه آنچه که حاکمیت توانست در این راستا عرضه کند، نمایشی بی رمق و ریشخند آمیز بود که با وجود اجبار شاعلان در بخش دولتی و شبه دولتی و حتی دانش آموزان دبستانها و دبیرستانها به شرکت در آن، کف هدف گذاری و آرزوهای "نظام" را نیز برآورده نکرد. آخوند خامنه ای که در خلال پنج ماهی که از قیام می گذرد به گونه پیوسته از «سکوت» و «به میدان نیامدن» «خواص» شکوه کرده، اکنون باید با دو چشم هراس زده می دید که ریزش به بدنه ی وابسته نیز رسیده و از سوی دیگر مرزبندی با حاکمیتش بسا نیرومندتر از بخشنامه های تهدید آمیز و هشدار نان بریدن اوست. امروز برخلاف دوره های قبل خیزش، حتی باند «اصلاح طلب» هم تمایلی به داغ کردن تنور نمایش نداشت. در بهمن سال ۸۸ و در جریان قیام گسترده علیه باند حاکم، رهبران و کارگزاران این جریان به پشتیبانی از خیمه شب بازی حکومتی ۲۲ بهمن برخاستند، درحالیکه از رسوایی اقدام خود به شدت در تنگنا بودند و با توجیهاتی از جمله استفاده از این مناسبت به عنوان «اسب تروا» -که از زبان یک دلکف صدارتی مطرح شد- در تلاش برای شستن دست خود از همدستی خفت آور با "نظام" قاتل بودند.

کسادی تظاهرات فرمایشی در سالروز قیام بهمن، بی نتیجه بودن کوشش «نظام» را برای وصل کردن خود به خیزش و کسب رایگان مشروعیت از جیب آن، سال به سال آشکار تر به تماشا می گذارد. نمایش پرخرج حاکمیت، داستان قیام را روایت نمی کند و آنگونه که پیداست، توده ها نیز علاقه ای به دیدن و شنیدن این صحنه سازی توخالی ندارند. علت پیداست و در تاریخی ثبت شده که جامعه در حافظه و در زندگی روزمره اش با خود حمل می کند و رژیم ولایت فقیه سرسختانه در تلاش پاک کردن آن و جانداختن نسخه بدلی خویش است.

بقیه در صفحه ۳

آهنگ ماندن

م. وحیدی (م. صبح)

صفحه ۴

یادداشت سیاسی ...

ترانه «تمام شد» یک کالای بنجل

مهدی سامع



«مولد سازی»، قانونی کردن

غارت مردم

زینت میرهاشمی

صفحه ۴

پیوند رضا پهلوی با سرکرده

شکنجه گران ساواک شاه

صفحه ۲

منشور مطالبات حداقلی

تشکلهای مستقل صنفی و مدنی ایران

صفحه ۹

هفت هیولا و معامله یک سرزمین

مرجان

صفحه ۱۳

کجایید های رفیقان؟

پریناز پرتو

صفحه ۱۵

همریشه گی دو استبداد شاه و شیخ

زینت میرهاشمی

صفحه ۲۷

حماسه پُر شور پیشمرگان فدایی

در بهمن ۱۳۶۱

مهدی سامع

صفحه ۲۷

مروری بر بحران

در سازمان و غلبه سیاست سکتاریستی
بر شاخه کردستان

مهدی سامع

صفحه ۵

یادمان پُر شور شهیدان انقلاب

(بهمن ۱۴۰۱)

صفحه ۱۶

شعارهای شبانه چه می گوید؟

منصور امان

صفحه ۲۶

در این شماره ...

صفحه ۱۵

آغاز پایان ... م. وحیدی (م. صبح)

صفحه ۲۱

جنبش رنگین کمان بیشماران ... پویا رضوانی

صفحه ۶

دانشگاه در ماهی که گذشت ... کامران عالمی نژاد

صفحه ۱۱

رویدادهای هنری ماه ... فتح الله کئیابها

صفحه ۱۴

چالشهای معلمان ... فرنگیس بایقره

صفحه ۱۹

زنان در مسیر رهایی ... اسد طاهری

صفحه ۲۸

یادواره / رفیق اکبر مسلم خانی ... امیر ابراهیمی

صفحه ۲۸

شهادت فدایی در ماه اسفند

یادداشت سیاسی ...

ترانه «تمام شد» یک کالای بنجل

مهدی سامع

پیوند رضا پهلوی

با سرکرده شکنجه گران ساواک شاه



در گزارشهای منتشر شده از گردهمایی طرفداران سلطنت در لوس آنجلس، که در آن رضا پهلوی سخنرانی کرد، عکسی از پرویز ثابتی (مقام امنیتی شاه) به چشم می خورد که نشان از شرکت او در این گردهمایی در روز شنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ داشت. برای اولین بار است که پس از سرنگونی دیکتاتوری سلطنتی، رئیس اداره سوم ساواک شاه، در میان جمعی از ایرانیان به صورت علنی خود را نشان می دهد. حضور و انتشار تصویر سرکرده شکنجه گران شاه در جمعی که سخنران آن رضا پهلوی بود، نه تصادفی است و نه بدون هدف.

شرایطی که استبداد مذهبی ولایت فقیه بر جامعه و کشور تحمیل کرده و کشتارهای جنایتکارانه ای که جمهوری اسلامی طی چهل و چهار سال گذشته مرتکب شده، به اضافه غارتگری کارگزاران نظام حاکم و تحمیل فقر و فلاکت به اکثریت قاطع مردم ایران، بازماندگان و طرفداران دیکتاتوری سلطنتی را به این گمان واهی رسانده که حافظه تاریخی جامعه مخدوش گردیده و به خیال تحمیل خود بر جنبش انقلابی مردم ایران افتاده اند. واقعیت این است که اگر تحمیل خمینی بر انقلاب ضد سلطنتی یک تراژدی برای مردم ایران بود، تصورات طرفداران نظام سابق چیزی بیش از یک کمدی مبتذل نیست.

طرفداران دیکتاتوری سلطنتی می خواهند با حضور رضا پهلوی و پرویز ثابتی این پیام را به مردم ایران و به ویژه به نیروهای انقلابی که آثار شکنجه هنوز بر پیکر آنان به جا مانده برسانند که انتقام انقلاب بهمن ۱۳۵۷ را خواهند گرفت. خیال برگرداندن بساط گذشته، تصویری خام و ابلهانه است که خروجی آن تنها و تنها به سود ولایت اهریمنی خامنه ای است.

پرویز ثابتی سرکرده شکنجه گران ساواک شاه بوده و تنها یک نمونه از جنایت‌های او دستور قتل ۹ زندانی سیاسی در فروردین سال ۱۳۵۴ در تپه های اوین است که دوران محکومیت خود را می گذرانند. از این جهت پرویز ثابتی یک قاتل است و باید در یک دادگاه عادلانه محاکمه شود. هنوز صدها زندانی سیاسی دادخواه زنده هستند و آماجگی دارند که در این دادگاه شهادت دهند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
شنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۱ - ۱۸ فوریه ۲۰۲۳

جدال بین دو سرکرده با سابقه سیاه، که یکی از «شکست» رژیم صحبت می کند و دیگری آن را «بزرگمایی» که «تضعیف کننده جبهه خودی» است ارزیابی می کند، وضع درون نظام را نشان می دهد.

از آن مهم تر حرفهای ولی فقیه در مورد کابینه رئیسی است. خامنه ای روز دوشنبه ۱۰ بهمن در جمعی از وابستگان رژیم گفت: «ما گاهی اوقات تصمیم گیریهای متناقض داریم؛ یک دستگاه یک تصمیمی می گیرد، اعلام می کند، یک دستگاه دیگر خلاف و ضد آن را تصمیم می گیرد، اعلام می کند! هر دو هم در جلسه هیات دولت دور یک میز می نشینند، این نباید اتفاق بیفتد... بودجه ما متأسفانه دچار مشکلات ساختاری است، این کسر بودجه های عجیب و غریبی که در سالهای مختلف وجود داشته، یکی از مشکل سازترین عوارض مالی کشور ما از لحاظ اقتصادی است، ما این جلسه شورای اقتصادی سران قوا را تشکیل دادیم، برای این که این مشکل برطرف شود، تا حالا هنوز برطرف نشده.»

رسانه حکومتی جمهوری اسلامی در روز یکشنبه ۴ دی ۱۴۰۱ نوشت: «مسئولان نظام نباید به آرامش نسبی کنونی دل خوش کنند و دچار این اشتباه شوند که همه چیز تحت کنترل است... به بعضی رجزخوניהا که این روزها جریان دارد، اعتنا نکنید و گزارشهای مثبت را نشانه پایان ماجرا ندانید. این تصور را هم کنار بگذارید که با اعدامهای چوب و فلک کردنها مشکل حل می شود و غائله می خوابد!»

آری انقلاب هنوز ادامه دارد و «اعدامها و چوب و فلک کردنها» تاکنون نتوانسته آن را مهار کند و برای همین است که ولی فقیه نظام اعتراف می کند که «با دروغ آشکار می گویند نظام رو به قهقراست.»

این روزها ترانه «تمام شد» به وسیله مجموعه ای از نوازندگان به وفور پخش می شود. در این مجموعه ولی فقیه و نهادهای امنیتی نظام نقش اصلی و صاحب امتیاز این آهنگ هستند. افراد دیگری هم هستند که خود را اویزیسیون تعریف می کنند، اما توجه ندارند که خارج از گامهای آهنگ (فالش) این ترانه را می خوانند. گروه اول می دانند که «تمام نشده» و از آن چه در گوشه و کنار کشور، باوجود وحشیانه ترین سرکوبها، می گذرد به طور کامل آگاه هستند. اما گروه دوم، اگر کاسه ای زیر نیم کاسه نباشد، افراد و جریانهای هستند که عموماً دستی در آتش نداشته و ندارند و واژه «میلیونی» و نبود آن را تکرار می کنند. برخی از افراد این گروه، روزهای پس از شنیدن صدای انقلاب به وسیله محمد رضا شاه، که آغاز شکل گیری یک قدرت دوگانه در کشور بود را با شرایط کنونی مقایسه می کنند و نتیجه می گیرند که در حال حاضر جنبش انقلابی تمام شده است. اینان حتی درختها را هم نمی بینند تا چه رسد به جنگل و ناآگاهانه و یا از روی غرض، خیزشها را نادیده می گیرند و اگر جرات کنند وجود آن را انکار می کنند.

وقتی در شامگاه پنجشنبه ۲۷ بهمن، به مناسبت چهلمین روز اعدام زنده یادان محمد مهدی کرمی و سید محمد (کیان) حسینیه، در کف خیابان، دهها منطقه تهران، شعار «مرگ بر خامنه ای» و «مرگ بر دیکتاتور» سر داده شد، وقتی در همین زمان، در دهها شهر بزرگ و کوچک فریاد «مرگ بر دیکتاتور»، «فقر فساد گرونی»، می ریم تا سرنگونی، «خامنه ای قاتله، ولایتش باطله» و... سر داده شد، وقتی جمعه های خیزشی در زاهدان، راسک، گالیکش و... با شعارهای «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت»، «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر»، «خامنه ای حیا کن، مملکتو رها کن»، «سفره ما خالیه، خامنه ای جانیه»، «فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی»، «مرگ بر مخیر، مرگ بر بسجی، مرگ بر سپاهی»، همچنان با شور و رمزندی ادامه دارد، وقتی هر شب در برخی از بخشهای تهران فریاد «مرگ بر خامنه ای» سر داده می شود و هنگامی که هر روز شاهد برگزاری پرشور یادمان شهیدان، جنبش انقلابی هستیم، چگونه می توانیم مدعی «تمام شد» شویم.

در این مورد می توانیم گاهی هم به آن چه در هرم قدرت و پیرامون آن می گذرد داشته باشیم. زیرا یکی از نشانه های «شرایط انقلابی» این است که حکومت نمی تواند به «شکل گذشته» ادامه حیات دهد. بسیاری با حذف واژه «گذشته» از این که حاکمیت ادامه حیات می دهد، نتیجه می گیرند که حکومت هست و چون «هست» پس جنبش انقلابی «نیست».

اما واقعیت وجودی حکومت با همه مشخصات و مختصات آن نشان از آن دارد که «وضع» موجود همان «وضع» دیروز نیست و نسبت به دیروز برای اجرای امور مربوط به حکومت نه توانا تر، که ضعیف تر شده است. این پروسه هر گاه تمام، شاکله حکومت را شامل شود، می توانیم نتیجه گیری کنیم که موریانه به جان حکومت افتاده است. برای اثبات این امر دو عامل برجسته وجود دارد: ریزش مداوم از هرم قدرت و تشدید تضاد در آن چه باقی می ماند و این دومی موجب ریزش جدید می شود.

پیرامون ریزش نیاز به کنکاش زیادی نیست. برآمد یک قاتل بدنام در مسند ریاست جمهوری اسلامی و اشغال بهارستان توسط تعدادی دزد و غارتگر، که شامل وزرای کابینه هم می شود، تصویر کامل ریزش در ولایت خامنه ای را در مقابل چشم همگان قرار داده است.

در باره تشدید تضاد در درون شاکله موجود نظام، به چند مورد از میان صدها مورد که در ماه بهمن رونمایی شده، می پردازم.

پاسدار یحیی رحیم صفوی، دستیار و مشاور نظامی ولی فقیه در تشریح شرایط جاری در کشور، به تأثیرات شبکه های اجتماعی و فناوریهای رسانه پرداخت و از تهدیدی اجتماعی و ایدئولوژیک تحت عنوان «جنگ شناختی» نام برده است. او در دانشگاه فرماندهی و ستاد سپاه (دافوس) اذعان کرد که جمهوری اسلامی در «جنگ رسانه ای، فضای مجازی و شناختی» عقب مانده و مانند عملیات خیبر و بدر در جنگ هشت ساله با عراق، شکست خورده است. (وبسایت انتخاب، چهارشنبه ۲۶ بهمن)

وبسایت دویچه وله فارسی که این خبر را در روز جمعه ۲۸ بهمن پوشش داد، پیرامون این سخنان به یادداشت وبسایت «نورنیوز» وابسته به شورایی عالی امنیت رژیم پرداخت. در این یادداشت با «براز تاسف از تحلیل غلط برخی نخبگان» و بازتاب وسیع «عبارت شکفت آور یکی از فرماندهان عالی نیروهای مسلح» در «رسانه های معاند»، آمده است: «بزرگ نمای تأثیرگذاری جنگ شناختی دشمن در رخدادهای اخیر و حتی اذعان به این گزاره غلط که جمهوری اسلامی ایران در این عرصه دچار شکست و هزیمت شد، ضمن آنکه ریشه در واقعیت ندارد، به نوعی تضعیف کننده جبهه خودی و روحیه دادن غیر مستقیم به دشمن در میدان است که با وجود سرمایه گذاریهای هنگفت در آن، موفق به کسب پیروزی و موفقیت مورد نظر نشد.»

سرمقاله ...

بهمن؛ انقلاب ناتمام

منصور امان

بقیه از صفحه ۱

رژیمی که سوار بر موج قیام بهمن به قدرت رسید، نه از نظر جهان بینی و دیدگاه، نه از جهت سابقه و تاریخچه و نه به لحاظ طبقاتی هیچ خویشتن‌اندی با انگیزه‌ها و نیروی محرک یک انقلاب ضددیکتاتوری با آمجهای دموکراتیک نداشت. در افق فکری و برنامه‌ای آخوند خمینی و محفل وی نوعی از اسلام سیاهی می زد که تجدید حیات مناسبات، اینها و رسوم عهد بیابانگردی را بر پیشانی داشت و مدرنیسم، قانونگرایی و فرهنگ عهد حاضر را شیطانی و دشمن جایگاه و امتیازات خویش می شمرد.

راهزنان آزادی از شیخ فضل الله تا سید روح

الله

بهره برداری فرصت طلبانه حاکمان کشور از قیام ۵۷ اما فقط به ۲۲ بهمن و مناسبتی که سرگونی رژیم شاه را قطعیت بخشید محدود نمی شود؛ رژیم ولایت فقیه اساس و بنیانگذاری خود را مدیون سوواستفاده از امیدها و آرزوهای اکثریت مردم ایران برای آزادی و عدالت است؛ آملی که محصول یک دوره کوتاه، یعنی فقط دو سال آخر حاکمیت رژیم پهلوی و خودنمایی آخوند روح الله خمینی نیست، بلکه در تاریخ معاصر، ریشه در انقلاب مشروطیت و خواسته های دیرینه مردم ایران دارد.

ارتجاع اسلامی پیشینه ای به درازای تاریخ بنیانگذاری مذهب شیعه در عهد صفوی دارد، اما ورود جدی آن به پهنه سیاست و امر حکومت در دوره انقلاب مشروطه اتفاق افتاد؛ زمانی که شیخ فضل الله نوری در همدستی با دستگاه سلطنت به مخالفت با قانونگذاری مدنی، تشکیل نهاد آن و محدود ساختن قدرت و اختیارات دستگاه سلطنت برخاست و به جای آن خواهان جاری شدن شریعت گردید. او نیز همچون آخوند خمینی و بازماندگان، دشمن سرسخت مدرنیته و جلوه های سیاسی - فرهنگی آن بود و به شدت با راه اندازی مدارس نوین، سپرده شدن وکالت مردم به غیر مرجعیت، آزادی بیان و هر اصل دیگری که حقوق شهروندی را مادی می کرد، مخالف می ورزید. با این حال، بورژوازی ملی که رهبری انقلاب را در دست داشت، توانست در این کشاکش، استبداد و ارتجاع فتودالیستی را کنار بزند و مانع انحراف انقلاب زیر پوشش «مشروطه مشروعه» بشود.

کسروی در باره شیخ فضل الله می گوید: «از یکسو به شکوه و آرایش زندگی و به نام و آوازه دل بستگی بسیار می داشت و "پارک الشریعه" بنیاد نهاده و اسب و کالسکه بسیج کرده همیشه با دستگاه اعیانی می زیست، از یکسو فریفته "شریعت" می بود و رواج آن را بسیار می خواست، توده و کشور و اینگونه چیزها نزد او ارجی نمی داشت، به این اندیشه ها کمتر نزدیک آمده بود.»

دوره بعدی ورود مخرب ارتجاع اسلامی به سیاست در جریان نهضت ملی شدن نفت صورت گرفت. آخوند ابوالقاسم کاشانی که خود را «رهبر جهان اسلام» معرفی می کرد، با هدف بهره برداری از این جنبش په سود پرکنشیدن خود و دستگاه روحانیت در هیبراشی قدرت با آن همراه گردید. اما هنگامی که خواسته جامعه از سطح استقلال ملی و مبارزه علیه استثمار فراتر رفت و مطالبه دموکراتیک آزادی و برچیدن بساط استبداد مطرح شد، وی به سرعت به جبهه مقابل کوچ کرد و با شرکت فعال

در کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد، جنبش را به شکست کشاند و مانع برآورده شدن مطالبات آن گردید. شباهتهایی که بین رویکردها و خط و برنامه عمیقاً ضددموکراتیک و ضدانقلابی دو چهره یاد شده با آقای خمینی وجود دارد، تصادفی نیست. برای همگی آنها اسلام فقط یک دین نبود، بلکه نظامی اجتماعی و یک سیستم سیاسی است که در نقش نزدیک بالا رفتن دستگاه روحانیت و در راس آن فقها از پلکان سلسله مراتب اجتماعی عمل می کند. از آنجا که تئوری اسلام سیاسی، قانون را شریعت و وظیفه تفسیر و تطبیق آن را در انحصار فقها می داند، بنابراین چیزی به نام حقوق عامه را به رسمیت نمی شناسد و نظم و ترتیبی که شهروندان را در برابر دستگاه دین و حکومت خودمختار و صاحب رای کند را بر نمی تابد. فقها و خلفا به استناد به چنین نظرگاهی و در نتیجه گیری از جایگاه ویژه ای که برای دین شان برمی شمارند، برای خود نیز جایگاه ویژه ای قائل هستند؛ آنها می گویند واسطه انحصاری خدا بر زمین، با حق دخل و تصرف در امور پندگان او هستند. در حقیقت، دین در این بازی، ابزاری برای

کرده و شرافت و حیثیت او را به وی باز داده است. زن مساوی مرد است؛ زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند.»^(۱) رسانه های جریان اصلی در آمریکا و اروپا و نیز بی بی سی فارسی مروج این ادعاهای دروغین و همچنین سایر گفته های فریبنده آقای خمینی بودند و آن را بدون نقد و واریسی به گونه گسترده پوشش می دادند. این در حالی بود که وی به هر چیز جز تصویر رنگین و دموکراتیکی که ترسیم می کرد باور داشت و این نیز نکته پنهانی نبود؛ برای مثال او در سال ۱۳۴۱ به مخالفت با حق رای زنان برخاست و در نامه ای به شاه نوشت: «دولت در انجمنهای ایالتی و ولایتی، "اسلام" را در رأی‌دهندگان و منتخبین شرط نکرده و به زنها حق رای داده و این امر موجب نگرانی علمای اعلام و سایر طبقات مسلمین است... مستدعی است امر فرمایید مطالبی را که مخالف دیانت مقدسه و مذهب رسمی مملکت است، از برنامه‌های دولتی و حزبی حذف نمایند تا موجب دعاگوی ملت مسلمان شود.»^(۲)



علیه آزادی، در تدارک استبداد

جریانهای وابسته و دست راستی آگاهانه بر مطالبات دموکراتیک و آزادیخواهانه قیام ۵۷ و نیروهای اجتماعی که در آن شرکت داشتند سرپوش می گذارند تا خیزش جامعه را که برای کسب حقوق خود برخاسته بود، «کور» و بی هدف جلوه داده و تلاش برای دستیابی به آرمانهایی که از انقلاب مشروطه تا آن هنگام زیر پای دیکتاتوری دوگانه رضا و محمدرضا شاه لگدمال شده بود را در جایگاه «ناسپاسی» قرار دهند. آنها تضاد عمیق طبقاتی و رفاهی این دوران که خود را بین شمال و جنوب شهرها و بین شهر و روستا به نمایش می گذاشت را زیر فرش جارو می کنند و بر بحرانهای چندگانه اقتصادی از اوایل دهه پنجاه تا مقطع قیام سرپوش می گذارند تا توده هایی که برای عدالت اقتصادی و زندگی بهتر به خیابان آمده بودند را با وقاحت «نادان» بنامند و بر پوشش آنها برجسب ناروای «خودکشی» بزنند.

اینان شیادانه پامالی حقوق شهروندان، تخته کوب کردن فعالیت احزاب و سازمانها، ممنوعیت تشکیل سندیکاها و اتحادیه های مستقل، خفه کردن آزادی بیان، سانسور مطبوعات و جز آن را قلم می گیرند و شبه مدرنیته ای معیوب در عهد دیکتاتوری قبلی را برجسته می کنند که پوشش زنان و کراوات مردان دلیل حقانیت آن است. راست سرنگون شده پنهان می کند که یک رژیم پلیسی متکی به سازمان امنیت مخوف خود (ساواک) و با روشهای قرون وسطایی از چنین «مدرنیته ای» پاسداری می کرد.

بقیه در صفحه ۴

تحکیم سلطه نظری و عینی متولیان و مشروعبیت دادن به بی حقوقی است. دین، هنجارها و اصول و مقررات اخلاقی آن وسیله ای است که جاده کسب قدرت و ثروت را برای دستگاه اداره کننده اش باز می کند و از طریق خلع ید جامعه آن را امتداد می بخشد؛ رویکردی که ماهیت آن را به گونه نهادین ضددموکراتیک و مستبد شکل می دهد و در پهنه عمل اجتماعی به شدت نامدارا و خشن پدیدار می سازد.

گورکن با نقاب

آمجهای قیام ۵۷ و انگیزه ای که توده ها را به خیابان کشاند، به کلی با این نظرگاه و برنامه اش در تضاد بود و هم از این رو بود که خمینی پیش از به قدرت رسیدن، چاره دیگری به تن کرد و حيله گرانه در نقش مدافع مطالبات آزادیخواهانه جامعه پدیدار شد. او تلاش می کرد با حمله به رژیم شاه از این زاویه، نیروی ضد دیکتاتوری که به گونه وسیع در جامعه فعال شده بود را به زیر پرچم خود بکشد و رهبری آن را به دست گیرد. او تنها ۹ ماه پیش از پیروی قیام بهمن، در اردیبهشت ۵۷، در مصاحبه ای با روزنامه فرانسوی «لوموند»، علت مخالفت اش با رژیم شاه را «پاپمال کردن آزادیهای فردی و از بین بردن انتخابات واقعی و مطبوعات و احزاب» عنوان کرد. او اضافه کرد که «در ایران انعقاد مجامع سیاسی - مذهبی ممنوع است. استقلال قضایی و آزادی فرهنگی بهیچوجه وجود ندارد». او عدم تفکیک قوا و «غصب قوای سه گانه» توسط شاه را مورد انتقاد قرار داد. وی همچنین با اشاره به زنان تاکید کرد: «در خصوص زنان، اسلام هیچگاه مخالف آزادی آنان نبوده، برعکس، اسلام با مفهوم زن به عنوان شیء مخالفت

«مولد سازی»، قانونی کردن غارت مردم

زینت میرهاشمی

آهنگ ماندن

م. وحیدی (م. صبح)

در شریاز، چشمانم
ستارگانی شناورند
که قرنه‌های خاموش، را
روشن، می کنند
نمی دانی
رها،
چگونه می دود
در سر انگشتانم
تا روز را
به تماشا بنشینند
و بنفشگانش را
به پرواز در آورد
از من، مخواه
با فانوس شکسته ات
- که قهر است و تاریکی، -
به بام چهارن
سفر کنم
اندیشه عقیم تو
ناگریزی فحیم، ست
که آینه را
کدر می کند
بیهوده ست
امیدهای تو
ای بیگانه بامن و ما
به ویرانه ات باز گرد!
بالهایت
روشنای زمین، را
پارو می کشند
و آسمان، باورت
گناه را

تکثیر می کند
می گریزم از وسوسه نگاهت
تا در واپسین غروب
از عطر کوچکی های اقاقی
سیراب شوم

اسلامی که از نظر تاریخی همواره متحد استبداد حاکم بود و به همین دلیل، از امتیاز فعالیت و سازماندهی آزادانه و نیز دریافت کمک مالی و تجهیزاتی از آن برخوردار بود، توانست روی قیام آزادیخواهان و استقلال طلبانه مردم ایران لیز بخورد و آن را به دنبال خود به آمیخته متناقض و مبهمی به نام «جمهوری اسلامی» بکشاند.

ارتجاع اسلامی امروز در ضعیف ترین موقعیت خود در تاریخش بسر می برد و بحران پذیرش اجتماعی آن را به گونه عملی از ردیف یکی از مولفه های تاثیرگذار معنوی یا مادی در حیات اجتماعی حذف کرده است. آنچه که باقی مانده و همچنان روی میز توده هاست، تغییرات بنیادی دموکراتیک و پایان دادن به هر شکلی از خلع ید و بی حقوقی چه در جامعه مذهبی و چه در ردای پادشاهی است. جنبش انقلابی شهریور، مطالبات و نیروهایی که آن را پیش می برد، می تواند این وظیفه را به انجام برساند.

پانویس

(۱) صحیفه امام

(۲) همانجا

(۳) تاریخ مشروطه ایران - احمد کسروی

راه و شهرسازی، رئیس سازمان بودجه و برنامه، یک نماینده از طرف رئیس مجلس (پاسدار قالیباف، دزد مشهور) و یک نماینده از طرف رئیس قوه فاسد قضائیه است. ریاست هیات غارتگران با مخبر، معاون رئیس، است. اعضای این هیات را باید نمایی از تداوم غارت و چپاول در سیاست یک پایه سازی خامنه ای در زمینه اقتصادی تعریف کرد.

تشکیلات جدید ۷ نفره مورد اعتماد خامنه ای، ارگان فراقانونی است که نقش بی خاصیت مجلس ارتجاع را نشان می دهد. طفیلیهای مجلس نشین که با پول مردم نقش عروسک و ملیجک خامنه ای و سپاه پاسداران را بازی می کنند، اکنون چاره ای جز تایید صد در صد ندارند.

این طرح غارتگرانه با فروش مدارس و زمینهای کشاورزی کلید خورده است. براساس خبرهای مربوط به این طرح، هزاران مدرسه تازه ساز و یا قدیمی در سایت مولد سازی در ردیف «اموال مازاد» به فروش گذاشته شده است. از مدارس به فروش گذاشته شده، بیشترین آنها در مناطق محروم خوزستان و بلوچستان قرار دارد. رژیم در حالی این مدارس را برای فروش گذاشته که ساخت آن در ایران بیشتر توسط افراد خیر صورت می گیرد. نبود مدارس کافی به ویژه در استانهای مرزی و مناطق محروم از مشکلات مردم است.

خامنه ای روز دوشنبه ۱۰ بهمن برای مشروع کردن شبکه فساد جدید گفت: «من شهادت می دهم دولت در حال کار و تلاش است اما مراقب جهتگیریها باشند». کار و تلاش دولت برگزیده خامنه ای، همانا غارت هر چه بیشتر همراه با سرکوب بی محابا است.

بهمن؛ انقلاب ناتمام

بقیه از صفحه ۳

درست این است که بخش زیادی از شرکت کنندگان در قیام و به ویژه محافظه کارترین و عقب مانده ترین بخشهای جامعه، بدون اما و اگر به آخوند خمینی اعتماد کرده و به او برای تحقق خواسته هایشان وکالت دادند. در این اشتباه تاریخی، باورهای دینی که در آن مرجعیت و رهبران دینی جایگاه ویژه ای داشتند، نقش کلیدی ایفا می کرد. دستگاه دین به همراه مقبره های امامان و امامزاده ها، مساجد و تکیه ها نقطه وصل آنها به دین بود و از همین رو همانگونه که در رسوم و مقررات دینی به آنها تاسی و اعتماد می کردند، این کاست را در نمایندگی خواسته های سیاسی و اقتصادی شان نیز اعتمادپذیر قلمداد کردند. همزمان نفوذ سنتی روحانیت در بین بازاریان و کسبه، منابع مالی و قدرت بسیج دوچندانی در اختیار آقای خمینی و حلقه پیرامون وی گذاشته بود که امکان دامن زدن به توهم توده و جذب بیشتر را برای او فراهم کرد.

برآمد

قیام بهمن ناکام ماند نه از آن رو که آماجهای غلط و هدف گذاری اش اشتباه بود. این تلاش عظیم برای رهایی از آن رو شکست نخورد چون بر متن جنبشی بدون تاریخ و بدون هویت جریان یافته بود؛ کوششها به سرانجام نرسید زیرا نیروها و بخش آگاه جامعه که زیر سرکوب، ترور و سانسور پیوسته ی رژیم شاه قرار داشت، قادر به رهبری توده ها نشد و آن آگاهی سیاسی که زیر رهبری آنها می توانست ترویج شود و جامعه را نسبت به تهدید ارتجاع اسلامی و نیروهای قشری هوشیار سازد، پرورده نشد و شکل نگرفت. در غیاب آنها، ارتجاع

در هنگامه تشدید بحران انقلابی و همپا با انقلاب جاری، حکومت به شدت نیازمند به پول شده است. واضح است که مهار جنبش انقلابی بیش از هر هنگام برای دیکتاتوری ولایت پر هزینه شده است. همزمان با هزینه بری سرکوب در داخل، با توجه به بحران جنگ روسیه و اوکراین، بحران در کشورهایی که رژیم روی آنها سرمایه گذاری کرده است مانند عراق، سوریه، لبنان، یمن و... هزینه بازی گری تروریستی رژیم را هم افزایش داده است.

خامنه ای که حاضر به پرداخت از امپراطوری مالی خود نیست، برای رفع مشکل کسری بودجه چهارصد هزار میلیارد تومانی دولت دست نشانده اش، راه چاره را مانند همیشه دست در جیب مردم کردن و غارت ثروتهای مردم دیده است و با توجه به شرایط، نام جدیدی برای شبکه فساد حکومتی انتخاب کرده است. «مردمی سازی اقتصادی و مولد سازی دارایی دولت» نام جدیدی برای غارت اموال مردم با امضای خامنه ای است و با توجه به نقش چالش برانگیز رئیسی در میان باندهای حکومتی، اجرای شدن این طرح احتیاج به دفاع مطلق خامنه ای از آن داشت.

مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا با حقه بازی «مولد سازی داراییهای دولت» نامیده شده و با تایید خامنه ای، ادامه غارت و دزدی اموال عمومی مردم، این بار در هیاتی حرفه ای تر و پراسفاه است. بنا به پرونده فساد ناشی از خصولتی سازی، این بار همه پنجره ها به سوی تاریخخانه هیات دزدان و آدمکشان بسته شده است. انداختن چراغ به این هیات، جرم و مجازات خواهد داشت.

اعضای تصمیم گیرنده دستبرد به منبع ثروت عمومی، به پشت گرمی خامنه ای، قرار است بر سرنوشت بخش عظیمی از اموال مردم که در مالکیت دولت است، به نفع پر کردن کسری بودجه دولت تروریستی تصمیم بگیرند. ویژگی این شکل غارت و دزدی، این است که طی دو سال هر گونه قوانین و مقرراتی که مغایر با فعالیت آنها در فروش این اموال باشد ملغی خواهد بود. این فرد مصونیت قضایی خواهند داشت و انتقاد یا افشای کار آنها جرم و شامل مجازات خواهد بود.

حسین قربان زاده، رئیس سازمان خصوصی سازی به وسایط رسمی اطلاع رسانی دولت گفته «چرا باید بانکهای دولتی که توان تسهیلات دهی ندارند، املاک رفاهی و تفریحی در بهترین نقاط تهران و سواحل شمالی و جنوبی داشته باشند همچنین بسیاری از ادارات و وزارتخانه ها. اینها باید به مردم واگذار شود». در این گفته منظور از «مردم» غارتگران است که برای چپاول اموال مردم به صف شده اند.

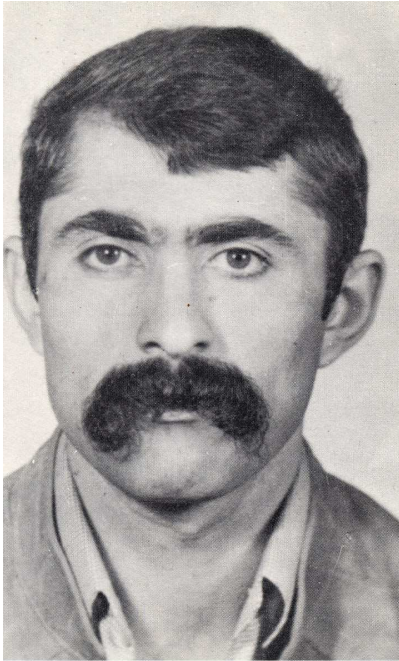
نتیجه خصوصی سازی که با ابلاغ فرمان خامنه ای بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی از اواسط دهه ۸۰ به اجرا درآمد، خصولتی سازی و شکل گیری اقتصاد شبه دولتی، رانتی و فروش اموال دولتی با قیمتهای بسیار پایین بین خودیها بود. این نوع خصوصی سازی که به درستی خصولتی نامیده می شود، باعث بیکاری کارگران، ورشکستگی شرکتهای واگذار شده، دادن وام به گیرندگان این شرکتهای، فرار آنها با پولهای وام گرفته شده از بانکها و... شد. غارت و دزدی این بار با نام دیگر و بیمه صد در صد امنیت غارتگران قرار است به اجرا درآید.

ترکیب هیات دزدان: معاون اول رئیسی (سردسته دزدان)، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر کشور، وزیر

در آستانه چهلین سالگرد شهادت یازده تن از پیشمرگان فدائی

مروری بر بحران در سازمان و غلبه سیاست سکتاریستی بر شاخه کردستان

مهدی سامع



فرمانده رفیق مسعود رحمتی

توکل با تهدید با من صحبت کرد و گفت تعدادی از پیشمرگان تو را مسئول شکست این عملیات می دانند و بنابراین باید از مسئولیت شاخه استعفا دهی تا جلسه کمیته مرکزی به زودی برگزار شود و تصمیم گیری شود. او گفت اگر استعفا ندهی با توجه به شرایط برای «بد» می شود. شرایط را مناسب نمی دیدم. برای جلوگیری از درگیری کوتاه آمدن و فقط گفتیم که عملیات شکست نخورده و در مورد علت شهادت رفقا که در هر درگیری نظامی امکان آن هست، می توانیم جلسه ای تشکیل دهیم و او جواب داد فعلاً شرایط برای جلسه آماده نیست و به بعد واگذار کرد. همین جا به این نکته تاکید کنم که توکل از بیانیه مربوط به عملیات استفاده

بسیار در خارج از کشور کرد. او خود را به مسئولیت شاخه کردستان منصوب کرد و همه از گانهای شاخه به شمول کمیته کردستان را منحل کرد. برخی اقدامات سطحی، نمایشی و شرم آور هم انجام داد که از آن می گذرم.

در خرداد سال بعد (۱۳۶۲) به جای کنگره در یک جلسه پانزده دقیقه ای اقدام به شبه کودتا علیه من یا تصفیه تشکیلاتی کردند. با بخش این خبر، دو نفر از رفقا از تشکیلات کناره گیری کردند و تعدادی از پیشمرگان هم از آن منطقه که مستقر شده بودیم با اسلحه خود خارج شدند. توکل برای دومین بار دست به تهدید زد و رسماً اعلام کرد که درگیری نظامی می کنیم. تهدید او جدی بود و فاجعه گاپیلون هم نشان داد که او برای پیشبرد خط سکتاریستی اش از هیچ عملی دریغ نمی کند. در این جا من به توکل گفتیم رفقای پیشمرگه را پیدا می کنیم و همه اسلحه ها را تحویل می دهیم و چنین کردم. این بار هم کوتاه آمدن و از آن زمان به بعد و به خصوص بعد از فاجعه در روستای گاپیلون که پنج تن از پیشمرگان قربانی شدند، از تصمیم خود خوشحالم و آرامش درونی دارم که مانع یک خون ریزی درونی شدم که خسارهای آن از هر جهت بسی بیشتر از فاجعه گاپیلون بود.

یک سال پس از حماسه پیشمرگان فدایی، توکل خون رفقا را دستاویز حرکتی شرم آور خود کرد و نوشت: «اینک اهدافی را که آنها با خون خود نوشتند به تحقق پیوسته است و شاخه کردستان حیات دوباره یافته است و لیبرالیسم جبون و دنباله رو از شاخه طرد گردیده است.» (ریگای گل شماره ۱۴ / بهمن ۱۳۶۲ / ص ۱۱) گذشت زمان خیلی زود ادعای او را محک زد. دو سال پس از آن که او مدعی «طرد» «لیبرالیسم جبون و دنباله رو» از شاخه کردستان شد، فاجعه گاپیلون در ۴ بهمن ۱۳۶۴ اتفاق افتاد که منجر به تلاشی شاخه کردستان شد و مدت کوتاهی پس از این فاجعه دردناک، سه نفری که آن شبه کودتا را انجام دادند، از هم جدا شدند و هر کدام به راه خود رفتند و به دنبال تلاشی شدن شاخه کردستان، اقلیت نیز با سیاستهای توکل متلاشی شد.

اکنون چهل سال از آن حماسه ماندگار می گذرد بر این دیدگاه پافشاری می کنیم که عملیات پیشمرگان فدایی موفقیت آمیز بود و در مورد علت شهادت یازده پیشمرگ فدایی اعلام آمادگی می کنیم که نظر یک کمیته تحقیق، متخصص در امور نظامی از احزاب کردستان ایران پیرامون آن عملیات را می پذیریم و اگر در مورد شهادت آن رفقا، از نظر این کمیته تحقیق مسئولیتی متوجه من شد، قضاوت یک دادگاه صالح و عادلانه را هم می پذیریم.

بهمن ۱۴۰۱ / پاریس

منبع: وبسایت اتحاد فدائیان خلق ایران*

دیدگاه خود پیرامون بحران در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را در مقاله ای با عنوان «بحران در جنبش کمونیستی ایران، راه حل برون رفت از آن و نقش ما» به تاریخ اول مرداد ۱۳۶۲ نوشتم و در جزوه ای با دو مقاله دیگر منتشر کردم. چند سال پیش هم در مجموعه ای که در شماره صد مجله آرش منتشر شد به گرایشهای درون سازمان پرداختم و در این دو نوشته انتقاداتی که به خود داشتم را مطرح کردم. از این رو در این جا فقط به بخشی از بحران که پس از شهادت رفقای ایجاد شد و در ادامه منجر به فاجعه گاپیلون در ۴ بهمن ۱۳۶۴ و متلاشی شدن شاخه کردستان شد می پردازم.

در اسفند ۱۳۶۰ طی چند ضربه به سازمان تعدادی از رفقای کمیته مرکزی و کادریهای مسئول به شهادت رسیدند. پیش از این هم دو تن از رفقای کمیته مرکزی به شهادت رسیده بودند. این ضربه سنگین در شرایطی بود که نیروهای سازمان در سراسر کشور از ۳۰ خرداد این سال تحت پیگردهای گسترده بودند. پس از ضربه اسفند، در اردیبهشت ۱۳۶۱ از کردستان برای شرکت در جلسه کمیته مرکزی به تهران رفتم. از کمیته مرکزی تنها سه نفر (هاشم، توکل و من) همراه با دو مشاور کمیته مرکزی باقی مانده بود. در این جلسه مسایل گوناگونی مطرح شد که به راه حل عملی نرسیدیم. من پیشنهاد کردم که رفقای کمیته مرکزی و مشاوران آن و هریک از رفقای که زیر ضربه هستند، به کردستان آمده و پس از استقرار در کردستان، جلسه ای برای بررسی شرایط و کامل کردن کمیته مرکزی برگزار کنیم، البته به شرطی که در امور داخلی شاخه کردستان دخالت غیر تشکیلاتی صورت نگیرد. این پیشنهاد مورد قبول واقع شد.

به کردستان برگشتم و برای یک راهپیمایی (جوله) به سمت جنوب شروع به برنامه ریزی کردیم. رفت و برگشت ما حدود یک ماه طول کشید. بخش جنوب تشکیلات شاخه کردستان را تعطیل کردیم و به همراه آن رفقا به اطراف بوکان که پایگاه (مقر) اصلی شاخه، در روستای «باغچه» بود برگشتیم.

در این موقع هم رفقای جنوب کردستان و هم رفقای از دیگر نقاط به کردستان آمده بودند و تعداد افراد مستقر در شاخه افزایش قابل توجه پیدا کرده بود. این باعث شد که بحران موجود در کل سازمان به شاخه کردستان که نسبت به بخشهای دیگر با بحران حاد روبرو نبود، تریق شود. امکانات ما با توجه به ضربات بر کل سازمان بسیار اندک بود. در مدت یک ماه که من در باغچه نبودم، درگیری لفظی شدیدی بین توکل و هاشم صورت می گیرد و توکل به طور فردی هاشم را از مقر سازمان اخراج می کند. بهانه توکل این بود که هاشم در کار «اخلال» می کند. هاشم در محل دیگری که یک ساعت با پیاده رفتن با مقر باغچه فاصله داشت مستقر شده بود. برای حل و فصل اختلاف و تلاش برای نوعی از سازگاری پیش هاشم رفتم و از او درخواست کردم در جلسه ای برای توافق شرکت کند، او قبول نکرد و من به خطا در مقابل عمل به شدت غیر تشکیلاتی توکل واکنش لازم نشان ندادم. در این مورد پیش تر نوشته و از خود انتقاد کرده و به طور حضور هم به هاشم گفته ام. دومین اتفاق که خروجی آن تشدید بحران بود، برگماری تنها بازمانده بخش تدارکات سازمان به عضویت کمیته مرکزی بود.

از کمیته مرکزی سازمان من و توکل مانده بودیم و یک مشاور کمیته مرکزی. پیش از این برگماری توکل با من صحبت کرد و کمبود امکانات را مطرح کرد و به طور تلویحی گفت او دادن امکانات را به عضویت در کمیته مرکزی منوط کرده است و ما می توانیم به طور موقت او را برگمار کنیم تا جلسه وسیع و در آن زمان انتخابات برگزار کنیم. نمی دانم بین توکل و او در آن موقع چه گذشته است و اکنون هم نمی دانم اگر رفیق دیگری به جای من در مسئولیت شاخه بود چه می کرد؟ امکانات ما نزدیک به صفر رسیده بود، با این برگماری وضع تدارکات، بهبود پیدا کرد، هرچند هنوز هم از نظر سلاح و مهمات با کمبود روبرو بودیم.

جلسه وسیع که آن را کنفرانس یا پنلوم وسیع تعریف می کردیم در روزهای ۱۲ تا ۱۵ دی ماه ۱۳۶۱ (شاید هم کمی بیشتر) در فضایی پر تلاطم برگزار شد. برگماری یک عضو جدید به کمیته مرکزی مورد انتقاد شدید بود. اما به طور نسبی توافق شد که به سرعت برگزاری کنگره تدارک دیده شود.

برخی از رفقا که از نقاط دیگر به کردستان آمده بودند، مطرح می کردند که تشکیلات پیشمرگه «پرولتاری» نیست. آنها قبول نمی کردند که این تشکیلات بخش نظامی شاخه و یک تشکیلات توده ای است. تازه آمده بودند و بدون اطلاع از کم و کیف روابط و نوع سازماندهی می خواستند زود و سریع و با چند کلاس آموزشی، تشکیلاتی که آن را «لیبرالی» تعریف می کردند، «کمونیستی» کنند. موارد دیگری هم بود که به موضوع این مقاله ارتباط مستقیم ندارد و از آن می گذرم.

قبل تر نوشته ام که پس از خاکسپاری پیکر رفقای شهید بحران موجود در سازمان که به شاخه کردستان تزیق شده بود، بروز آشکار پیدا کرد.

دانشگاه در ماهی که گذشت (بهمن ۱۴۰۱)

کامران عالمی نژاد

بیانیه ی شورای صنفی دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری



در بخشهایی از این بیانیه که در روز پنج شنبه ۶ بهمن منتشر گردید، آمده است: جامعه‌ی دانشگاهی محل زیست، پرورش و تعامل است، محل رشد و تفکر و تجرب. مگر نباید از ارزشها و درونمایه‌ها و کسانی که مایه فخر و مباهات ایران و ایرانی اند دفاع کند؟! خواه مدافعت دانشجویان باشد، خواه استاد.

مگر رسالت دانشگاه جز این است که انسانهایی خردمند، اهل اندیشه، صاحب نظر، شجاع و آزادیخواه بپروراند؟! حال اینک، مایه تاسف جامعه دانشگاهی است که ببیند عضوی بس فرهیخته از اعضای دانشگاه، آن هم نه عضوی معمولی که استادی مجرب، با شرافت و با درایت را طی اقدامی بس ناجوانمردانه و البته غیرقانونی به تعلیق درآورده اند و ایشان را از رسالت اصلی اش یعنی آگاهی‌سازی و انتقال عشق و معرفت منع نموده اند؟! دکتر حسن باقری نیا، عضو هیات علمی دانشگاه حکیم سبزواری و جزو آن دسته از اساتیدی است که در طول عمری خدمت علمی و آموزشی به ارزش و اعتبار دانشگاه افزوده است و در این روزها که غبار بر ساحت حقیقت نشسته است، سکوت نکرده و حمایتش همواره شامل حال مردم این سرزمین بوده است؛ و البته که می دانیم صراحت بیان و صلابت ایشان در بیان حقایق روز و دفاع از حقوق ملت چیز جدید و غریبی نیست!!!

ما به عنوان عضوی از پیکره‌ی دانشگاهی ایران، دغدغهی از دست دادن چنین اساتیدی را داریم، و نه تنها معتقدیم اخذ این تصمیم برای استاد باقری نیا نهایت بی عدالتی است بلکه آن را بسیار هم نسنجیده و مغرضانه می دانیم!

قطع دسترسی دانشجویان کم حجاب به سامانه آموزشی

روز یکشنبه ۹ بهمن، جهانبین، معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه آزاد در جمع معاونین فرهنگی گفته: برای دانشجویان کشف حجاب کرده پیامک ارسال و آموزشیار این افراد بسته شده است تا با مراجعه به امور دانشجویی از آن‌ها تعهد اخذ شود. افراد کشف حجاب کننده دو دسته هستند یا با نظام مشکل دارند یا با تذکر مساله حل می شود. این افراد در صورت تکرار کشف حجاب مجدد به کمیته انضباطی ارجاع داده می شوند.

ادامه‌ی روند حذف و تصفیه اساتید همراه دانشجویان

پس از حذف و قطع همکاری با اساتید مدعو و هیات علمی در برخی دانشگاهها اعم از دانشگاه تهران، دانشگاه بهشتی، دانشگاه حکیم سبزواری و دانشگاه علامه، این بار شاهد حذف و قطع همکاری با تعداد زیادی از اساتید مدعو در دانشگاه فردوسی هستیم.

بنابر اخبار واصله در روز سه شنبه ۱۱ بهمن، حداقل ۱۱ تن از اساتید مدعو به دلیل همراهی، حمایت و دفاع از حقوق دانشجویان، قطع همکاری شدند. از این اساتید ۶ نفر از دانشکده ادبیات، ۳ نفر از دانشکده حقوق و علوم سیاسی، یک نفر از دانشکده ریاضی و ۱ نفر از دانشکده علوم اداری و اقتصادی این دانشگاه هستند.

قطع همکاری دانشگاه فردوسی مشهد با مهشید گوهری

دکتر مهشید گوهری، استاد ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، روز سه شنبه ۴ بهمن، با انتشار متنی در صفحه شخصی خود در اینستاگرام اعلام کرد پس از هفت سال تدریس مستمر، قطع همکاری با او و چندین نفر از همکاران شان تایید شده است. وی در بخشی از این یادداشت نوشته است:

آموختیم که با زبان برنده ادبیات می توان به دل سیاهی زد و دست بیداد و تباهی را کوتاه کرد و به دل بیدادگران زمان هراس افکند خونریزی ضحاک در این ملک فزون گشت کو کاوه که چرمی به سر چوب نماید

البته این ترم شرایطی فراهم شد که به صورت عملی مشق خردورزی و آزاداندیشی و حق جویی را در دانشگاه تمرین کنیم و همین بهانه ای شد برای پاکسازی گروهی از ما مدرسان ادبیات دانشگاه فردوسی.

تجمع دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران



جمعی از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران روز سه شنبه ۴ بهمن در همبستگی با اعتصاب دانشجویان دانشگاه هنر اقدام به تجمع کردند.

کانال تلگرامی شوراهای صنفی دانشجویان کشور تصاویری از این تجمع را که در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران برگزار شد، منتشر کرده است که دانشجویان با در دست داشتن پلاکاردهایی به احکام کمیته انضباطی علیه دانشجویان دانشگاه هنر اعتراض کرده اند.

«هنرهای زیبا همدوش دانشگاه هنر»، «نه به احکام ظالمانه کمیته انضباطی»، «در مقابل ظلم» و «اعتراض حق ماست» از جمله مضامین این پلاکاردها بودند.

در این میان برخی اقدامات دانشجویان مجسمه سازی این دانشگاه از جمله ساخت سنگ قبرهای نمادین در محوطه دانشگاه به یاد معترضانی که به دست نیروهای امنیتی کشته شدند، بازتاب گسترده ای در رسانه ها داشته است.

بیانیه جمعی از دانشجویان دانشکده زبانها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران

روز پنجشنبه ۶ بهمن، جمعی از دانشجویان دانشکده زبانها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران بیانیه ای منتشر کردند. در بخشی از این بیانیه آمده است:

پنجمین ماه انقلاب ژینا نیز از راه رسید؛ انقلابی نوین که با غریو "زن" آغاز شد و با نوید "زندگی و آزادی" به ما شهادت ایستادن و جنگیدن داد.

مسئولان دانشگاه تهران! روی سخن ما با شماست. شما می توانید ما را آزار دهید اما نمی توانید انقلاب ژینا را از ما بگیرید چرا که این انقلاب حالا در ذهن و جان ما رسوخ کرده و جای گرفته است.

ما دانشجویان دانشکده زبانها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران ضمن محکومیت خفقان حاکم بر فضای دانشگاهی، مخالفت خود را با احکام سنگگیرانه حجاب اجباری اعلام داشته و از همتایانمان در سایر دانشکده ها درخواست همدلی و هم صدایی داریم.

در نهایت "پیروز نبرد ملتی ست که خواست او آزادی و زندگی ست. زندگی بر مرگ پیروز می شود."

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۶

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز

روز دوشنبه ۱۰ بهمن، جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز بایرایی، تجمع مقابل این واحد آموزش عالی در استان آذربایجان شرقی، به عدم پاسخگویی مسئولان به کمبود امکانات زلزله زدگان خوی از جمله چادر، پتو، وسایل گرمایشی و مواد غذایی اعتراض کردند.

آخرین گزارشها و تصاویر منتشره در شبکه های اجتماعی، حاکی از کمبود چادر، پتو، وسایل گرمایشی و مواد غذایی از جمله نان در شهرستان خوی است.

ابراز «تاسف و خشم» یک صد عضو هیات علمی دانشگاههای ایران از

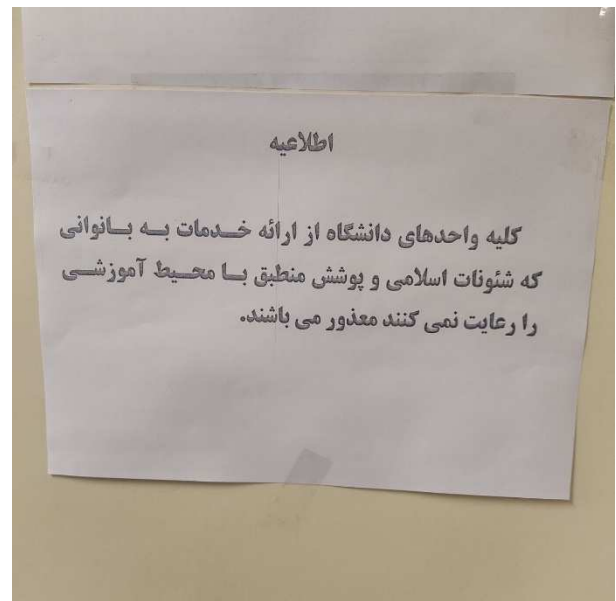
تعلیق حسن باقری نیا



روز چهارشنبه ۱۲ بهمن، یک صد تن از اعضای هیات علمی دانشگاههای مختلف ایران با انتشار بیانیه ای نسبت به حکم تعلیق حسن باقری نیا، عضو هیات علمی دانشگاه حکیم سبزواری، ابراز «تاسف و خشم» کردند.

امضاکنندگان این بیانیه تاکید کرده اند که صدور حکم تعلیق آقای باقری نیا «بدون طی روال قانونی» انجام شده و مدیریت دانشگاه نیز در این حکم به هیچ جرمی که ارتکاب آن توسط مراجع قضایی احراز شده باشد، استناد نکرده است. از آغاز اعتراضات جاری در ایران گزارشهای متعددی از فشارهای امنیتی بر اساتید دانشگاههای مختلف کشور که از معترضان و دانشجویان بازداشتی حمایت کرده اند منتشر شده است. این فشارها در برخی موارد به تعلیق و اخراج اساتید نیز انجامیده است.

شیوه ای دیگر از سرکوب دانشجویان



در بازه صد روزه خیزش ایرانیان و در ادامه اعمال سرکوبگرانه نهادهای مختلف از جمله دانشگاهها، طبق گزارشهای چند تن از دانشجویان دانشگاه هنر تهران، در روز چهارشنبه ۱۲ بهمن، حراست فیزیکی و کارمندان این دانشگاه، به ویژه در پردیس باغ ملی، با نامه دستوری محمدرضا حسنائی، رئیس سابق بسیج اساتید و رئیس کنونی دانشگاه هنر تهران، اقدام به نوشتن نام و برخورد فیزیکی با دانشجویانی که علیه اجبار تحقیرآمیز چندین ساله حاکمیت، با پوشش اختیاری در دانشگاه حاضر می گردند، کرده اند؛ طبق گفته مسئولان دانشگاه از جمله اعضای حراست که نظیر همیشه، در راستای ارباب و سرکوب دانشجو است، ثبت این اسامی به این خاطر می باشد که فرایند مجازات و حتی اخراج این دانشجویان آغاز گردد!

همچنین، کارمندان دانشگاه با اشاره به این که با دستور حوزه ریاست، قادر به ارائه خدمات به آنها نیستند، از رسیدگی به امور اداری دانشجویان خودداری کردند.

صدور حکم «بازنشستگی اجباری» برای ۹ استاد دانشگاه آزاد تهران سوسن صفاوردی، علی اکبر امینی، علیرضا رادمهر، حسین تفضلی، دی دخت صادقی، محمدعلی خسروی، ملک تاج خسروی، بیژن نیری و ساجدی، ۹ تن از اساتید دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، در روز شنبه ۱۵ بهمن، با صدور حکم «بازنشستگی اجباری» مواجه شدند.

سوسن صفاوردی، یکی از اساتیدی که با حکم مذکور مواجه شده، گفته است: «سه شنبه هفته پیش در جریان امتحانات ترم جاری، از دفتر رئیس دانشکده تماسی گرفته و اعلام شد که ابلاغیه بازنشستگی شما آمده است و باید به امور اداری برای انجام امور تشریفات مراجعه کنید. اینکار بدون هیچگونه آمادگی قبلی بوده و به یکباره اسامی ۹ نفر را اعلام کردند».

خانم صفاوردی ادامه داد: «ما ۹ نفر استادی که حکم بازنشستگی اجباری مان را به پنهان سن بازنشستگی تامین اجتماعی ابلاغ کرده اند، بارها و بارها مورد تهمت قرار گرفتیم که ضد انقلاب هستیم و عدم لحاظ حق التدریس در ترم جاری برای ما را نیز با همین ادله توجیه کردند».

بیانیه و تجمع دانشجویان تربیت مدرس در حمایت از فرهاد میثمی



در بخشهایی از این بیانیه که در روز یکشنبه ۱۶ بهمن، انتشار یافت، آمده است: درست هنگامی که حکومت و سرکوبگرانش سرمست از پایان یافتن اعتراضات و شعله های انقلاب، به خیال خام شان، بازگشت امور به پیش از قیام ژینا را انتظار کشیده و می خواهند ترس و ناامیدی را میان مردم حکم فرما کنند رخدادهایی از گوشه گوشه جغرافیا و تاریخ کثیر مقاومت حادث می شود تا علیه استراتژی فراموشی و عادی سازی قد علم کنند. قیام علیه فراموشی گاهی با یک سخنرانی در مراسم تدفین انجام می شود، گاهی با آزادی یک زندانی و نشان دادن علامت پیروزی، گاهی با انتشار تصاویر جلسه دفاع از پایاننامه یک زندانی در زندان و گاهی با انتشار تصویر نزار یک زندانی در حین اعتصاب غذا...

ما جمعی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس ضمن اعلام حمایت از کنش آزادیخواهانه دکتر میثمی و پافشاری بر مطالبات ایشان و محکوم کردن خشونت و سرکوب بی حد و حصر حکومت در عرصه ها و ساحتهاى مختلف از دانشگاه تا زندان به ایشان می گوئیم نه تنها ما بلکه همگان پیام شما را دریافت کرده اند. ما در پایان ضمن هشدار به حکومت در مسئولیت حفظ جان فرهاد میثمی از ایشان می خواهیم به خودداری از خوردن غذا پایان داده و جان زیبای خود را نجات دهد. همان طور که همه بر آن تاکید کرده اند جامعه ما برای ساختن آینده ای بهتر به انسانهایی همچون ایشان سخت نیازمندست.

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۷

تجمع و اعتراض دانشجویان خوابگاه دانشگاه چمران به کیفیت غذا



با افت شدید کیفیت غذا به خصوص در هفته های اخیر، روز یکشنبه ۲۳ بهمن، در خوابگاه پسران علم الهدی و در پی سرو شام و ماکارونی بی کیفیت که غیر قابل خوردن بود؛ دانشجویان از گرفتن غذا خودداری کردند و بیش از صد نفر از حدود ساعت ۶ عصر تا ۱۱ شب خواستار پاسخگویی و رسیدگی مسئولان شدند و اقدام به تجمع در محوطه خوابگاه نمودند.

خواستار دانشجویان تنها به امور تغذیه خلاصه نمی شد و چنین است:

- کیفیت بد کلیه غذاها
- فقدان شورای صنفی و کارشناسی برای شکل گیری آن
- عدم وجود پارکینگ برای دانشجویان خوابگاهی
- کندی رسیدگی یا عدم رسیدگی به مشکلات تاسیساتی خوابگاهها

زلزله ترکیه دانشجویان ایرانی را «به دردسر انداخت»



در پی دستور ناگهانی رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، در روز دوشنبه ۲۴ بهمن، جهت اختصاص دادن ساختمانهای تمامی دانشگاههای دولتی و خصوصی ترکیه و خوابگاههای آنها به اسکان زلزله زدگان شرق و جنوب این کشور، دولت درس خواندن در ترم بهاره را آنلاین کرده است.

آقای اردوغان گفته که ساختمانهای دانشگاهها ملک دولت و کشور است. او غیر از دانشگاههای دولتی، دهها دانشگاه و دانشکده خصوصی را نیز شامل این دستور کرده است.

به دانشجویان ساکن خوابگاههای دانشگاههای ترکیه گفته شده که از خوابگاهها بیرون بروند و اگر امکان بازگشت به کشور خود را ندارند، در خارج از خوابگاه برای خود اتاق یا آپارتمان اجاره کنند.

تجمع دانشجویان دختر دانشگاه فنی و حرفه ای نیشابور

روز سه شنبه ۲۵ بهمن، دانشجویان دختر دانشگاه فنی و حرفه ای نیشابور که از شهرستانهای دیگر در این دانشگاه مشغول به تحصیل هستند برای اعتراض به عدم ارائه خوابگاه مقابل فرمانداری این شهرستان در استان خراسان رضوی تجمع کردند. یکی از دانشجویان گفت: ما در ترمهای گذشته، خوابگاه در اختیار داشتیم اما از روز گذشته اعلام شد در این ترم باید خوابگاه را تخلیه کنیم چون توسط دانشجویان ورودی جدید رزرو شده است.

یکی دیگر از دختران دانشجو گفت: اگرچه تعدادی از دانشجویان را دانشگاه فنی و حرفه ای به خوابگاه دانشگاه آزاد اسلامی نیشابور معرفی کرده بود، اما مسئولان دانشگاه آزاد با اعلام اینکه دانشگاه فنی و حرفه ای به تعهدات خود عمل نکرده است، عذر ما را خواستند و مجبور به تخلیه خوابگاه شدیم.

نامه سرگشاده ۱۲۰ تن از دانشجویان و دانش‌آموختگان چند دانشکده

در این نامه که در روز پنجشنبه ۲۷ بهمن، منتشر شد، آمده است: دانشگاه هنر همواره یکی از نهادهای اصلی کشور نه تنها در آموزش رشته های مختلف هنری که در پرورش هنر آزاداندیشی و نیک منشی بوده و استاد و دانشجویانش دست در دست یکدیگر برای ساختن فضایی دانش پذیر و پویا کوشیده اند.

بقیه در صفحه ۹

«تعليق» مرتضی مردیها از تدریس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه

علامه طباطبایی



روز دوشنبه ۱۷ بهمن، سید نورالدین رضوی زاده، عضو هیات علمی و معاون آموزشی دانشکده علوم ارتباطات ضمن تأیید خبر تعلیق مرتضی مردیها، استاد دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی ایران گفت: «فعلاً بحث اخراج ایشان مطرح نیست. گفته اند فعلاً این ترم درس نداشته باشند تا وضعیت شان مشخص شود».

همچنین بنا بر شنیده ها، در دانشگاه علامه طباطبایی قرار

است با دو تن از اساتید دانشکده علوم اجتماعی این دانشگاه هم رویه مشابه (با توجه به خواست برخی نهادها) در پیش گرفته شود، به دلیل تلاشها برای بررسی مجدد پرونده این دو استاد، در حال حاضر درباره وضعیت آنان اطلاع رسانی صورت نمی گیرد.

تجمع اعتراضی در دانشگاه بهشتی



روز سه شنبه ۱۸ بهمن، تجمع اعتراضی در دانشگاه بهشتی در اعتراض به راهاندازی گشت ارشاد در داخل دانشگاه، آزار و اذیت دانشجویان دختر به بهانه حجاب و ایجاد مشکلات متعدد برای تحصیل دانشجویان برگزار گردید.

دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس زیر تیغ اخراج



با آرام تر شدن جو دانشگاهها در هفته های اخیر، کمیته های انضباطی فعالیت علیه دانشجویان و اساتید را شدت بخشیده اند و هر چند روز یک بار خبرهای تازه ای از تعلیق و اخراج و احکام کمیته انضباطی علیه اساتید و دانشجویان منتشر می شود. در تازه ترین مورد روز شنبه ۲۲ بهمن، کمیته انضباطی دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس همزمان با صدور احکام گسترده انضباطی در دانشگاههای مختلف علیه دانشجویان معترض، شماری از دانشجویان رشته های پزشکی، پرستاری، هوشبری، بهداشت و فوریتهای پزشکی این دانشگاه را به تعلیق اجرایی یا مشروط از تحصیل، و تبعید و انتقال اجباری به دانشگاههای دیگر محکوم کرد. در روزهای گذشته نیر اخراج و تعلیق دانشجویان دانشگاه زابل توسط کمیته انضباطی این دانشگاه خبرساز شده بود.

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۸

منشور مطالبات حداقلی تشکلهای مستقل صنفی و مدنی ایران

سه شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۱



حال در آغاز ترم جدید و درست پیش از شروع کلاسها، صدور احکام تعلیق و تضعیف وضعیت دو تن از استادان، آقای دکتر مازیار و آقای کوروش گلناری، موجی از یاس و حیرت را در فضای دانشگاه گسترده است. آقای دکتر مازیار و آقای گلناری از مراجع علمی در حوزه تخصصی خویش هستند و نگاهی کوتاه به کارنامه علمی آنها، گواهی می دهد که خدمات آموزشی و پژوهشی ایشان، نه تنها خللی در روند آموزش دانشگاه وارد نکرده بلکه همواره چراغ راه دانشجویان بوده و نام دانشگاه هنر را در محافل علمی کشور برافراشته است. محروم کردن دانشجو و دانشگاه از چنین استادانی، خود نقض رسالت دانشگاه در فراهم آوردن فضایی امن برای آموزش و پژوهش است.

ما دانشجویان و دانش آموزان دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر دانشگاه هنر، این احکام تعلیق را خلاف حقیقت امر درباب عملکرد آقای دکتر مازیار و آقای گلناری می دانیم و مصرانه خواهان بازگشت هرچه سریع تر ایشان به جمع خانواده دانشگاه هنر هستیم.

اعتراض دانشجویان خوارزمی به بلاتکلیفی ارژنگ مرتضوی



زمن، زندگی، آزادی مردم شریف و آزاده ایران! در چهل و چهارمین سالروز انقلاب پنجاه و هفت، شیرازه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشور به چنان گردابی از بحران و از هم گسیختگی فرو رفته است که هیچ چشم انداز روشن و قابل حصولی را نمی توان برای پایان دادن به آن در چهارچوب روبنای سیاسی موجود متصور بود. هم از این رو است که مردم ستمدیده ایران - زنان و جوانان آزادیخواه و برابری طلب - با از جان گذشتگی کم نظیری خیابانهای شهرها را در سراسر کشور به مرکز مصاف تاریخی و تعیین کننده برای خاتمه دادن به شرایط ضد انسانی موجود تبدیل کرده اند و از پنج ماه پیش به رغم سرکوب خونین حکومت - لحظه ای آرام نگرفته اند.

پرچم اعتراضات بنیادینی که امروز به دست زنان، دانشجویان، دانش آموزان، معلمان، کارگران، و دادخواهان و هنرمندان، کوئیرها، نویسندگان و عموم مردم ستمدیده ایران در جای جای کشور از کردستان تا سیستان و بلوچستان برافراشته شده و کم سابقه ترین حمایتهای بین المللی را به خود جلب کرده، اعتراضی است علیه زن ستیزی و تبعیض جنسیتی، ناامنی، پایان ناپذیر اقتصادی، بردگی نیروی کار، فقر و فلاکت و ستم طبقاتی، ستم ملی و مذهبی، و انقلابی است علیه هر شکلی از استبداد مذهبی و غیر مذهبی که در طول بیش از یک قرن گذشته، بر ما - عموم مردم ایران - تحمیل شده است.

این اعتراضات زیر و رو کننده، برآمده از متن جنبشهای بزرگ و مدرن اجتماعی و خیزش نسل شکست ناپذیری است که مصمم اند بر تاریخ یکصد سال عقب ماندگی و در حاشیه ماندن آرمان بر پایه جامعه ای مدرن و مرفه و آزاد در ایران، نقطه پایانی بگذارند.

پس از دو انقلاب بزرگ در تاریخ معاصر ایران، اینک جنبشهای بزرگ اجتماعی، پیشرو - جنبش کارگری، جنبش معلمان و بازنشستگان، جنبش برابری خواهانه زنان و دانشجویان، و جوانان و جنبش علیه اعدام و... در ابعادی توده ای و از پایین در موقعیت تاثیر گذاری تاریخی، و تعیین کننده ای در شکلهای به ساختار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور قرار گرفته اند.

از همین رو، این جنبش برآن است تا برای همیشه به شکل گیری هرگونه قدرت از بالا پایان دهد و سر آغاز انقلابی اجتماعی و مدرن و انسانی برای رهائی مردم از همه اشکال ستم و تبعیض، و استثمار و استبداد و دیکتاتوری باشد.

ما تشکلهای و نهادهای صنفی و مدنی امضا کننده این منشور با تمرکز بر اتحاد و به هم پیوستگی، جنبشهای اجتماعی و مطالباتی و تمرکز بر مبارزه برای پایان دادن به وضعیت ضد انسانی و ویرانگر موجود، تحقق خواستههای حداقلی زیر را به مثابه اولین فرامین و نتیجه ی اعتراضات بنیادین مردم ایران، یگانه راه پی افکنی ساختمان جامعه ای نوین، و مدرن و انسانی، در کشور می دانیم و از همه انسانهای شریف که دل درگرو بقیه در صفحه ۱۰

دانشجویان دانشگاه خوارزمی روز جمعه ۲۸ بهمن، در بیانیه ای با اشاره به بلاتکلیفی ارژنگ مرتضوی، دانشجوی این دانشگاه، خواستار آزادی او شدند.

این دانشجویان در بیانیه خود از بازداشت آقای مرتضوی با عنوان «ریایش» نام بردند و اعلام کردند که پس از گذشت دو ماه از این واقعه، هیچ خبری از برگزاری دادگاه، تعیین قرار وثیقه و آزادی این دانشجو نیست.

به گفته دانشجویان دانشگاه خوارزمی، ارژنگ مرتضوی روز ۲۶ آذر توسط حراست این دانشگاه «به بهانه» پس دادن کارت دانشجویی و رفع ممنوع الوردی به دانشگاه کشانده و جلو در دانشگاه توسط نیروهای حکومتی «ربوده» شده است.

بازداشت بسیاری از این دانشجویان با کمک نیروهای موسوم به «حراست» صورت گرفته است.

حسین حجتی، معاون وزیر اطلاعات و رئیس سازمان حراست کل کشور به تازگی از فعالیت حدود ۳۰ هزار نفر از این نیروها در سراسر کشور در جریان اعتراضات خبر داد و گفت که در برنامه های پیش روی این سازمان افزایش شمار زنان و تشکیل دفاتر استانی با ریاست زنان در دستور کار است.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: رادیو فردا، کانال تلگرام شورای صنفی دانشجویان کشور، ایندپندنت فارسی، خبرگزاری هرانا، خبرگزاری ایسنا، دیده بان ایران، صدای آمریکا)

از نظر ما مطالبات حداقلی فوق با توجه به وجود ثروتهای زیر زمینی بالقوه و بالفعل در کشور و وجود مردمی آگاه و توانمند و نسلی از جوانان و نوجوانانی که دارای انگیزه فراوان، برای برخورداری از یک زندگی شاد و آزاد و مرفه هستند، به فوریت قابل تحقق و اجراست.

مطالبات مطروحه در این منشور، محورهای کلی مطالبات ما امضا کنندگان را لحاظ و بدیهی ست در تداوم مبارزه و همبستگی خود به صورت ریز و دقیق تری به آنها خواهیم پرداخت.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

اتحادیه آزاد کارگران ایران

اتحادیه تشکلهای دانشجویی دانشجویان متحد

کانون مدافعان حقوق بشر

سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

خانه فرهنگیان ایران (خافا)

بیدار زنی

ندای زنان ایران

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز

کانون مدافعان حقوق کارگر

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

اتحاد بازنشستگان

شورای بازنشستگان ایران

تشکل دانشجویان پیشرو

شورای دانش آموزان آزاد اندیش ایران

سندیکای نقاشان استان البرز

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران

شورای بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی (ستا)

حمایت ۱۸ تشکل و نهاد از منشور مطالبات حداقلی

تشکل اتحاد پزشکان،

اتحاد جوانان محلات ایران (اجما)،

کمیته سراسری دانشجویان کردستان،

تشکل دانش آموزان انقلابی تهران،

جمعی از فعالان دانشجویی دانشگاه تربیت مدرس،

نهاد اتحاد دانشگاه صنعتی اصفهان،

نهاد دانشجویان آزادیخواه دانشگاه خوارزمی،

جمعی از فعالان و دانشجویان دانشگاه فنی دخترانه سنجند،

جمعی از فعالان و دانشجویان دانشگاه یزدان پناه کردستان،

جمعی از فعالان و دانشجویان دانشگاه کردستان،

جمعی از فعالان دانشگاه جندی شاپور،

گروه دختران آفتاب ارومیه،

گروه زنان و جوانان انقلابی تهرانسر،

دانشجویان دانشگاه نوشیروانی بابل،

جمعی از فعالان و دانشجویان دانشگاه بهشتی،

نهاد اتحاد دانشجویان استان تهران،

نهاد جنبش دانشجویی دانشگاه شهرقدس،

نهاد آزادیخواهان دانشگاه تهران شمال

منشور مطالبات حداقلی

تشکلهای مستقل صنفی و مدنی ایران

بقیه از صفحه ۹

آزادی و برابری و رهائی دارند می خواهیم از کارخانه تا دانشگاه و مدارس و محلات تا صحنه جهانی پرچم این مطالبات حداقلی را بر بلندای قله رفیع آزادیخواهی بر افراشته دارند.

۱. آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی، منع جرم انگاری فعالیت سیاسی و صنفی و مدنی، و محاکمه علنی، آمرین و عاملین سرکوب اعتراضات مردمی.

۲. آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان و اندیشه، مطبوعات، تحزب، تشکلهای محلی و سراسری صنفی و مردمی، اجتماعات، اعتصاب، راهپیمایی، شبکه های اجتماعی، و رسانه های صوتی و تصویری.

۳. لغو فوری صدور و اجرای هر نوع مجازات مرگ، اعدام، قصاص و ممنوعیت هر قسم شکنجه روحی و جسمی.

۴. اعلام بلادرنگ برابری کامل حقوق زنان، با مردان، در تمامی عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی، امحا و لغو بی قید و شرط قوانین و فرمهای تبعیض آمیز علیه تعلقات و گرایشهای جنسی و جنسیتی، به رسمیت شناختن جامعه ی رنگین کمان، "ال جی، بی، تی، کیو ای ای یلاس"، جرم زدایی، از همه تعلقات و گرایشهای جنسیتی و پابندی بدون قید و شرط به تمامی حقوق زنان بر بدن و سرنوشت خود و جلوگیری از اعمال کنترل مردسالارانه.

۵. مذهب امر خصوصی افراد است و نباید در مقدرات و قوانین سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، کشور دخالت و حضور داشته باشد.

۶. تامین ایمنی کار، امنیت شغلی و افزایش فوری حقوق کارگران، معلمان، کارمندان و همه زحمتکشان، شاغل و بازنشسته با حضور و دخالت و توافق نماینده های منتخب تشکلهای مستقل و سراسری آنان.

۷. امحا قوانین و هر گونه نگرش مبتنی بر تبعیض و ستم ملی و مذهبی و ایجاد زیر ساختهای مناسب حمایتی و توزیع عادلانه و برابر امکانات دولتی، برای رشد فرهنگ و هنر در همه مناطق کشور و فراهم کردن تسهیلات لازم و برابر برای یادگیری و آموزش، همه زبانهای رایج در جامعه.

۸. بر چیده شدن ارگانهای سرکوب، محدود کردن اختیارات دولت و دخالت مستقیم و دائمی مردم در اداره امور کشور از طریق شوراهای محلی و سراسری. عزل هر مقام دولتی و غیر دولتی توسط انتخاب کنندگان، در هر زمان، باید جزو حقوق بنیادین، انتخاب کنندگان باشد.

۹. مصادره اموال همه اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهای دولتی و شبه دولتی، و خصوصی که با غارت مستقیم و یا رانت حکومتی، اموال و ثروتهای اجتماعی مردم ایران را به یغما برده اند. ثروت حاصل از این مصادره ها، باید به فوریت صرف مدرن سازی و بازسازی آموزش و پرورش، صندوقهای بازنشستگی، محیط زیست و نیازهای مناطق و اقشاری از مردم ایران شود که در دو حکومت جمهوری اسلامی و رژیم سلطنتی، محروم و از امکانات کمتری برخوردار بوده اند.

۱۰. پایان دادن به تخریبهای زیست محیطی، اجرای سیاستهای بنیادین برای احیای زیرساختهای زیست محیطی، که در طول یک صد سال گذشته تخریب شده اند و مشاع و عمومی کردن آن بخشهایی از طبیعت (همچون مراتع، سواحل، جنگلها و کوهپایه ها) که در قالب خصوصی سازی حق عمومی مردم نسبت به آنها سلب شده است.

۱۱. ممنوعیت کار کودکان و تامین زندگی و آموزش آنان جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده. ایجاد رفاه همگانی، از طریق بیمه بیکاری و تامین اجتماعی، قدرتمند برای همه افراد دارای سن قانونی آماده به کار و یا فاقد توانایی کار. رایگان سازی آموزش و پرورش و بهداشت و درمان برای همه مردم.

۱۲. عادی سازی روابط خارجی در بالاترین سطوح با همه کشورهای جهان بر مبنای روابطی عادلانه و احترام متقابل، ممنوعیت دستیابی به سلاح اتمی و تلاش برای صلح جهانی.

رویدادهای هنری ماه (بهمن ۱۴۰۱)

گردآوری و تنظیم: فتح الله کیائیا



در ابتدا گرامافون طلایی نامیده می شد، به این دلیل که نشان آن یک گرامافون طلاکاری شده است.

تحت تاثیر انقلاب نوین مردم ایران با نام رمز مهسا امینی، جشنواره امسال گرمی، شروین حاجی پور را به خاطر ترانه «برای» که با الهام از نوشته های معترضان در توئیتر سروده، تنظیم و اجرا کرده بود، برنده جایزه در بخش «بهترین آهنگ برای تغییر اجتماعی» معرفی کرد.

سخنرانی «راجر واترز» در شورای امنیت سازمان ملل علیه جنگ افروزی



«راجر واترز»، بنیانگذار گروه «پینک فلوید»، به دعوت روسیه در جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد حاضر شد.

او در سخنرانی خود کرملین را سورپرایز کرد و گفت: «اشغال اوکراین از سوی روسیه غیرقانونی است. من آن را به قوی ترین شکل ممکن محکوم می کنم. هر چند، لشکرکشی روسیه به اوکراین بدون تحریر هم نبود و من تحریر کنندگان را هم به قوی ترین شکل ممکن محکوم می کنم.»

او در این سخنرانی ویدیویی گفت که موضع مسکو را نمایندگی نمی کند بلکه به نمایندگی از «۴ میلیارد نفر از خواهران و برادران» ساکن کره زمین که اکثریت ساکنان آن را تشکیل می دهند، در این جلسه شورای امنیت سخن می گوید. او گفت: «سخن این میلیونها نفر که صدایی ندارند چیست؟ آنها از شما برای شنیدن حرف شان امروز در اینجا متشکرند. ما که تعدادمان هم خیلی زیاد است همانهایی هستیم که از صنعت جنگ منفعت نمی بریم. ما دختران و پسرانمان را با این نیت که جلوی توپهای شما لت و پار شوند، به دنیا نیاورده و بزرگ نکرده ایم.»

راجر واترز در ادامه افزود: «به عقیده من، تنها اقدامی که امروز عقلانی به نظر می رسد، آتش بس فوری در اوکراین است. نباید حتی یک اوکراینی یا روس دیگر خوش ریتخته شود، همه این جانها ارزشمند است.»

سخنرانی واترز با واکنش ریچارد میلز، جانشین سفیر آمریکا در سازمان ملل روبرو شد. او گفت «او صلاحیت سخن گفتن درباره مسایل تسلیحاتی، امنیت اروپا و موضوعاتی از این قبیل را ندارد.»

سرگئی کیسیلیتسیا، سفیر اوکراین در سازمان ملل متحد نیز اظهارات راجر واترز را «آجر دیگری» در خدمت بنای «دیوار حاشا و اطلاعات جعلی» روسیه ارزیابی کرده است.

بقیه در صفحه ۱۲

عادی سازی ام القرای مسلمین به قیمت سقوط در انحطاط

اما از مقام عظمای ولایت چنین روایت شده است که وقتی کفگیر «بزن، بکش، و دار و شکنجه و زندان و شلاقش» نتوانست ولایتش را قرین آرامش کرده و خیالش را رهنمون آسایش گرداند و ایضا بساط شامورتی بازی دهه ی فجرش را (تو بخوان دهه ی زجر) با بالماسکه هنر اسلامی و اهدای جوایز و برگزاری فستیوالهای رنگارنگ هنری، رنگ و جلای دگرگون دهد، دست به دامان خواننده ای جوان، بی تجربه و درجه چندم شد که شاید بدین خیال خام، سوختگان و بریدگان ولایتش را دلداری دهد که: ای امت ترسان بدانید و آگاه باشید که ولایت ابد دوام ما و بیت العنکبوت مبارکه قرین صحت و سلامت است و ام القرای مسلمین (تو بخوان متخلسان) در امن و امان. همانا که شحنه ها و پاسداران ولایتمدار، خس و خاشاک از خیابان و معبر رفته و جمیع معترضان را به سزای اعمال رسانده و شما را آن نکوست که به خوشی و میمنت روزگار گذرانده و همچون گذشته، امت در صحنه (البته این بار در صحنه کنسرت موسیقی پاپ ولایی) بوده و غم بر خود راه ندهید که ولایت ما را غم از آسیب دهر نیست.

پس ملازمان و منادیان به گوشه و اکناف گسیل کرده تا کنسرت پاپ اش را بشارت دهند و خواننده جوان و ناپخته اش (زانکو) را در دنیای موسیقی پاپ به مقامی شامخ و شایسته تبلیغ نمایند.

اما از بد روزگار و نفرین ساحران و جادو جنبل کنندگان، این بار هم مثل همیشه تیرش به سنگ و آبروی نداشته اش بر باد و امت مجذوب ولایتش ناامید و سرافکنده و سر به جیب غم و اندوه فرو برده که اینها همه «از ید بیضای جوانان و شورشگران و براندازان بر آمده است و بس.»

به گزارشی کوتاه در این باره توجه کنید:

پاپ به روایت دستگاه امنیتی و وزارت ارشاد



در شرایطی که در ماههای اخیر بسیاری از خواننده ها یا گروههای موسیقی به صورت علنی یا غیر علنی در حمایت از معترضان حاضر به اجرای برنامه های هنری نبوده اند، رسانه های حکومتی برگزاری کنسرت خواننده گمنامی به نام «زانکو» را با عناوینی چون «نقطه عطفی در تاریخ موسیقی ایران» و «موقیبتی بزرگ» توصیف کردند.

این در حالی است که حتی این رسانه ها نیز اذعان دارند که دستپخت وزارت ارشاد از نظر کیفیت و اجرا ضعیف بود و سطح نازلی داشت. «خبرگزاری تسنیم» وابسته به سپاه، در این مورد نوشت: «واقعیت اینکه زانکو نه خواننده ای با استانداردهای جهانی است و نه کنسرتش از نظر هنری سطح بالایی دارد.»

لازم به ذکر است که زانکو، از خوانندگان گمنام موسیقی پاپ ایران محسوب می شود که تا پیش از این اجرا، بسیاری نام او را نشنیده بودند. این خواننده آثار زیادی منتشر نکرده است. او در شرایطی در نخستین کنسرت دوران حرفه ای خود روی صحنه رفت که پیش از این به دلیل اجرای آثار «مبتدل» و «نامناسب» اجازه اجرا نداشت و به همین دلیل صدور ناگهانی مجوز کنسرت برای او نشان از تحریم گسترده هنرمندان و تنگنای حکومت برای عادی نمایی شرایط از طریق کنسرت گذاری دارد.

گرمی و جایزه به شروین حاجی پور برای ترانه «برای»

«گرمی» یک جایزه موسیقی است که از سوی آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط آمریکا برای شناسایی دستاوردهای «فوق العاده» صنعت موسیقی اهدا می شود. به اعتقاد بسیاری، گرمی معتبرترین و مهم ترین جایزه موسیقی جهان است. این جایزه

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۱

هنرهای تجسمی

«سرپیچی روزانه» نماد نبرد مردم ایران



این عضو کابینه دولت جمهوری اسلامی همچنین لاف زد مردم برای تماشای فیلمهای جشنواره فجر «به سختی» بلیط پیدا می کردند و «صفهای طولانی» برای خرید بلیط تشکیل شده بود.

این ادعا در شرایطی مطرح می شود که در طول برگزاری این جشنواره، کاربران بسیاری در شبکه های اجتماعی با انتشار تصاویر و فیلمهایی از مقابل سینماهای منتخب جشنواره، از نبود صف و بی رونقی آن گزارش داده بودند.

اما ماجرا به همین جا هم ختم به خیر نشد، بعضی خبرگزاریها از وحشت گردانندگان بالماسکه کمدی جشنواره فجر خبر داده اند. در این راستا «بی بی سی» مطلب بلندی را منتشر کرده که خلاصه ای از آن را می خوانید:

پر واضح است که جشنواره فیلم فجر در بیشتر سالهای برگزاری، رویداد جهانی یا حتی منطقه ای چندان معتبری به شمار نمی آمد، اما تا این حد هم دچار سرافکنندگی نشده بود. این که جشنواره ای سینمایی با لقب «بین المللی» به دلیل ترس از انصراف شرکت کنندگان حتی توانایی اعلام نام فیلمهای بخش رقابتی یا داوران بخش بین المللی را نداشته باشد، به روشنی شرایط ویژه برگزاری آن را نمایان می کند. این در حالی است که پیش از این، همراهی سینماگران ایرانی - به خصوص بازیگران مشهور - با معترضان و کشته شدگان، فشارهای امنیتی و قضایی به آنها، آغاز زود هنگام درخواست برای تحریم جشنواره های سینمایی دولتی و توقف تولید فیلمهای بخش خصوصی در نیمه دوم سال خیلی زود نشان داده بود که بخش ملی این جشنواره نیز، رویدادی استثنایی خواهد بود.

یک فیلم برای دیدن: گفتگوهای زنانه



«گفتگوهای زنانه» یک درام آمریکایی محصول سال ۲۰۲۲ به کارگردانی «سارا پولی» است. این درام بر اساس رمانی به همین نام اثر «میریام تووز»، روایتگر دیدار مخفیانه زنان مختلف در یک جامعه منزوی است. زنان همه قربانیان تجاوز جنسی اند. این داستان بر اساس رویدادهای واقعی در بولیوی شکل گرفته است.

این فیلم برای اولین بار در جشنواره فیلم «تلوراید» در ۲ سپتامبر ۲۰۲۲ به نمایش درآمد و در سینماهای اروپا در فوریه سال جاری به نمایش درمی آید. سارا پولی (Sarah Polley)، هنرپیشه، کارگردان و فیلمنامه نویس، از چهره های موفق سینمای مستقل در جهان است. فیلم «آخرت شیرین» او در سال ۱۹۹۷ نامزد اسکار شد و وی را نام آور کرد. او سپس در فیلمهایی از «دیوید کراننبرگ»، «مایکل ویترباتم»، «ایزابیل کوکست» و «ویم وندرس» ظاهر شد. «طلوع مردگان» (۲۰۰۴) اولین فیلم مهم هالیوودی او بود. در سال ۲۰۰۶، پولی با فیلم سینمایی «دور از او» که فیلمنامه آن را هم خودش نوشته بود در جشنواره فیلم برلین تحسین شد. در همان سال او به عنوان داور مسابقه شصتیمین جشنواره فیلم کن منصوب شد.

بقیه در صفحه ۱۳



در اینکه تب و تاب انقلاب جانانه مردم فروکش نکرده و جوانان مبارز در گوشه و کنار ایران به عملیات ایذایی و اعتراضی مشغولند، شکی نیست و از همین روست که هر روز و هر هفته شاهد نمایشگاهها و اکسیونهای اعتراضی ایرانیان آزاده خارج از کشور در اکناف جهان هستیم؛ حرکتی پر شور که جهانیان را بیش از پیش با جنایتهای رژیم ملاما در ایران آشنا کرده و می کند. در این رابطه، جمعی از هنرمندان در هلند نمایشگاهی برگزار کردند تا شمه ای از هنر اعتراضی جنبش مردم ایران را با مردم هلند به اشتراک بگذارند.

نمایشگاه «سرپیچی روزانه» بازتاب هنر اعتراضی ایران، از ۲۶ تا ۲۹ ژانویه در شهر لاهه هلند، گالری KV02 - Korte Vijverberg 2 برقرار است. این نمایشگاه شامل نقاشی، مجسمه، ویدئو و هنر دیجیتال، فیلم کوتاه و سخنرانی است.

سینما

علی نصیریان هم به جمع بایکوت کنندگان دهه فجر پیوست



به دنبال بایکوت جشنواره حکومتی «فجر» از سوی شمار زیادی از هنرمندان، علی نصیریان هم به جمع آنها پیوست و در نامه خود که در فضای مجازی منتشر شد، به دبیرخانه جشنواره، نوشت: «نظر به مشکلات جسمی، سنی و عوارض روحی که اخیراً بر من عارض شده است، از حضور معذورم.»

او از برگزار کنندگان خواست نامش را از حضور «در هرگونه مراسمی در این جشنواره» حذف کنند.

پیش از این مانی حقیقی در پیامی نوشته بود که او، هانیه توسلی، فرشته حسینی، باران کوثری، نهال دشتی و امیرحسین فتحی، بازیگران فیلم «چرا گریه نمی کنی»، در جشنواره فیلم فجر حاضر نخواهند شد. این کارگردان و بازیگر با ذکر این که شرکت فیلم در رویداد حکومتی خارج از اختیار او و بازیگران بود، گفت: «از دیدن نام خود در جشنواره ننگ داریم.»

در همین رابطه جالب است که بدانید:

مجید امامی، دبیر شورای فرهنگ عمومی، به طور تلویحی به تحریم جشنواره فجر از سوی گروهی از هنرمندان واکنش نشان داد و آن را «اداها و فضا آفرینهای مختص به یک صنف» خواند و گفت: «جشنواره فیلم فجر امسال مردمی تر از دوره های قبل خواهد بود.»

در جشنواره تئاتر فجر، تاکنون از مجموع ۹ نمایش خارجی که قرار بود در بخش «صحنه ای» این جشنواره اجرا شود، سه نمایش از کشورهای عراق، اردن و روسیه لغو شده است.

جشنواره فجر؛ ترس از اعلام فیلمهای خارجی و سالنهای خالی

به گزارش رسانه های حکومتی، محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مدعی شده است: «در همه بخشهای جشنواره فجر استقبال بسیار خوب بوده حتی بهتر از سالهای گذشته.»

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۲

میراث ملی

تاریخ شیراز زیر هجوم قبر سازها، لودرها



در ادامه هجوم سازمانیافته زمینخواران به بافت تاریخی شیراز به بهانه توسعه حرم شاهچراغ، تخریبها روند شتابنده‌ای گرفته است. لودرها و بولدوزرها از دوشنبه ۱۷ بهمن در حال تخریب و آواربرداری بناهای تاریخی‌اند. هدف از این تخریبها گسترش حریم شاهچراغ، به عنوان مرکز رواج شیعه‌گری در جنوب ایران است.

طرحی که در دستور کار هیات امنای این دو بقعه است از دهه ۶۰ و به بهانه ایجاد بین الحرمین میان این آرامگاه شاهچراغ و سیدعلالدین حسین آغاز شد. در دهه ۷۰ بخش وسیعی از بافت با ارزش میان این دو مجموعه تخریب شد و در سال ۹۳ حجمی وسیع تری از این بافت که در آن میان چند بنای شاخص قاجاری و زندیه نیز دیده می‌شد به کام لودرها فرو رفت.

به تازگی ابراهیم رئیسی در سفر استانی به شیراز این پروژه را که به «طرح ۵۷ هکتاری» مشهور است و مدتی متوقف شده بود، دوباره به جریان انداخت. بنا به گزارش رسانه های حکومتی، دو چهره پشت پرده پروژه، محمدرضا رضازاده، همسر انسیه خزعلی، معاون امور زنان و خانواده ریسی و عزت الله ضرغامی، وزیر میراث فرهنگی، هستند.

محمد مهدی کلانتری که «فارس» از او به عنوان «پژوهشگر دکترای مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی» نام برده، می‌گوید تخریب بافت تاریخی شیراز با توجیه «مناسب کردن حرم شاهچراغ برای ظهور امام زمان» صورت می‌گیرد. به گفته وی، دلیل واقعی اما ساخت و ساز قبر، پاساژ و فضای تجاری است.

در همین رابطه ۲۰۰ تن از فعالان حوزه های معماری، شهرسازی و میراث فرهنگی، در بیانیه ای خواستار توقف تخریب بافت و بناهای ارزشمند تاریخی شهر شیراز شده‌اند. آنها نوشته‌اند: «بافت تاریخی شیراز، با معماری منحصر به فرد که از زمان زندیه تا به امروز تاریخ گویای حیات اجتماعی و سیاسی مردم شیراز بوده، هسته نخستین تکوین این شهر زیبای ایران زمین است.»

این فعالان خواستار شده‌اند: «کلیه بناهای ارزشمند تاریخی شهر شیراز فوراً توسط وزارت میراث فرهنگی ثبت ملی شود تا مطابق با وظیفه ذاتی خود، در صیانت و پاسداری از این آثار ارزشمند قدم بردارد و همچنین از تداوم تخریب بافت تاریخی شیراز جلوگیری به عمل آید.»

اخبار کوتاه هنری

ماهانامه ادبیات داستانی چوک منتشر شد. در این شماره ماهنامه که به سردبیری مهدی رضایی تهیه شده، علاقمندان می‌توانند با دوره های داستان

نویسی، ویراستاری، نویسندگی خلاق و تولید محتوا، داستان نویسی نوجوان و فن بیان آشنا شوند.

*جعفر پناهی، کارگردان نامدار سینمای ایران، کمی پس از اعلام اعتصاب غذا به قید وثیقه از زندان آزاد شد. آقای پناهی هنگام آزادی در برابر زندان اوین مورد استقبال نزدیکانش قرار گرفت. او روز ۱۱ بهمن در اعتراض به وضعیت پرونده‌اش اعلام اعتصاب غذای خشک کرد. این اعتصاب غذا ابراز نگرانی بسیاری از چهره های و نهادهای فرهنگی را به دنبال داشت.

*سلمان رشدی ماجرای سو قصد نافرجام به جان خود را به صورت داستان منتشر می‌کند. رشدی آگوست پارسال در حالی که قصد داشت در یک مرکز آموزشی در شرق نیویورک سخنرانی کند، مورد سووقصد قرار گرفت و چندین ضربه چاقو در بدن و گردن و سر و صورت دریافت کرد، شدت جراحات وی به حدی بود که مدتها تحت مراقبت ویژه قرار داشت.

*محمد رسول اف، کارگردان مطرح مخالف جمهوری اسلامی، پس از آزادی از زندان اوین، اعلام کرد که پایان حبس او «آغاز آزادی» نیست. او روز دوشنبه ۲۴ بهمن در حساب توئیتر خود نوشت: «هنوز در مرخصی درمانی بودم که ساعتی پیش آزادیم به من ابلاغ شد.» رسول اف با آرزوی رهایی دیگر زندانیان افزود: «آنها که از زندان بیرون می‌آیند، می‌دانند قسمتی از خود را کنار همراهان و همبندان مانده در حبس جا می‌گذارند.»

*فصلنامه تاتر بزودی منتشر می‌شود. این فصلنامه که به همت «گروه تاتر اگزیت» تهیه می‌شود، «زن، زندگی آزادی» نام دارد که در آن با «نگرشی به فردا» آشنا خواهیم شد. در این شماره فصلنامه که به سردبیری شیرین میرزائزاد تهیه می‌شود، آفشین شمس قهفرخی، علی کاکاوند، محسن عظیمی، سروش صادقی، مهرداد خامنه ای، سامان ارسطو، نفیسه عقیلی، نادیا باوند، هلنا پرورش، ابوسعید اسدی، نیز همکاری می‌کنند.

*شبکه پخش اینترنتی «اپل تی وی» تولید فصل سوم سریال اسرائیلی «تهران» را تأیید کرد؛ به این ترتیب ماجراهای «تامار»، جاسوس اسرائیلی در ایران، ادامه خواهد داشت. این شبکه در بیانیه خود ضمن ابراز شادمانی از تولید فصل سوم که «فراموش نشدنی» خواهد بود، این مجموعه را «سفر هیجان انگیز بی‌وقفه ای» توصیف کرد که موفق به جذب طرفداران زیادی در جهان شده است.

(منابع: جنگ خبر، رادیو زمانه، بی بی سی، صدای آمریکا، ایران اینترنشنال، العربیه، کانال تلگرامی تاتر اگزیت)

هفت هیولا و معامله یک سرزمین

مرجان



آن زمان که ژینای زیبا در بستر مرگ، قلب یک ملت و روح جهانی را غمزده کرد و شوک چنین مظلومانه رفتنی، رمز قیامی سراسری گردید، یک سوال ذهن ما را می‌خراشید که تبهکاران قاتل چرا در کمال بی‌خردی بنزین به آتش قیام ژینا می‌پاشند؟

دوستان دور از قدرت شان، با حیرت می‌پرسیدند با یک عذرخواهی ساده و قربانی کردن چند نیروی رده پایین و دلجویی از مردم شاید راهی برای آرام کردن خشم همگانی پیدا می‌شد.

در ابتدای قیام رئیس پلیس امنیت را عزل کردند اما حکومت در چرخشی دیوانه وار دوباره او را به مسند قدرت برگرداند و سیاست لجبازی و جنگ را در پیش گرفت. به راستی از این همه کشتار و سرکوب و خفقان قرار بود چه شعبده‌ای از جعبه مارگیری شان عرض اندام کند؟

چرا به اعتراضات جهانی بی‌توجه بودند و سیل معترضان را روانه زندانها کرده و بساط شکنجه به راه انداخته و احکام محاربه را بی‌مهابا، جار می‌زدند؟

به گمانم واکنش رژیم برای رونمایی از پروژه «مولد سازی» بود! حکومت که ید طولایی در اختراع نامها برای پنهان کردن نیت شوم خود دارد این بار غارت و فروش کل ثروت‌های یک کشور را به اسم «مولد سازی» و فروش املاک و داراییهای مازاد دولت را تحویل رسانه‌ها داد. البته نه برای بررسی بازخوردها، چرا که هر انسان معقول و صاحب شیور معنی مولد سازی را فهمید و حتی بسیاری از دوستان خودشان علم اعتراض برافراشتند و از مرگ مجلس، نابودی قانون و کاپیتولاسیون سخن گفتند، بلکه به خاطر آن که هفت هیولا که خود را اربابان ۸۰ میلیون رعیت پنداشته و بدون هیچ توجیهی به خواست مردم جنایت خویش را با توجیهاتی احمقانه رنگ و لعاب داده و در یک کلام غارت بیان را به ثبت رساندند و آن گونه حرف زدند که؛ رهبری این پروژه را امضا کرده و اگر جرات مخالفت دارید بفرمایید این اعتراض شما و این در زندان برای حبس پانزده ساله!!

اکنون برای دو سال هفت سرکرده مافیا به طور «قانونی» حق دارند «قانون» را نقض کنند و نه مجلس نه قوه قضائیه که از قبل هم استقلالی نداشتند، حق دخالت در روند مولد سازی نخواهند داشت و هفت برگزیده پدر خوانده از هر تعقیب و محاکمه‌ای مصون خواهند ماند و ماله کشانی نوشتند این پروژه در کمال شفافیت انجام خواهد گرفت! بله لایذ شفاف مانند بلور بارفتن.

این که یک سرزمین را به حراج بگذارند و به هر که دل شان خواست و به هر قیمتی بفروشند بسیار شفاف است و مهمتر آن که حاکمان تبهکار میلیونها ایرانی را ملک طلق خویش فرض کرده و خود را قیم و صاحب اختیار آنان می‌دانند.

و مخبر نامی که تا مدتی پیش کسی او را حتی به نام نمی‌شناخت، ناگهان میداندار و قدرت اول حکومت شد و دولت اختیار فروش اموال کشور را به مخبر داد که گویا ارث پدرشان است که دو سال وقت دارند که خاک ایران را غارت کنند.

نفت، گاز، معادن، محیط زیست، پالایشگاهها، تمام وزارتخانه‌ها، تمام مدارس دولتی و خلاصه هر چه اموال کشور هست به آقای مخبر واگذار خواهد شد و نه کسی حق اعتراض دارد و نه پیگرد قانونی و هر طور میل شان باشد مملکت معامله کنند.

اکنون با آزادی بیگانهان زندانی و توقف احکام اعدام با هدف انحراف افکار عمومی، مراحل بعدی نقشه خویش و معامله شرم آور خویش را پیش می‌برند.

ثروت ملی و ذخیره نسل آینده را کاملاً محرمانه خواهند فروخت و اگر سکوت کنیم وقتی به خود بباییم که دیگر نه کشوری مانده باشد نه ثروتی و هفت هیولا ما را بلعیده باشند. به راستی که شیطان هم نمی‌تواند به گرد این جنایتکاران و مکاران برسد.

چالشهای معلمان (بهمن ۱۴۰۱)

فرنگیس بایقره

بر اساس کیفرخواست صادره، محمود ملاکی، عبدالرضا امانی فر، اصغر حاجب و محسن عمرانی با اتهامات؛ اقدام علیه امنیت داخلی، اخلاف در نظم و آسایش عمومی و تمرد نسبت به مأمورین حین انجام وظیفه به دادگاه فراخوانده شده اند. محمود ملاکی، عبدالرضا امانی فر، اصغر حاجب و محسن عمرانی در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ماه امسال در پی اعتراض سراسری معلمان شاغل و بازنشسته سراسر کشور، توسط نیروهای امنیتی در بوشهر بازداشت شدند.

تجمع اعتراضی جمعی از فرهنگیان مقابل وزارت آموزش و پرورش

روز یکشنبه ۲ بهمن، جمعی از فرهنگیان برای اعتراض به عدم به تحویل واحدهای طرح مسکن ملی فرهنگیان دست به تجمع مقابل وزارت آموزش و پرورش زدند.

تجمع اعتراضی فرهنگیان بازنشسته



روز دوشنبه ۳ بهمن، فرهنگیان بازنشسته برای اعتراض به سطح پایین حقوق از جمله عدم صدور احکام رتبه بندی و پاداش و همسان سازی نشدن حقوق مقابل وزارت آموزش و پرورش در تهران تجمع کردند. تجمع کنندگان شعار می دادند: «گرانی، تورم بالای جان مردم»، «نگ ما ننگ ما وزیر الدنگ ما»، «وزیر بی کفایت استعفا استعفا»، «مشکل ما حل نشه، تجمع تکرار میشه» و...

تجمع اعتراضی سرایداران و کارکنان خدماتی آموزش و پرورش

روز پنجشنبه ۶ بهمن، سرایداران و کارکنان خدماتی آموزش و پرورش تهران برای اعتراض به سطح پایین حقوق دست به تجمع مقابل وزارت آموزش و پرورش زدند.

راهپیمایی و شعارهای دانش آموزان در جوانرود

روز سه شنبه ۱۱ بهمن، راهپیمایی جمعی از دختران دانش آموزان جوانرود با سردادن شعارهای اعتراضی در سطح این شهر در استان کرمانشاه. دانش آموزان شعارهای «از زاهدان تا ایده، خون از وطن می ریزه» و «مرگ بر خامنه‌ای، لعنت بر خمینی» سر دادند.

تجمع اعتراضی سرایداران و کارکنان خدماتی آموزش و پرورش

روز پنجشنبه ۶ بهمن، سرایداران و کارکنان خدماتی آموزش و پرورش تهران برای اعتراض، به سطح پایین حقوق دست به تجمع مقابل وزارت آموزش و پرورش زدند.

مسمومیت دانش آموزان و اعتراض خانواده ها

روز شنبه ۸ بهمن، چهار دانش آموز به همراه یک سرایدار، در یکی از مدارس منطقه موسی آباد شهرستان تربت جام، بر اثر گازگرفتگی دچار مسمومیت شدند. رئیس اورژانس، بیش بیمارستانی، تربت جام در این رابطه عنوان کرد: دانش آموزان، دچار گازگرفتگی با علائم سردرد و گیجی و حالت تهوع برای ارائه خدمت درمانی به مرکز آموزشی درمانی سجادیه انتقال یافتند.

بقیه در صفحه ۱۵

تداوم بازداشت و بلاتکلیفی محمود ملاکی

با وجود گذشت بیش از ۳۵ روز از زمان دستگیری، محمود ملاکی، معلم و عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان بوشهر، کماکان در زندان بوشهر در بازداشت و بلاتکلیفی بسر می برد.

چندی پیش، محمود ملاکی و رامین صفرنیا، وکیل مدافع وی با گشایش پرونده ای مشترک. در شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو بوشهر مواجه شدند. محمود ملاکی، روز شنبه ۲۶ آذرماه توسط نیروهای امنیتی بازداشت و سپس به بند قرنطینه زندان بوشهر منتقل شد.

آقای ملاکی پیش از این نیز از بابت فعالیت‌های خود سابقه بازداشت و محکومیت دارد. تاکنون از اتهامات مطروحه علیه این معلم بازداشتی اطلاعی حاصل نشده است.

احضار و بازداشت یک معلم در مشهد

روز شنبه ۱ بهمن، محمدرضا علیجانی، معلم ساکن مشهد پس از احضار توسط مرجع قضایی بازداشت و به زندان وکیل آباد مشهد منتقل شد. محمدرضا علیجانی، دبیر دبیرستان های مشهد و گلپهار است. تاکنون از اتهامات مطروحه علیه این شهروند، اطلاعی حاصل نشده است.

بازداشت بیش از ۴۰۰ دانش آموز در شهرهای مختلف کردستان



بر اساس آمار به ثبت رسیده در مرکز آمار و اسناد سازمان حقوق بشری هه نگاه، طی حدوداً پنج ماه از انقلاب ژینا بیش از ۴۰۰ دانش آموز در شهرهای کردستان توسط نهادهای حکومتی مورد ربایش قرار گرفته که تاکنون صرفاً هویت ۱۸۶ نفر از آنها برای هه‌نگاو احراز شده است.

از مجموع ۱۸۶ کودکی که هویت آنها احراز شده است ۳۲ نفر دختر و ۱۵۴ نفر نیز پسر بوده اند.

بیشترین موارد ربایش گزارش شده کودکان مربوط به شهر جوانرود با ۲۸ مورد است. همچنین در شهر سنندج ۲۱ مورد و در سقز نیز ۱۴ مورد گزارش شده است.

سه فعال صنفی فرهنگیان مجموعاً به ۳ سال حبس تعزیری محکوم شدند

حکم محکومیت انوش عادل، محمود صدیقی، یور و عزیز قاسم زاده، فعالان صنفی فرهنگیان گیلان توسط شعبه ۱۸ دادگاه تجدید نظر این استان عیناً تأیید شد. این فعالان صنفی فرهنگیان بیشتر توسط شعبه سوم دادگاه انقلاب شهرستان رشت هر کدام به یک سال حبس تعزیری محکوم شده بودند.

انوش عادل، محمود صدیقی یور و عزیز قاسم زاده از بابت اتهام «تبلیغ علیه نظام» بیشتر توسط شعبه سوم دادگاه انقلاب شهرستان رشت هر کدام به یک سال حبس تعزیری محکوم شده بودند.

قرار جلب چهار تن از اعضای کانون صنفی معلمان استان بوشهر

قرار جلب محمود ملاکی، عبدالرضا امانی فر، اصغر حاجب و محسن عمرانی، چهار تن از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان استان بوشهر صادر شد. این پرونده در پی شرکت این فعالان صنفی معلمان در جریان تجمع روز معلم برای آنها گشوده شده است.

چالشهای معلمان

بقیه از صفحه ۱۴

کجا باید های رفیقان؟

آغاز پایان

م. وحیدی (م. صبح)

پریناز پرتو



که هستی
در برابر فردا؟
سایه ای
زیر پای عابران سحرگاه
«دن کیشوت»
با شمشیر چوبین
در کارزار تجربه های صبور
رها کن مرا!
تا چشمان صحرا بی ام
آب پیدا کنند
و تنم
در نوازش جویبار
حیات گیرد
از جنس تو نیستم
آغازم من
در پایان تو
نه مغلوب معجزه و
خیال
یا ستایشگر
بیهودگی و احتضار
قدمهایت
خیابان را
از شادی و ترانه
تهی می کند
نغمه های من
تنپوش عاشقان جوانی ست
که زیر باران
به چلچله های مهاجر
فکر می کنند

در این هوای مه آلوده
سوی چشمان از دست رفته
اینجا در میدان ترافاگار
فریاد سر دادیم با هم
برای ایرانی آزاد
.....

بر سرمان آور کردند
خشم خود را حامیان زر و زور
آنها برخاسته از گورهای تاریک خود
بر ما چنگ می می زنند
و بیهوده می تازند

رفیق، من و تو
نجات دهنده جهان خویش تنیم
رفیق بگیر دستانم را

دیر بازی است
دلم قصد سفر دارد
به سیاهکل خونین
جایگاه خروش رفقا و غرش
مسلسل های خلق

این بار، بخوان برایم
و بخوانیم این بار با هم
سقف و کتاب و گندم

مرا از زمزمه های بی جا برهان
و در گوشم تو نجوا کن
قدرت به دست مردم

پریناز پرتو، روزهای خاکستری لندن
دوشنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۱ - ۳۰ ژانویه ۲۰۲۳



روز دوشنبه ۱۰ بهمن ماه، ۱۷ دانش آموز و یک معلم در دبیرستان دخترانه فاطمیه قم دچار مسمومیت شدند. این درحالی است که روز شنبه ۸ بهمن ماه نیز روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی قم از مسمومیت ۱۵ دانش آموز در این دبیرستان خبر داده بود.

دوشنبه شب ۱۰ بهمن ماه، سیزده دانش آموز در یکی از مدارس شبانه روزی پسرانه در شهرستان باخرز، به دلیل مسمومیت غذایی، به بیمارستان منتقل شدند. ۴ نفر از این دانش آموزان پس ساعاتی، ترخیص شدند و بقیه آنان تحت مراقبت قرار گرفتند.

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از خبرگزاری صدا و سیما، شب دوشنبه دهم بهمن ۱۴۰۱، سیزده دانش آموز در یکی از مدارس شبانه روزی پسرانه در شهرستان باخرز دچار مسمومیت شدند.

روز سه شنبه ۱۱ بهمن، شش دانش آموز در یک مدرسه دخترانه در شهر جدید مهستان با علائم سرگیجه و تنگی نفس و حالت تهوع و درد معده که بر اثر انتشار گاز سی، از جی، ایجاد شده بود به این بیمارستان مراجعه کردند.

روز چهارشنبه ۱۲ بهمن، شماری از دانش آموزان دبیرستان دخترانه بلقیس برای پنجمین بار در قم دچار مسمومیت شده و راهی بیمارستان شدند. این چندمین



بار است که مسمومیت دانش آموزان در مدارس قم اطلاع رسانی می شود.

روز دوشنبه ۱۷ بهمن، مجید محبی، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی قم از انتقال ۶۱ دانش آموز قمی با علائم مسمومیت از ۸ مدرسه به مراکز درمانی استان خبر داد.

روز یکشنبه ۲۳ بهمن، ۳۷ دانش آموز در قم دچار مسمومیت شده و راهی بیمارستان شدند. این چندمین بار است که در روزهای اخیر دانش آموزان قم دچار مسمومیت می شوند.

روز سه شنبه ۲۵ بهمن، ۱۱۷ دانش آموز از مدارس مختلف شهرستان قم در پی مسمومیت به بیمارستان منتقل شدند. این چندمین بار است که در ماه های اخیر دانش آموزان شهرستان قم دچار مسمومیت می شوند.

همزمان ۳۰ تن از دانش آموزان یکی از مدارس تهران دچار مسمومیت تنفسی شده و راهی بیمارستان شدند.

روز چهارشنبه ۱۹ بهمن، جمعی از خانواده های دانش آموزان قم دست به تجمع مقابل استانداری قم زدند. روز سه شنبه ۲۵ بهمن خانواده های دختران دانش آموز که در مدارس قم از آذر ماه به طور زنجیره ای مسموم شده اند در مقابل فرمانداری این شهر تجمع اعتراضی برپا کردند.

روز چهارشنبه ۲۶ بهمن گروهی از خانواده های دانش آموزان قمی مقابل فرمانداری تجمع کردند. تجمع کنندگان، روبروی در ورودی فرمانداری تجمع کرده و خواستار ورود به داخل فرمانداری بودند که با ممانعت نیروهای امنیتی روبرو شدند.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: هرانا، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، صدای معلم، ایلنا، عصر ایران، هه نگاو)



یادمان پُر شور شهیدان انقلاب (بهمن ۱۴۰۱)

داشت. «ماموران جنایتکار خامنه ای، دنیا را کشتند و پیکرش را در کارون انداختند، مادر و پدر دنیا یک هفته در کارون دنبال دخترشان بودند

*مراسم چهلم جاوید نام سروش پوراحمدی، جوان ۳۲ ساله بر سر مزار وی در زیباکنار گیلان برگزار شد. زنده یاد سروش اهل زیبا کنار بندر انزلی و ساکن کرج در اوایل آذر توسط نیروهای سرکوبگر رژیم در کرج ربوده شد و پس از شکنجه، در ۲۶ آذر در بیمارستان به شهادت رسید.

*دختران خردسال جاوید نام یاسین جمال زاده که دوقلو هستند مزار پدرشان را شستند. یاسین جمال زاده در روز ۳۰ شهریور در رضوانشهر با اصابت مستقیم گلوله به شهادت رسید.

بیدادستان گیلان گفته بود یاسین جمال زاده با گلوله کشته شده اما «در اثر شلیک ماموران انتظامی یا ماموران حافظ امنیت نبوده است». پس از شهادت یاسین ویدیویی از لحظه اصابت گلوله جنگی به یاسین جمال زاده در حال فیلمبرداری با گوشی همراه منتشر شد.

زنده یاد یاسین جمال زاده، متولد ۱۳۷۳، پدر دو دختر خردسال دوقلو، کارگر گچ کار و ساکن بخش شاندرمن از توابع شهرستان ماسال بود که برای شرکت در خیزش مردم به رضوانشهر رفته بود.

*سهیلا ابراهیمی همسر زنده یاد فواد محمدی بر سر مزار او چنین گفت: تو فقر و ظلم را قبول نداشتی، مردم یادشان نرفته است که شهید داده اند، مردم کامیاران بدانید کاک فواد شهیدتان است.

آدینه ۷ بهمن

*مراسم یادبود برای زنده یاد حسین سعیدی، با فریاد «مرگ بر خامنه ای» در ایذه برگزار شد.

این مراسم در حالی در روستای سه راه سعیدی شهرستان ایذه برگزار شد که پیکر او همچنان به خانواده وی تحویل داده نشده است. در این مراسم پرشور، مادر جاوید نام میلاد سعیدیان جو، از شهیدان انقلاب برای همدردی همراه با مادر جاوید نام حسین سعیدی همچون روز پیش شرکت کرد.

زنده یاد میلاد سعیدیان جو همچون جاوید نام کیان پیرفلک در روز ۲۵ آبان در ایذه به شهادت رسید.

*گلباران مزار، محسن شکاری، حمید رضا روحی، سیاوش محمودی و یلدا آقا فضلی توسط زنان و جوانان انقلابی. مادر جاوید نام سیاوش محمودی، از شهدای خیزش تهران، با حضور بر مزار پسرش نوشت و انتشار عکسی از او نوشت: «منم فکر می کردم امنیت داریم، اما چی شد به شب تو کشور خودم، شهر خودم، جنگ نبود، اما تو را به جرم آزادیخواهی با تیر جنگی زدن».

*مراسم چهلم زنده یاد محمد حاجی رسول پور که در جریان جنبش انقلابی بازداشت و بر اثر شکنجه مزدوران به شهادت رسید در فضای امنیتی که مزدوران خامنه ای در بوکان ایجاد کرده بودند، برگزار شد.

بقیه در صفحه ۱۷



شنبه اول بهمن

*مراسم چهلم جاوید نام آیدا رستمی در گرگان برگزار شد. نیروهای امنیتی، تلاش کردند از تجمع نزدیک مزار آیدا ممانعت کرده و عده ای را بازداشت کردند. زنده یاد آیدا رستمی یزشکی بود که در جریان اعتراضات روز ۲۱ آذر در تهران به شهادت رسید.

بر اساس گزارشهای

منتشر شده در شبکه های اجتماعی، زنده یاد محمد حسینی، ۳۹ ساله و رزمی کار بوده و در یک مرغداری کار می کرده است. شهید محمد در اوقات فراغتش به کودکان کار، هنرهای رزمی آموزش می داد. او هنگام بازداشت در راه بازدید از مزار پدر و مادرش بود. پس از اعدام محمد حسینی برخی از ایرانیان به یاد او، غذا درست کرده و بین مردم پخش کردند.

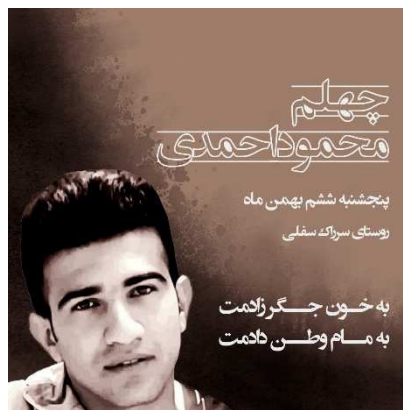
یکشنبه ۲ بهمن

*مراسم خاکسپاری زنده یاد و جاوید نام رضا قادری، ۱۹ ساله در اصفهان برگزار شد. شهید رضا قادری حدود یک ماه پیش توسط مزدوران رژیم ربوده شد و دو شب پیش جسدش را در باغ پدریش در شرق اصفهان رها کردند. پدر و مادرش تحت فشار سنگین برای رسانه ای نکردن بی خبری از او بودند.

*شمار زیادی از شهروندان مهاباد بر مزار شهیدان راه آزادی تجمع کرده و شعار دادند: عتق کوردین ناب هزین رۆڤه‌ی پئ‌ش هوا قازین. (ما کورد هستیم شکست ناپذیریم فرزندان قاضی محمد هستیم.)

پنجشنبه ۶ بهمن

*مراسم چهلم زنده یاد محمود احمدی در آرامستان روستای سرراک سفلی در اطراف ایذه برگزار شد. خواهر این شهید راه آزادی با ایراد سخنرانی تاثیرگذار برادرش را سرباز وطن نامید. جاوید نامها محمود احمدی و حسین سعیدی روز ۲۹ آذر با حمله ماموران حکومتی به روستای پرسورخ به شهادت رسیدند. مردم با سردادن شعاری از جمله: مرگ بر خامنه ای لعنت بر خمینی/ محمود احمدی سردار بختیاری/ حسین سعیدی سردار بختیاری/ این همه سال جنایت مرگ بر این ولایت خشم و نفرت خود را از رژیم نشان دادند.



این همه سال جنایت مرگ بر این ولایت خشم و نفرت خود را از رژیم نشان دادند.

جاوید نام



سید جواد موسوی

فرزند اسداله

آغاز: ۱۳۶۱/۱۱/۰۶
پرواز: ۱۴۰۱/۰۸/۲۶

مرد کنونم نمیرد هرگز

*مراسم تولد شهید راه آزادی سید جواد موسوی در امامزاده کلثوم خوراسگان در حومه اصفهان بر سر مزارش برگزار شد.

*مزار جاوید نام حدیث نجفی به وسیله مردم گلریزان شد.

*مادر جاوید نام دنیا فرهادی با انتشار عکسی از شهید دنیا و پسرش نوشت: «نمی شد نگه دارمش تو قفس! آخه اون بالهای زیبایی برای پرواز



به نام شهیدان رنگین گیلان



یادمان پُر شور شهیدان انقلاب (بهمن ۱۴۰۱)

بقیه از صفحه ۱۶

* گلباران مزار شهید مهر شاد شهیدی در اراک توسط مردم آزادیخواه این شهر.

* گل گذاری مردم بر سر مزار شهید راه آزادی محسن شکاری.

شنبه ۸ بهمن

* جمعی از نوجوانان بر سر مزار جاوید نام نیکا، براش آهنگی که دوست داشت را پخش کردند و پیام دادند که راهش رو ادامه می دهند.

* دیدار خانواده زنده یاد محمد مهدی کرمی از مزار شهیدان راه آزادی، محمد مهدی کرمی و سید محمد حسینی. پس از اعدام محمد حسینی مطرح شد که او خوشاوند نزدیکی ندارد که پیکرش را از زندان تحویل بگیرد. به دنبال انتشار این اطلاعات بسیاری در ایران و خارج از ایران خود را خواهر و برادر و مادر و پدر محمد حسینی خواندند و گفتند که همه ایران خانواده اوست و برای محمد حسینی غذای نذری پخش کردند و برایش سوگواری کردند.

* خانم زینب مولایی راد، مادر جاوید نام کیان پیرفلک با انتشار چندین استوری از فرزندش، همسرش و همچنین تصاویری از شهیدان راه آزادی ایران، از جمله حسین سعیدی، محمود احمدی، علی مولایی و میلاد سعیدیان؛ پیام اشکاری به حکام جنایتکار فرستاد که سناریوی حکومتی را نمی پذیرد.

* مادر مقاوم و سوگوار زنده نام کیان، روز خاکسپاری فرزندش، گفت که تروریستها، نیروهای لباس شخصی رژیم بودند که خودروی آنان را به گلوله بستند؛ همان سه نفری که پیکر کیان را به هلال احمر بردند، او را با گلوله زدند.

دوشنبه ۱۷ بهمن

* مراسم خاکسپاری جاوید نام کوروش گوجانی، ۱۹ ساله در یزدانشهر اصفهان با شرکت جمعیت کثیری از مردم برگزار شد. زنده یاد کوروش گوجانی حدود یک ماه پیش توسط نیروهای سرکوبگر خامنه ای دستگیر شد و زیر شکنجه به شهادت رسید و در روزهای پیش پیکر بی جانش در بیابان اطراف این شهر در استان اصفهان پیدا شد.

چهارشنبه ۱۹ بهمن

* به مناسبت چهارمین روز شهادت زنده یاد برهان، الیاسی در جوانرود بازار و کسبه دست به اعتصاب زدند. نیروهای سرکوبگر برای ممانعت از مراسم یادمان، جاوید نام برهان، الیاسی قبرستان حسن گایری شهر را محاصره کردند.

دوشنبه ۲۴ بهمن

* زادروز جاوید نام زانیار ابوبکری از شهیدان خیزش انقلابی مهاباد برسر مزارش برگزار شد.

پنجشنبه ۲۷ بهمن

* تصویری از رقص کردی جاوید نام سپهر اعظمی از شهیدان کرج منتشر شد. زنده یاد سپهر اعظمی، جوان ۲۳ ساله کرد یارسان در ۱۲ آبان در مراسم چهلیم زنده یاد حدیث نجفی هدف گلوله نیروهای امنیتی قرار گرفت و زخمی شد. او در تاریخ ۱۵ آذر بر اثر شدت جراحات در بیمارستان مدنی کرج به شهادت رسید.

* مراسم خاکسپاری جاوید نام داریا میکائیلی که در ۱۲ بهمن توسط نیروهای سرکوبگر با شلیک مستقیم ۲ گلوله به گلوبش زخمی شد و در ۱۹ بهمن به شهادت رسید جان، برگزار شد.

پنجشنبه ۲۷ بهمن

چهارمین روز اعدام زنده

یادان محمد مهدی

کرمی و سید محمد

(کیان) حسینی

* در حالی که نیروهای سرکوبگر با حضور در آرامستان بهشت علی شهر اشتهارد، مانع برگزاری چهارمین روز اعدام زنده یادان محمد مهدی کرمی و سید محمد (کیان) حسینی شدند، شهروندان در نقاط مختلف ایران، یاد این قهرمانان انقلاب را گرامی داشتند.

حکم اعدام محمد مهدی کرمی، قهرمان ۲۲ ساله کاراته و محمد حسینی، ورزشکار و کارگر ۳۹ ساله که پس از تجمع مراسم چهلیم حدیث نجفی بازداشت و در بیادگاههایی کوتاه بدون دسترسی به وکیل انتخابی محاکمه شده بودند، روز ۱۷ دی ماه اجرا شد.



zeynab_molaei.rad 3h

شهدای راه آزادی میهن
KHOUZESTAN - IZEH

سین-سعیدی #رضا-شریعتی #علی-مولایی #میلاد-سعیدیان #سپهر-مقصودی
کیان-پیرفلک #آرتین-رحمانی #صابب-سرقلی #حامد-سلحشور #محمود-احمدی
دینا-فرهادی #هادی-بهمنی #اشرف-نیکبخت #آروین-ململی-گلزاری

نامتان جاویدان

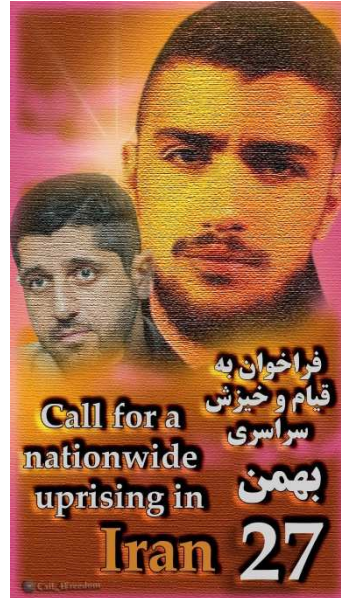
یادمان پُر شور شهیدان انقلاب (بهمن ۱۴۰۱)

بقیه از صفحه ۱۷

قزوین در خیابان خیام شعار آزادی آزادی / ایزده جنگ در سطح شهر/ رشت خیابان معلم و شلیک گلوله توسط مزدوران خامنه ای به سمت مردم/ اراک با شعار «عمامه رهبری» و «وقتشه که بپری» / اهواز با شعارهای «مرگ بر خامنه‌ای» و «فقر، فساد، گرونی، می‌ریم تا سرنگونی» سردادند و با روشن کردن آتش راه را بستند با آتش‌زدن لاستیک خودرو، پل «سفید» را بستند / قروه از استان کردستان فریاد «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند. / خیزش مردم رویدار در استان هرمزگان با شرکت گسترده زنان. / همچنین خیزش گسترده در شهرهای بروجرد، جوانرود، سرابله (استان ایلام)، کرمانشاه، نجف آباد، قزوین، خرم‌آباد، یزد، اردکان، آمل، نیشابور، ملایر، مهاباد، تبریز و...

آدینه ۲۸ بهمن

*اعضای خانواده شهیدان راه آزادی؛ میلاد سعیدیان، جو، دنیا فرهادی، حامد سلحشور، آرتین رحمانی، و کیان پیرفلک، بر سر مزار زنده یاد علم، مولای، رفتند. شهید علم، مولای به تازگی ازدواج کرده بود. او روز ۲۵ آبان همراه با کیان پیرفلک، علی مولای و چهار نفر دیگر، به ضرب گلوله مزدوران رژیم در ایزده به شهادت رسید.



صبح پنجشنبه ۲۷ بهمن پدر زنده یاد محمدمهدی کرمی در چهلمین روز اعدام پسرش در پستی اینستاگرامی با تشکر از همدردی مردم نوشت: «روزها و شبهای بسیار سخت و دشواری را سپری کردیم تا به چهلم فرزند دلبنده و ورزشکارمان برسیم. چهلیم نیز گذشت اما غم و اندوهی که در دل ماست سالها باقی می‌ماند.»

یادبود این شهیدان در تهران:

تهرانپارس با شعاری چون «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه» «قسم به سر به داران، ایستاده ایم تا پایان» «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت» / مقابل ایستگاه متروی

شریعتی شعار «مرگ بر دیکتاتور» و «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه» / خیابان ستارخان با فریاد «مرگ بر دیکتاتور» «حکومت اسلامی نمی‌خواهیم نمی‌خواهیم!» «می‌جنگیم می‌میریم ایران رو پس می‌گیریم!» «قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان!» / بلوار فردوس «قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان!» «تا آخوند کفن نشود، این وطن؛ وطن نشود.» / چهار راه سرسبز / نارمک با شعاری از جمله «زن زندگی آزادی» / صادقیه با شعاری از جمله «مرگ بر دیکتاتور» «هیز تویی هرزه تویی زن آزاده منم» / هفت حوض با شعار «حکومت بچه کش نمی‌خوایم نمی‌خوایم» شلیک تیرهایی و درگیری با مردم / شهرک نفت با شعار «مرگ بر خامنه‌ای» / میدان انقلاب مردم بعد از شنیده شدن صدای تک تیراندازی، فریاد بی‌شرف، بی‌شرف سر می‌دهند. / اکباتان «سیدعلی بی‌ریشه، خیزش تموم نمی‌شه»، «سلام به سربداران، مهدی کیان و یاران»

شنبه ۲۹ بهمن

*ناسا برای جاوید نام کیان پیرفلک کارت عضویت صادر کرد. مادر مقاوم کیان در این مورد نوشت: «یاسم رویای ناسا و رفتنت به مریخ چه زود به حقیقت تبدیل شد، کاش بودی و در آغوش می‌فشردمت و مثل همیشه به تو افتخار می‌کردم.»



و در شهرهای دیگر:

سندج در خیابان آتش روشن کرده و فریاد «مرگ بر خامنه‌ای» سر دادند. / کرج در منطقه گلشهر شعار «مرگ بر دیکتاتور» گوهردشت کرج «کرد و بلوچ و آذری، آزادی و برابری» «مرگ بر جمهوری اعدامی»، «جمهوری اسلامی نمی‌خوایم نمی‌خوایم» و «مرگ بر سپاهی» / اصفهان با شعاری چون «مرگ بر دیکتاتور» «فقر فساد گرونی، می‌ریم تا سرنگونی»، «خامنه‌ای قاتله، ولایتش باطله»، خیابان حکیم نظامی شعاری از جمله «امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه» / مشهد وکیل آباد با شعار «برادر شهیدم، خونت رو پس می‌گیرم»، احمدآباد مشهد / شیراز کمربندی /

زنان در مسیر رهایی (بهمن ۱۴۰۱)

اسد طاهری

بر اساس این پژوهش، در کشورهای عضو اتحادیه اروپا زنان تنها ۲۲ درصد فرصتهای شغلی این حوزه را به خود اختصاص داده اند. تا سال ۲۰۲۷ بازار کار اتحادیه اروپا بین ۱،۴ میلیون تا ۳،۹ میلیون کمبود نیروی کار در حوزه فناوری خواهد داشت. این کمبود تنها در آلمان ۷۸۰ هزار فرصت شغلی است. سون بلومبرگ، از نویسندگان این پژوهش می گوید: «فقدان تنوع جنسیتی در گستره فناوری اروپا منجر به معایب قابل توجهی برای شاغلان، نوآوری و کل جامعه اروپایی خواهد شد».

در دام انداختن دانشجویان زن برای ازدواج اجباری با طالبان



فوزیه (نام مستعار) ۱۷ ساله، دانشجوی پزشکی در کابل از مجبور کردن دختران دانشجو در ازدواج با طالبان گفته است: نیروهای طالبان از روی اطلاعات دختران شناسایی و آنها را برای ازدواج تحت فشار قرار می دهند. طبق گفته های این دانشجو که در تماس ویدیویی با روزنامه ال پائیس آن را شرح داده است، در ۲۹ شهریور به طور ناگهانی از وی خواسته شد به بهانه یک امتحان به دانشگاه مراجعه کند اما هنگام ورود به دانشگاه و مشاهده زنان جوان و طالبان متوجه شد که این تنها یک دام بوده است. وی در ادامه سخنانش گفت: طالبان اعلام کردند که دختران دانشجو دیگر حق تحصیل نداشته و چند نفر از دانشجویان از جمله من را انتخاب کردند و گفتند باید با آنها ازدواج کنیم. وی که موفق به فرار از آنجا شد و به خانه برگشت چند ساعت بعد با ورود نیروهای طالبان به منزل شان مواجه شد و آنها از پدر مادرش درخواست کردند دخترشان را به عقد یکی از آنان درآورد.

گفته شده است فوزیه با کمک پدرش در مکان امنی به دور از چشم طالبان مخفی شده و با وجود ضرب و شتم پدرش و فشار بر خانواده، آنان از افشای محل اختفای دخترش خودداری کرده اند. راستا خدیجه امین خبرنگار افغان که به اسپانیا تبعید شده است ضمن تأیید این موارد گفته است: طالبان از اطلاعات شخصی موجود در سوابق ثبت نام دانشگاه برای یافتن این زنان استفاده می کند.

به رسمیت نشناختن حقوق زنان در قوانین اساسی لیبی



با بررسی نظام قانونگذاری لیبی، مشخص می شود که تناقضات بسیاری در قوانین حقوقی آن وجود دارد و در عین حال که برابری زن و مرد را تأیید می کند اما قوانین فعلی نابرابری بین زن و مرد را عمیق تر کرده است. بقیه در صفحه ۲۰

زنان برزیلی: ما نمی ترسیم



منطقه آمازون که تا حدودی از راههای هوایی، جاده ای و دریایی منزوی شده و توسعه نیافته است، با چالشهای خاصی در دسترسی به خدمات عمومی، از جمله برای حمایت از سلامت و باروری و پاسخ به خشونت مبتنی بر جنسیت مواجه هستند.

لوتانا ریبریو، یکی از اعضای گروه اتنیکی کوکاما و تنها رهبر زن پارک داس تریبوس در مانائوس، با اشاره به این که در پارک داس تریبوس در مانائوس در مرکز ایالت آمازوناس برزیل خشونت علیه زنان غیر عادی نیست، گفت: من به عنوان یک رهبر تجربه های زیادی داشته ام، حدود ۴ هزار و ۵۰۰ زن در خانه ام را زده و از من درخواست کمک کرده اند.

لوتانا ریبریو، که در جامعه خود به عنوان یک مدافع سرسخت حقوق بشر شناخته می شود، اخیراً مجموعه ای از کارگاههای آموزشی را برای بازماندگان خشونت مبتنی بر جنسیت برگزار کرده که ۵۰ زن محلی در آن شرکت و در روز اول با هم گفت و گو کردند.

در این کارگاهها اشکال مختلف خشونت، نحوه دسترسی به شبکه های اجتماعی محلی و مکانیسمهای حمایت قانونی توضیح داده می شود که شامل قانون ماریا داپانا می شود که قانون جزایی برزیل را در سال ۲۰۰۶ تغییر داد تا نه تنها متجاوزان به خاطر اعمال خشونت آمیز علیه یک زن دستگیر شوند، بلکه کسانی که نیز که احتمال انجام دادن خشونت علیه زنان را دارند، دستگیر شوند.

زیان ۶۰۰ میلیاردی فقدان حضور زنان در حوزه فناوری اروپا



بر پایه پژوهش شرکت مشاوره مک کنزی، اقتصاد اروپا سالانه میلیاردها یورو از بازدهی اقتصادی خود را از دست می دهد، زیرا سهم زنان در شرکتهای فناوری بسیار نازل است.

وبسایت "تاکس شاو" در گزارش روز سه شنبه ۴ بهمن ۱۴۰۱، در باره این پژوهش نوشت: اگر نسبت اشتغال زنان در شرکتهای فناوری تا سال ۲۰۲۷ تا ۴۵ درصد افزایش یابد، فرصتهای رشد بسیار بالایی فراهم خواهد شد؛ به عبارت دیگر تولید ناخالص داخلی اروپا تا ۶۰۰ میلیارد یورو افزایش خواهد یافت.

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۹

قانون احوال شخصیه شماره ۱۰ مصوب سال ۱۹۸۴ که در آن از حقوق زنان حمایت شده بود، توسط قانون شماره ۱۴ سال ۲۰۱۵ اصلاح شد. این قانون اصلاحی که حاوی مفادی مختص به زنان با تعدادی از مقررات تضمین کننده حقوق آنان است محدودیتهایی ایجاد کرده و نوعی تبعیض را به ویژه نسبت به آنان اعمال می کند. در ماده ۶ مربوط به سن ازدواج دختران و ماده ۱۴ و اصلاحات آن که شهادت زن را در عقدنامه باوجود اجازه قبلی او ممنوع کرده است، علاوه بر این مفاد مربوط به تعدد زوجات بدون اخذ مدرک رضایت زن و بدون قید و شرط برای همسر، همچنین ماده ۵۷ مربوط به نسب و اجازه ندادن به انتقال تابعیت از سوی زنان لیبیایی به فرزندان خود از همسر خارجی از دیگر موارد نقض حقوق زنان در قوانین لیبی است.

نادیده گرفتن نقش و تأثیر زنان روزنامه نگار در رسانه های جهان



یلوا رودنی گومد از دانشگاه ژوهانسبورگ می گوید: در سراسر جهان زنان هنوز با نگرشهای مردسالارانه، تبعیض جنسیتی و محیط سیاسی غیرحمایت کننده مبارزه می کنند، که همه اینها به زنان روزنامه نگار کمک می کند تا برای پیروزی بجنگند.

گزارشی تحقیقی با عنوان «از خشم تا فرصت: چگونه دیدگاههای گمشده زنان با هر رنگی را در پوشش خبری و رهبری لحاظ کنیم؟» که روز پنجشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۱ رسانه ای شد و توسط لوبا کاسواوا داستان نویس نوشته شده و به سفارش بنیاد پیل و ملیندا کیتس تهیه شده است. هریک از کشورهای آفریقای جنوبی، کنیا، نیجریه، هند، بریتانیا و ایالات متحده را از لحاظ برابری جنسیتی در رهبری و تولید اخبار مورد بررسی قرار داده است. ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و مردسالارانه از دیرباز مشارکت و ظهور زنان را در جامعه و محیط کار محدود کرده است با این حال، اخبار رسانه ها یک مورد بسیار خاص از تبعیض جنسیتی را به ویژه از طریق موانع و تهدیدهایی که حوزه رسانه های معاصر برای خبرنگاران زن ایجاد می کند، نشان می دهد. تحقیقات مربوط به عدم تعادل جنسیتی در بین پلتفرمهای رسانه ای، سازمانها و زمینه های ملی کمیاب و ناهموار باقی مانده است به این معنی که تأثیر جنسیت بر تصمیم گیریها در مورد ساختار و محتوای اخبار رسانه ها بررسی نشده است.

همبستگی گروهی از زنان سرشناس بنگلادش با جنبش «زن، زندگی، آزادی»



سی و پنج استاد دانشگاه، سیاستمدار، حقوقدان، پژوهشگر و فعال حقوق زنان در بنگلادش، در بیانیه ای مشترک حمایت معنوی و همبستگی خود را با جنبش اعتراضی زن، زندگی، آزادی (ژن، ژیان، نازادی) در ایران اعلام کردند. این بیانیه توسط زنان سرشناسی چون گیتی آرا نسرین، استاد دانشگاه داکا، مشرفه میشو، دبیر کل حزب انقلابی دموکراتیک و رئیس مجمع اتحادیه کارگران صنعت پوشاک، رهنوما احمد، نویسنده مطرح بنگلادشی و رانی یان یان، رهبر بومی و مشاور ارشد رهبر سنتی حلقه بومیان چاکما امضا شده است. زنان بنگلادشی در بیانیه خود با اشاره به سرکوب زنان و معترضان در ایران، در چهارمین ماه اعتراضات سراسری یادآوری کردند که حکومت ایران تاکنون بیش از ۵۰۰ نفر از جمله ۵۷ کودک را کشته و بالغ بر ۱۹ هزار معترض را دستگیر کرده است تا جنبش نتواند به یک قیام توده ای تبدیل شود. آنها همچنین تأکید کرده اند که نظام جمهوری اسلامی معترضان را برای ترساندن مردم اعدام می کند.

بیانیه زنان بنگلادش همچنین به انحصار منافع سیاسی توسط طبقه مذهبی در ایران، استفاده از سرکوب برای کنترل مردم و مصونیت حاکمان ایران از پاسخگویی، به عنوان دلایل اصلی بروز جنبش زن، زندگی، آزادی اشاره کرده است.

پلمپ یک واحد صنفی در پی اعمال نکردن حجاب اجباری

روز شنبه ۲۲ بهمن، یک مأمور نیروی انتظامی در کرمانشاه به دلیل اعمال نکردن «حجاب اجباری» به یک زن، بازداشت شد و یک واحد صنفی نیز پلمپ شد.

پس از انتشار ویدیوی مشاجره یک فرد «آمر به معروف» و یک کادر نیروی انتظامی که در آن فرد «آمر به معروف» خواهان برخورد با یک زن «بدون حجاب اجباری» شده و کادر نیروی انتظامی هم از اعمال «حجاب اجباری» خودداری می کند، با «دستور ویژه و فوری» فرماندهی انتظامی کرمانشاه، کادر نیروی انتظامی بازداشت و واحد صنفی که در آن مشاجره به وجود آمده بود، «پلمپ» شد.

این مأمور نیروی انتظامی در مشاجره با امر به معروف گفته بود حجاب اجباری بخشی از قوانین اجباری کشور نیست و برخورد با زنان دارای پوشش آزاد بخشی از وظایف او نیست.

نیروهای «آمر به معروف» در جمهوری اسلامی به افراد آتش به اختیار حکومتی گفته می شود که در زندگی خصوصی افراد و به ویژه مورد «حجاب اجباری» دخالت می کنند و برای زنانی که پوشش مورد نظر جمهوری اسلامی را نداشته باشند ایجاد مزاحمتهایی از جمله گرفتن ویدیو، زنگ زدن به پلیس و حتی اقدام به بازداشت خودسر می کنند. در موارد بسیاری افراد «آمر به معروف» از شهروندان و به خصوص زنان، اخاذی نیز می کنند.

اعطای جایزه «آزادی مطبوعات» کانادا به دو روزنامه نگار ایرانی



سازمان «روزنامه نگاران کانادایی حامی آزادی بیان» جایزه بین المللی سالانه «آزادی مطبوعات» خود را به دو روزنامه نگار زندانی ایرانی، نیلوفر حامدی خبرنگار روزنامه شرق و الهه محمدی خبرنگار روزنامه هم میهن، اعطا کرد.

مراسم اعطای جوایز سالانه انجمن روزنامه نگاران کانادایی برای آزادی بیان، شب ۲۶

بهمن ماه در شهر تورنتو برگزار شد و معتبرترین جایزه انجمن روزنامه نگاران کانادایی برای آزادی بیان، به شهرام رفیع زاده که به نمایندگی از نیلوفر حامدی و الهه محمدی در این مراسم حضور داشت تقدیم شد.

در مراسم اعطای این جوایز مارگارت اتوود، نویسنده نامدار کانادایی، در بخشی از سخنان خود درباره این دو روزنامه نگار گفت: «آنچه آنها واقعا انجام داده اند، گفتن واقعیت بوده است درباره دختر جوانی که نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار دادند برای اینکه کمی از مویش از روسری بیرون مانده بود.»

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: رادیو زمانه، دویچه وله فارسی، محبت نیوز و ژنها "خبرگزاری زنان نزدیک به PKK")

جنبش رنگین کمان بیشماران (بهمن ۱۴۰۱)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

به همین دلیل ما بامشکلاتی زیادی مواجه هستیم. یکی دیگر از کارگران حاضر در این تجمع نیز گفت: ما گرسنه ایم و تجمع ما تنها برای مطالبه حقوق مان است.

* به دنبال فراخوان منتشره، شهروندان دارای معلولیت سراسر کشور خود را به پایتخت رساندند و برای اعتراض به حذف ردیف بودجه قانون معلولان در لایحه بودجه سال آینده دست به تجمع مقابل مجلس زدند و به دنبال عدم پاسخگویی بهارستان راهی سازمان برنامه و بودجه شدند و به تجمع با سردادن شعارهایی ادامه دادند. به گزارش کانال کمپین پیگیری حقوق افراد دارای معلولیت، این تجمع در اعتراض به حذف ردیف بودجه قانون حمایت از معلولان که توسط دولت در بودجه ۱۴۰۲ صورت گرفته برگزار شد.

همزمان شماری از معلولان مقابل معاونت استانداری و فرمانداری شهرستان مشهد تجمع اعتراضی برگزار کردند.



* مالباختگان تاج خودرو کاسپین در اعتراض به عدم رسیدگی به پرونده شکایات شان، مقابل دادستانی قزوین تجمع کردند. اسدی، بازپرس شعبه اول دادرسی قزوین در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری صدا و سیما گفت: حدود ۷۰۰ نفر مراجعه و علیه شرکت تاج خودرو کاسپین طرح شکایت کرده اند. این شرکت از ابتدای سال ۱۴۰۰ در قبال تهیه خودرو در قالب فروش اقساطی، وجوهات زیادی را از متقاضیان اخذ کرده بود.

* به گزارش هوانا، برخی از افرادی که در صرافی کریپتولند سرمایه داشتند، مقابل ساختمان دادگستری تهران تجمع کردند و شعارهای اعتراضی سر دادند. سینا استوی مدیرعامل صرافی کریپتولند در ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۰ به اتهام کلاهبرداری بازداشت شد اما وضعیت مالباختگان صرافی کریپتولند هنوز در حاله ای از ابهام است در حالی که مسئولان قضایی به مالباختگان قول همکاری داده اند، با این حال مدیران این صرافی به بهانه های مختلف کاربران این صرافی را در بلاتکلیفی نگه داشته اند.

دوشنبه ۳ بهمن

* کارکنان و بازنشستگان مخابرات در چندین شهر در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات و مطالبات شان مقابل ساختمان وزارت ارتباطات دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، این تجمع در تهران مقابل وزارت ارتباطات، استان چهارمحال بختیاری مقابل استانداری و در استانهای اردبیل، اصفهان، خراسان رضوی، کردستان، کرمانشاه، گیلان، لرستان، مرکزی، همدان و یزد مقابل ساختمان مرکزی شرکت مخابرات در مرکز استان انجام شد.

بقیه در صفحه ۲۲

در ماه بهمن شاهد شاهد حرکت‌های توده ای گوناگون بر بستر جنبش انقلابی، از جمله خیزش سراسری روز پنجشنبه ۲۷ بهمن بودیم. قیام‌های درخشان روزهای جمعه در شهرهای بلوچستان مثل خاش، راسک، زاهدان و... مراسم یادمان شهیدان انقلاب، سردادن شعارهای شبانه در تمام شهرهای ماه بهمن همراه با اعتصاب و تجمع از جانب کارگران و مزدگیران برگزیده درخشان تاریخ مردم ایران را ورق می زند.



در ماه بهمن ۱۴۰۱ نیروهای کار دستکم ۱۱۶ روز اعتصاب و تجمع کردند که فشرده اخبار آن را در زیر مطالعه می کنید. حرکت‌های اعتراضی معلمان، دانشجویان، دانش آموزان، در همین ماه در این شماره ماهنامه نبرد خلق جداگانه پوشش داده شده است.

شنبه یکم بهمن

* شهروندان ساکن یادوک و خیرآباد در اطراف گجساران، به تهران آمدند و با برپایی، تجمع مقابل وزارت کشور به حل نشدن مشکل اراضی شان اعتراض کردند. به گزارش کینا، یکی از تجمع کنندگان گفت: مردم یادوک و خیرآباد در برف و سرما در اعتراض، به ادامه مشکل زمینهای یادوک و خیرآباد این تجمع را برگزار کرده اند. وی افزود: قرار بوده هیچ طرحی در زمینها اجرا نشود، ولی از سمت شهرستان کهگیلویه می آیند در زمینهای مردم یادوک مدرسه می سازند، برق کشی می کنند، آب می کشند، حتی به حریم منطقه حفاظت شده محیط زیست وارد شده و در دامنه کوه خائیز مدرسه سازی کرده اند.

یکشنبه ۲ بهمن

* شماری از کارگران بازنشسته شوش، هفت تبه، کرخه و حر برای اعتراض به سطح پایین حقوق و عدم پاسخگویی به مطالبات دیگر دست به تجمع مقابل سازمان تامین اجتماعی شهرستان شوش در استان خوزستان زدند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان گفتند: افزایش ناچیز دریافتیها که ناشی از اعمال نادرست قانون همسانسازی حقوق بازنشستگان از سوی تامین اجتماعی است، منطبق با میزان تورم و هزینه های زندگی ما نیست بنابراین سازمان باقیمانده ۲۵ درصد همسانسازی حقوق را با تامین منابع مالی بپردازد و حق این است که براساس تورم حقوق مان افزایش پیدا کند و خواسته اضافه ای نداریم.

* جمعی از کارگران شهرداری خوزستان که از سال گذشته بر اساس بخشنامه وزارت کشور و سازمان شهرداریهای کشور مشمول تبدیل وضعیت شغلی شده اند، برای اعتراض به عدم تبدیل وضعیت دست به تجمع مقابل استانداری در کلانشهر اهواز زدند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان گفتند: ما کارگران شرکتی تحصیلکرده شهرداریهای مختلف استان خوزستان هستیم که بر اساس بخشنامه سال گذشته وزارت کشور و سازمان شهرداریها مشمول تبدیل وضعیت استخدامی از شرکتی به قرارداد مستقیم شده ایم.

یکی از کارگران با بیان اینکه استانداری خوزستان از تبدیل وضعیت استخدامی کارگران مشمول این طرح خودداری می کند، درباره دلیل مخالفت استانداری گفت: استانداری و سازمان امور شهرداریها با استناد به رأی که ۲۲ شهریور ماه سال جاری از سوی هیات عمومی دیوان عدالت اداری با شکایت یکی از شاکیان خصوصی در استان گیلان صادر شده است، از تبدیل وضعیت استخدامی کارگران مشمول این طرح خودداری می کند.

* کارگران شهرداری یاسوج در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه مقابل ساختمان شورای فرمایشی شهر تجمع کردند. به گزارش ایسنا، یکی از کارگران حاضر در تجمع گفت: پاکبانان از شهریور ماه امسال تاکنون حقوق نگرفته و بیمه برای ما واریز نشده است. وی با بیان اینکه بیمه ما نیز مرتب پرداخت نمی شود، افزود:

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۱

از محلات مریوان بدرنگ، بدبو، بدمزه و گل آلود است. مردم مریوان با در دست داشتن نوشته هایی حاوی «بهداشت آب» و «موضوع آب» مطالبات برحق خود را مبنی بر تامین «آب پاک» مطرح کردند.



چهارشنبه ۵ بهمن

* کارگران شاغل در پتروشیمی بندر امام برای چهارمین روز دست به اعتصاب زدند. به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، این اعتراض به تبعیضهای موجود در اختلاف دستمزد، پاداش و مزایای شغلی میان خود با سایر واحدهای منطقه بوده و خواستار ودیعه مسکن، دو آیتم رفاهی و انگیزشی، اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت کارانه هستند.

* پرسنل بیمارستان خمینی اهواز با برگزاری تجمع به وضعیت نامطلوب سرویسهای ایاب و ذهاب و تاخیر ده ماهه در پرداخت کارانه های خود اعتراض نمودند. به گزارش ایرنا، تجمع کنندگان بعد از حضور سعید آزنده معاون توسعه و علی نجفی مدیر روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی اهواز در بیمارستان خمینی ضمن «هو» کردن این افراد شعار: «مسئول بی کفایت نمی خواهیم نمی خواهیم» سر دادند.

* جمعی از نیروهای شهرداری میاندوآب در برابر ساختمان شهرداری تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

پنجشنبه ۶ بهمن

* تجمع اعتراضی، سرایداران، و کارکنان خدماتی، آموزش و پرورش، تهران، مقابل وزارت آموزش و پرورش

* کارگران، کارخانه شکلات سازی فرمند (صنایع غذایی، فرمند) برای اعتراض، به سطح نازل حقوق دست از کار کشیدند و در این واحد تولیدی در کرج تجمع کردند. به گزارش رادیو زمانه، کارگران شعار می دادند: «فرمندی داد بزن، حق تو فریاد بزن». کارخانه صنایع غذایی (شکلات سازی) فرمند در کرج واقع شده و بنا براطلاعات منتشرشده در پایگاه اطلاعاتی آن، حدود ۱۵۰۰ تن کارکن دارد و محصولاتش به ۱۴ کشور صادر می شود. اما کارگران، با یابین، ترین، میزان، حقوق، مجبور به کار هستند و چاره ای ندارند.

شنبه ۸ بهمن

* تجمع مستأجران، جمعه بازار، یاسوج در اعتراض، به افزایش قیمت غرفه ها جلوی استانداری تجمع. غرفه داران با حلی خواندن این بازار و با اشاره به وضعیت نامناسب آن، خواستار تجدید نظر در اجاره بهای دکه های خود شدند.

* کارگران روغن نباتی جهان از ادامه اعتراضات شان نسبت به بیکاری با مطالبات معوقه و وعده های پوچ مسئولان خبردادند. یکی از کارگران روغن نباتی جهان به خبرنگار ایلنا گفت: پیش از اخراج به اتفاق ۸۰ کارگر دیگر در این واحد تولید کننده روغن خوراکی مشغول کار بودیم اما در نهایت با آغاز نیمه دوم سال جاری از این جمع تعداد ۶۰ کارگر از سوی کارفرمای روغن جهان بیکار شدند و از آن زمان تاکنون برای یافتن شغل جایگزین سرگردان هستیم. وی با بیان اینکه کارفرمای سابق بعد از متوقف کردن فعالیت کارخانه بلافاصله اقدام به تعدیل نیروی انسانی مازاد کرد، افزود: در حالی با اتمام قرارداد یک ماهه اخراج شده ایم که ۱۳ نفر از همکارانمان مسئولیت حفاظت و نگهداری از مجموعه روغن جهان را برعهده گرفته اند.

یکشنبه ۹ بهمن

* جمعی از مالباختگان شرکت مفتاح رهنورد فعال در حوزه واردات خودرو با تجمع مقابل دفتر رئیس قوه فاسد قضاییه به بالاتکلیفی و انفعال مصلحتی مسئولان ذیربط منجمله سران فاسد قوه قضائیه از سر گرفتند. به گزارش رکن، مالباختگان شرکت مفتاح رهنورد که تعدادشان به بیش از یک هزار و چهار صد نفر می رسد خواهان تعیین تکلیف هرچه سریعتر وضعیت شان هستند. مالباختگان معترض ۵ سال پیش با

بقیه در صفحه ۲۳

شعارها و متن پلاکاردهای تجمع کنندگان: «بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن» / «شرکت پر درآمد چه بر سر تو آمد» / «وعده های دروغین دیگر اثر ندارد» / «بیمه مناسب حق مسلم ماست» / «اجرای آیین نامه این آخرین پیامه».



* جمعی از کارکنان رسمی مخابرات استان چهار محال و بختیاری با امضای توماری و به دلیل ناتوانی در پرداخت به موقع حقوق و دستمزد و اجرای تعهدات درقبال کارکنان و بازنشستگان مخابرات خواستار استعفای مجید سلطانی مدیرعامل شرکت مخابرات شدند.

به گزارش کانال مخابرات فردا، در این تومار کارکنان مخابرات استان چهار محال و بختیاری به دلیل ناتوانی در پرداخت به موقع حقوق و دستمزد کارکنان، ناتوانی در اجرای آییننامه استخدامی و پرسنلی مصوب مخابرات ایران، تعیین نکردن سازو کار فوری پرداخت حقوق کارکنان ناشی از عضویت در صندوق پس انداز ۶ درصد، عدم ایفای تعهدات در خصوص بازنشستگان و ناتوانی در پرداخت مطالبات معوق کارکنان، عدم استفاده از مدیران خلاق و توانمند در مخابرات ایران و استانها خواستار استعفای مجید سلطانی از مدیریت مخابرات شده اند.

* کارگران نوینکار و شیفتکار توزیع و بهره بردار برق کشور که به صورت پیمانکاری مشغول کارند خود را به تهران رساندند و با برپایی تجمع مقابل وزارت نیرو ضمن اعتراض به عدم تبدیل وضعیت استخدامی، خواستار تغییر عنوان شغلی خود به کارگری شدند.

به گزارش برق نیوز، یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت: اعتراض کارکنان نوبت کار و شیفت کار توزیع برق کشور که از نقاط مختلف به تهران آمده و مقابل ساختمان وزارت نیرو حاضر شدند، به عنوان شغلی خود است. وی گفت: ما کار کارگری انجام می دهیم اما قراردادهایمان کارمندی است به همین دلیل نسبت به همکاران «کارگر» خود از دستمزد کمتری برخورداریم و از مزایای شغلی که آنها دریافت می کنند، محروم هستیم.

سه شنبه ۴ بهمن

* کارگران پتروشیمی دنا در شهر یاسوج در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مزایای معوقه برای یازدهمین روز متوالی در برابر این مجتمع تجمع کردند. به گزارش ایران کارگر، پتروشیمی دنا متعلق به هلدینگ انرژی سپهر است که متعلق به سپاه پاسداران می باشد. از یازده روز پیش تاکنون مدیران این شرکت که از مقامات سپاه پاسداران هستند، پتروشیمی دنا را بدون اطلاع قبلی تعطیل کرده اند. مقامات این شرکت به کارگران گفته اند، پول نداریم و به خانه هایمان بروید. اما کارگران در اعتراض به این اقدام در خوابگاهها مانده اند تا پول شان را بگیرند.

* جمعی از اهالی مریوان برای اعتراض به بی کفایتی مقامات در تصفیه آب شرب دست به تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان در استان کردستان زدند. به گزارش ایرنا، بر طبق گفته شهروندان، آب سد گاران بدون تصفیه وارد سیستم آبرسانی شهر می شود و دهها تن در روزهای اخیر به بیمارهای گوارشی مبتلا شده اند. آب بسیاری

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۲

پرداخت مبالغی اقدام به پیش‌خرید خودرو کرده‌اند، اما تاکنون خودرویی به آن‌ها تحویل داده نشده است و مسئولان ذیربط هم با این دست‌و‌ان دست کردن به بالاتکلیفی این مالباختگان دامن زده‌اند.



دوشنبه ۱۰ بهمن

* جمعی از کارگران بازنشسته شرکت ملی مس ایران در اعتراض به تغییر اساسنامه و قرارگرفتن زیر نظر شورای عالی رفاه خودرا به تهران رساندند تا همزمان با تجمع همکاران شان روبروی کارخانه با مقابل دفتر شرکت ملی صنایع مس ایران تجمع کنند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان گفتند: امروز در تهران مقابل دفتر شرکت ملی صنایع مس ایران در خیابان ولیعصر جمع شدیم و در کرمان نیز بازنشستگان مقابل دفتر اصلی کارخانه تجمع کرده‌اند.

* جمعی از کارگران بازنشسته سهامدار کارخانه فرش گیلان که صاحب ۷/۵ درصد از سهام این واحد تولیدی هستند، برای اعتراض به روند توزیع سود سالانه و گزارش غیرشفاف سالیانه شرکتهای سرمایه‌گذاری صنایع عمومی تامین و صنایع کاغذسازی کاوه دست به تجمع مقابل نمایشگاه دائمی و بین‌المللی استان گیلان درکلانشهر رشت زدند. تجمع کنندگان به خبرنگار ایلنا گفتند: شرکتهای سرمایه‌گذاری صنایع عمومی تامین و صنایع کاغذسازی کاوه که به ترتیب سهامدار این واحد تولیدی هستند، در خصوص گزارش سالانه و توزیع سود سهام شفاف عمل نمی‌کنند. آنها افزودند: در سال ۷۶، سهام کارخانه فرش گیلان که تولیدکننده انواع فرش و موکت است، از سوی وزارت صنایع دولت وقت بین شرکت سرمایه‌گذاری صنایع عمومی تامین، شرکت صنایع کاغذسازی کاوه و حدود ۲۲۸ کارگری که آن زمان در این واحد تولیدی مشغول بودند، تقسیم شده است.



* جمعی از پرستاران شیراز در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات شان دست به تجمع زدند.

سه شنبه ۱۱ بهمن

* جمعی از زلزله زدگان خوی برای اعتراض به کمبود امکانات از جمله چادر، پتو، وسایل گرمایشی و موادغذایی دست به تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان در استان آذربایجان غربی، زدند.

* جمعی از اهالی بافق، برای اعتراض، به عدم احداث جاده بافق، کوشک بهاباد مقابل فرمانداری این شهرستان، دراستان، یزد تجمع کردند و خواهان پاسخگویی، مسئولان شدند.

* مالباختگان کریتولند با برپایی تجمع مقابل دادسرای جرائم اقتصادی درتهران، با شعار «داد بزن داد بزن حق تو فریاد بزن» شماره ای دیگر از اعتراضات دامنه دارشان را به اجرا گذاشتند.

* مالکان صنایع فعال در شهرک صنعتی پرند با تجمع مقابل فرمانداری شهرستان رباط کریم نسبت به وضعیت نامناسب و قطعیهای مکرر برق، این شهرک اعتراض کردند.

* چندمین روز اعتصاب کارگران کارخانه مس فلز رنگین و تجمع مقابل فرمانداری شهربابک در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات شان خبرداد.

چهارشنبه ۱۲ بهمن

* به گزارش آهن نیوز، برای سومین روز متوالی، کارگران مجتمع فولاد سیرجان (شرکت فولاد سیرجان ایرانیان) در اعتراض به سطح پایین حقوق و وعده های توهالی مدیران دست به اعتصاب زدند.

* تجمع اعتراضی کارکنان بانک پارسیان (دومین بانک خصوصی ایران) نسبت به سطح پایین حقوق و برای افزایش از جمله همسانسازی با کارکنان بانک مرکزی مقابل بانک مرکزی

یکشنبه ۱۶ بهمن

* کارگران کارخانه فولاد کاویان واقع در کیلومتر ۹ جاده اهواز - خرمشهر برای اعتراض به سطح پایین حقوق ازجمله اجرائشدن طرح طبقه بندی مشاغل دست از کارکشیدند و مقابل این واحد تولید کننده ورقهای ضخیم فولادی زدند. بنابر گزارش رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، دلیل اعتراض و اعتصاب کارگران این شرکت، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل است که یک سال و نیم است به تعویق افتاده و مدیران شرکت مدتهاست وعده اجرای آن را می دهند.

شرکت فولاد کاویان حدود ۷۰۰ نفر کارگر را به صورت پیمانکاری در استخدام دارد که با سایر پرسنل مجموعاً حدود ۱۰۰۰ نفر در این شرکت مشغول به کار هستند.

* جمعی از پیمانکاران فضای سبز شهر تبریز در اعتراض به واگذاری این پروژه به شرکتی دیگر از سوی شهرداری، روبروی دفتر مرکزی شهرداری این شهر تجمع کردند.

دوشنبه ۱۷ بهمن

* کارگران فولاد اردستان برای اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق، وعده های توهالی مدیران مجتمع و مسئولان شهرستان و اخراج ۴۹ همکارشان دست از کارکشیدند و در این مجتمع تولید انواع لوله های فولادی دراستان اصفهان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، بعد از این اعتصاب فرماندار شهرستان اردستان به همراه اعضای شورای تامین و دیگر روسای ادارات ذیربط در کارخانه حضور پیدا کردند و به دنبال جلسه با مدیران کارخانه به کارگران وعده دادند همین امروز حقوق آنان ماه کارگران پرداخت و تا پایان بهمن ماه حقوق ماههای آنان و دی آنها پرداخت خواهد شد. آنها همچنین قول بازگشت به کار کارگران اخراجی را دادند.

* کشاورزان اصفهان برای اعتراض به عدم اختصاص حقآبه تصمیم به راهپیمایی تراکتوری بسوی تهران گرفتند و به طرف پایتخت راه افتادند. فیلم کوتاه منتشره در شبکه های اجتماعی نشان می دهد که نیروهای سروبوگر سد راهشان شدند.

* شماری از مالباختگان کرمان موتور برای اعتراض مقابل وزارت صنعت اجتماع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از معترضان گفت: ۶ سال پیش حدود ۷۶ میلیون تومان جهت خرید خودرو واریز کردیم اما تا امروز کرمان موتور از تحویل خودرو سرباز می زند.

* کارگران بازنشسته مخابرات استانهای خراسان رضوی و خوزستان با تجمع مقابل ساختمان مرکزی شرکت مخابرات در کلانشهرهای مشهد و اهواز سومین دوشنبه اعتراضی کارگران بازنشسته مخابرات کشور را رقم زدند. همزمان کارگران بازنشسته مخابرات استانهای اصفهان، ایلام، تهران، کرمانشاه و رشت با تجمع مقابل ساختمان مخابرات در صفحه ۲۴

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۳

* گروهی از مالباختگان، صراف، کریپتولند مقابل مجتمع تخصصی ویژه رسیدگ، به جرائم اقتصادی دادگستری تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. مالباختگان معترض با حمل پلاکاردی محسن اژهای، رئیس قوه قضائیه ایران را مخاطب قرار داده و گفتند که آنان در دو سال گذشته تحت شدیدترین فشارهای روحی و مالی بوده و از او خواسته به «نام انسانیت و اسلام» دارایی آنان را به آنها بازگرداند. گفته می شود که کریپتولند ۲۸۹ هزار کاربر داشته که در مجموع میزان مطالبات آنها بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان است.

سینا استوی مدیرعامل صرافی کریپتولند خرداد سال گذشته به اتهام ایجاد رمز ارز بدون، پشتوانه و اخلال در نظام اقتصادی بازداشت شد.

* مردم خوی در پی وضعیت بحرانی در این منطقه پس از زمین لرزه و ناتوانی مسئولان در کمک رسانی، مقابل ساختمان فرمانداری تجمع کردند و خواستار چادری برای سرپناه شدند.

پنجشنبه ۲۰ بهمن

* کارگران یزد تابر برای اعتراض به سطح نازل حقوق و عدم تبدیل وضعیت دست به تجمع در این واحد تولیدی واقع در شهرک صنعتی یزد زدند. به گزارش ایلنا، این کارگران که بسیاری از آنها پیمانکاری هستند گفتند: بعد از سالها کار در این کارخانه حقوقمان با اضافه کاری کمتر از ده میلیون تومان است. آنها افزودند: حقوقمان کفاف هزینه های زندگی را نمی دهد و تامین ابتدایی ترین نیازهای زندگی هم برایشان دشوار است.

* اعتصاب رانندگان و کارگران شرکت خدمات مهندسی نفت کیش (KPE) زیر مجموعه شرکت مهندسی و ساختمان صنایع نفت (OIEC) در دره شهر استان ایلام برای سومین روز.

* کسبه دوره گرد شرق اصفهان برای اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی مبنی از جلوگیری از جمع آوری و خرید و فروش پسماندها دست به تجمع مقابل سازمان مدیریت پسماند شهرداری اصفهان زدند.

* کارگران صنایع لاستیک یزد دست به تجمع زدند. معترضان شعار می دادند «بهره وری کافی، سفره ماه خالی»، «کارگر داد بزن حقت رو فریاد بزن».

یکشنبه ۲۳ بهمن

* بازنشستگان در چند شهر و استان از جمله در اهواز، شوش، شوشتر و کرمان مقابل سازمان تامین اجتماعی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، بازنشستگان خواسته های خود را برقراری مستمری بالاتر از خط فقر، ارائه خدمات درمانی رایگان بدون نیاز به بیمه تکمیلی و افزایش سطح تسهیلات ارائه شده به بازنشستگان عنوان کردند. بازنشستگان خواسته های خود را برقراری مستمری بالاتر از خط فقر، ارائه خدمات درمانی رایگان بدون نیاز به بیمه تکمیلی و افزایش سطح تسهیلات ارائه شده به بازنشستگان عنوان کردند.

دوشنبه ۲۴ بهمن

* جمعی از کارگران قرارداد موقت صنعت نفت برای اعتراض به برخورد شترمرغی دولت و پرداخت عیدی کارمندی بجای کارگری دست به تجمع مقابل دفتر مرکزی شرکت نفت در خیابان حافظ تهران زدند. به گزارش ایلنا، این کارگران، از احتمال پرداخت عیدی کارمندی پایان سال انتقاد کردند و گفتند: چرا تمام سال کار کردیم اما عیدی پایان سال، کارمندی است؟ کارگران قرارداد موقت نفت با بیان اینکه باید مشمول پرداخت عیدی کارگری - حداقل دو پایه حقوق و حداکثر سه پایه حقوق کارگری- شویم؛ می گویند: پرداخت عیدی کارمندی به کارگران نفت، اجحاف است؛ امیدواریم مدیریت منابع انسانی نفت به این مساله توجه کند و دستور پرداخت عیدی کارگری را صادر نماید.

* شماری از کارگران شهرداری ایلام که موقتات مزدی دارند، در ادامه پیگیری خود تجمع کردند.

کارگران معترض به خبرنگار ایلنا گفتند: از اردیبهشت ماه مطالبات مزدی آنها پرداخت نشده و روز به روز بر بدهیهای کارگران شهرداری ایلام افزوده می شود. در عین حال راه حل مناسبی از سوی مسئولان شهری مشاهده نمی کنند.

* کارگران کارخانه فولاد مشیز بردسیر وابسته به هلدینگ جهاد نصر کرمان برای اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و بی خیالی مسئولان مقابل استانداری کرمان تجمع کردند.

بر اساس گزارش راه آرمان، کارخانه فولاد مشیز بردسیر با عدم پرداخت مطالبات کارگران تعطیل شد.

بقیه در صفحه ۲۵

مرکزی شرکت مخابرات درکلانشهرهای شان و در تهران مقابل وزارت ارتباطات چهارمین دوشنبه اعتراضی شان برگزار کردند. به گزارش کانال مخابرات فردا، بازنشستگان مخابرات به کاهش قدرت خرید از جمله عدم اجرای آییننامه سال ۸۹ و افزایش ۳۰ درصدی سهم بیمه تکمیلی و عدم پرداخت سهم خوار و بار و مطالبات دیگر با شعارهای «وعده وعید کافی سفره ما خالی»، «اجرای آئین نامه حق مسلم ماست» اعتراض کردند.



سه شنبه ۱۸ بهمن

* کارگران شرکت کیان تابر با تجمع و روشن کردن آتش در محوطه کارخانه، در اعتراض به برآورده نشدن مطالبات خود شعار می دادند؛ وعده وعید کافی سفره ما خالیه

* برای دومین بار در ماه بهمن، کارگران شرکتی شهرداریهای خوزستان برای اعتراض به عدم تبدیل وضعیت و بی تفاوتی مسئولان دست به تجمع مقابل استانداری در کلانشهر اهواز زدند.

به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان گفتند: در اولین روز از اعتراض کارگران مجموعه شهرداریهای؛ هیچ یک از مسئولان اهمیتی برای کارگران معترض قائل نشدند و حتی یک کارمند جزء استانداری برای پاسخگویی در جمع معترضان حاضر نشدند.

* برای دومین بار در ماه جاری، کارکنان باشگاه پرسپولیس در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق دست از کار کشیدند و در سالن کنفرانس این باشگاه تجمع کردند.

* تعدادی از وزنه برداران تیم ذوب آهن در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان در تمرینات اردوی آمادگی این تیم برای شرکت فینال لیگ برتر شرکت نمی کنند.

چهارشنبه ۱۹ بهمن

* تجمع و اعتصاب کارگران هفت تپه با حضور دهها تن برگزار شد. عدم اجرای همسانسازی بین شرکتهای تابعه هفت طرح که مسبب اصلی آن عبدالعلی ناصری است؛ مشکل منازل سازمانی همکاران، وضعیت همکاران فصلی و نیز مطرح شدن نام حکیم ناصری برای مدیریت شرکت اعتراض داریم.

* برای دومین روز متوالی، کارکنان شرکتی اداره مخابرات سقز برای اعتراض نسبت به عدم پرداخت ماهها حق بیمه به اعتصاب شان ادامه دادند.

* اعتصاب سه روزه کارگران کارخانه نساجی بروجرد به دلیل حقوق معوقه و قطع شدن بیمه و مزایای شان. مزدوران اطلاعات چند نفر از کارگران زحمتکش را بازداشت کردند. با اینکه چند روزی است کارخانه نساجی که شناسنامه صنعت بروجرد به حساب می آید تعطیل شده، مدیران ارشد استان هنوز نتوانسته اند راهی برای پرداخت حقوق کارگران پیدا کنند و چرخ تولید این کارخانه را به حرکت درآورند.

* راهپیمایی و تجمع کشاورزان اصفهان با شعارهای «تنگ ما ننگ ما، صدا و سیمای ما»، «مرگ بر این دولت مردم فریب» و... در اعتراض به عدم اختصاص حقایبه.

* پنبه کاران پارس آباد مغان برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان دست به تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان در استان اردبیل زدند. به گزارش کانال اتحادیه آزاد کارگران ایران، نزدیک هزار میلیارد تومان پنبه از کشاورزان منطقه مغان خریداری شده است که از این مبلغ تنها ۲۰۰ میلیارد تومان به حساب پنبه کاران واریز شده و با گذشت ۴ ماه هنوز مطالبات پنبه کاران پرداخت نشده است.

جنبش رنگین کمان بیشماران

پول بیشتری هم پرداخت کرده‌اند، اما با وجود پیگیری قانونی و تجمعات اعتراضی، هنوز نه خودرویی دریافت کرده‌اند و نه موفق به پس گرفتن پولشان شده‌اند.

چهارشنبه ۲۶ بهمن

* جمعی از اعضای اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری ایران با مطالبه گنجاندن مطالبات سازمان تامین اجتماعی و بازنشستگان از دولت در بودجه سنواتی، مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در جمع بازنشستگان عضو این اتحادیه گفت: سالانه ۸۳ هزار میلیارد تومان تعهدات به سازمان تامین اجتماعی بابت همین تعهدات ایجاد شده از سوی مجلس در رابطه با اقشار و صنوف خاص اضافه شده اما به بدهی دولت به این سازمان اضافه نمی‌شود.

* کارگران شرکت کشتی سازی و صنایع فراساحل ایران (ایزوایکو) اعتراض به سطح پایین حقوق از جمله عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، پرداخت نشدن سهم ۴ درصد بازنشستگی و عدم پرداخت بموقع حقوق دست از کار کشیدند و با تجمع مقابل درب اصلی این مجتمع واقع در ۳۷ کیلومتری غرب بندر عباس، راه تردد را مسدود کردند. به گزارش موج هرمزگان، مسئول روابط عمومی کشتی سازی و صنایع فراساحل گفت: عده ای معترض درب را برای ورود پرسنل بستند که این امر باعث تجمع شد. وی افزود: «آنها به دلیل نبود طرح طبقه بندی مشاغل، عدم پرداخت حقوق پرسنل و پیمانکار و همچنین عدم پرداخت ۴ درصد بازنشسته ها معترض بودند».

* کارگران معدن کروم عاشورا منطقه آبدشت صوغان شهرستان اُروییه برای اعتراض به سطح نازل حقوق از جمله عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و شرایط سخت کاری دست از کار کشیدند و در این واحد معدنی در استان کرمان تجمع کردند. به گزارش صدا و سیمای کرمان، کارگران معترض معدن عاشورا گفتند: حدود ۲۰۰ نفرند و در عمق ۷۰۰ متری کار می‌کنند و با وجود کاری سخت دستمزد اندکی می‌گیرند و به همین دلیل تجمع و اعتراضی انجام دادند.

* برای چندمین بار، کارگران بازنشسته سهامدار کارخانه فرش گیلان با تجمع مقابل نمایشگاه دائمی و بین‌المللی استان گیلان در رشت به روند توزیع سود سالانه اعتراض کرده و خواهان شفاف سازی در روند توزیع سود سهام و گزارشهای سالانه شدند. یکی از کارگران بازنشسته حاضر در تجمع به خبرنگار ایلنا گفت: بعد از تجمع کارگران بازنشسته سهامدار فرش گیلان مقابل کارخانه که در آن نمایشگاه عیدانه برگزار شده بلافاصله مسئول حراست شرکت ایران سازه (که متعلق به تامین اجتماعی است) با اختلالی که در روند فروش غرفه داران ایجاد شد با یکی از نمایندگان کارگران معترض ارتباط تلفنی گرفت و قرار شده تا چند روز آینده به صورت ویژه وضعیت سهام کارگران را پیگیری کند.

* کارگران شاغل در مجتمع کشتی سازی و صنایع فراساحل ایران در بندرعباس تجمع کردند. به گزارش دریا نیوز، کارگران در واکنش به سومدیریت، اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل، پرداخت نشدن حقوق ماهیانه کارگران و سایر پرسنل اداری پیمانکار و عدم لحاظ ۴ درصد حقوق پرسنل بازنشسته این شرکت برگزار کردند. مجتمع کشتی سازی و صنایع فراساحل ایران (ایزوایکو) در زمینه تولید و تجهیزات صنایع دریایی فعالیت می‌کند.

پنجشنبه ۲۷ بهمن

* کارگران کارخانه سیمان خاش برای اعتراض به پرداخت نشدن چند ماه حقوق و عدم تبدیل وضعیت دست از کار کشیدند و در این واحد تولیدی استان سیستان و بلوچستان تجمع کردند.

به گزارش، از مهم ترین مطالبات این کارگران، پرداخت حقوق معوقه، رسمی شدن استخدام آنها و برخورداری از حقوق و مزایای دیگر عنوان شده است.

یکشنبه ۳۰ بهمن

* کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی در دومین یکشنبه اعتراض به سطح نازل حقوق و عدم همسانسازی، عیدی کارمندی (مبلغ ناچیز یک میلیون و هشتصد هزار تومانی) و عدم برخورداری از درمان رایگان دست به تجمع مقابل سازمان اجتماعی در اهواز، رشت، شوش، شوشتر، کرمان و کرمانشاه زدند. شعارها: «حقوق ما ریالیه هزینه ها دلاریه»، «عیدی کارمندی نمی‌خواهیم نمی‌خواهیم»، «عیدی یک و هشتصدی نمی‌خواهیم نمی‌خواهیم»

* تجمع اعتراضی کارگران صنعت فولاد کشور مقابل صندوق بازنشستگی فولاد کشور در تهران

بقیه در صفحه ۲۶

بقیه از صفحه ۲۴

* طی روزهای چهارشنبه ۵، پنجشنبه ۱۳ و دوشنبه ۲۴ بهمن، جمعی از افراد دارای معلولیت در برابر مجلس و سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. به گزارش کمپین پیگیری حقوق افراد دارای معلولیت، ۴۹ درصد از بودجه های سازمان بهزیستی در حوزه های اجتماعی، پیشگیری و توانبخشی، تاکنون پرداخت نشده و جامعه هدف بهزیستی به ویژه معلولان را دچار مشکلات مضاعف کرده است. معلولان شعار می‌دادند: ای معلول بیا خیز، برای رفع تبعیض / ای معلول داد بز، حق تو فریاد بز / ننگ ما ننگ ما برنامه بودجه ما / سازمان معلول ستیز، بودجه ما رو بریز / نه صدقه نه منت، حق رو می‌خواهیم با عزت / میرکاملی حیا کن، حق ما رو ادا کن.

سه شنبه ۲۵ بهمن

جمعی از بازنشستگان صندوقهای کشوری و لشگری استان قزوین برای اعتراض به سطح پایین حقوق و عدم همسانسازی مقابل صندوق بازنشستگان کشوری در قزوین تجمع کردند. همزمان جمعی از بازنشستگان کشوری استان البرز مقابل صندوق بازنشستگی کشوری در کلانشهر کرج تجمع کردند.

* پیشکسوتان و جمعی از کارکنان مخابرات منطقه اصفهان مقابل ساختمان مرکزی مخابرات در چهارباغ بالا تجمع اعتراضی نمودند تا بتوانند فریادشان را به گوش مدیران به ظاهر غیر دولتی مخابرات برسانند. در این تجمع اعتراضی شعارهایی همچون: «شرکت پر درآمد، چه برسر توآمد و مدیران بی کفایت استعفا استعفا» خواهان حق و حقوق خود شدند.

* پیمانکاران فضای سبز شهرداری تبریز در ادامه اعتراض به عدم برگزاری مناقصه از ابتدای اسفند ماه سال ۱۴۰۰ مقابل شهرداری مرکزی این کلانشهر تجمع کردند.

* کارگران معدن مس درخشان واقع در تخت گنبد سیرجان در استان کرمان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق، سطح نازل دستمزدها و مشکلات بیمه‌ای برای چهارمین روز متوالی دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایلنا، به دنبال اعتراض کارگران معدن مس تخت گنبد به موضوع حقوق ناکافی، دادستان سیرجان در اولین روز کاری خود در جمع کارگران معترض حاضر شد و قول پیگیری مطالبات آنها را داد. با اعتماد به وعده دادستان سیرجان؛ تمامی کارگران این واحد معدنی به محل کار خود بازگشته و در حال حاضر فعالیت بخشهای مختلف این واحد معدنی به حالت عادی بازگشته است.



* برای دومین بار طی ۲ هفته اخیر، جمعی از خانواده های دانش آموزان استثنایی تهران برای حمایت از رانندگان سرویسهای رفت و آمد و اعتراض به تعطیلی سرویسها دست به تجمع مقابل شورای شهر تهران زدند. تجمع کنندگان به خبرنگار رکنا گفتند: حدود ۲ هفته است که سرویس مدارس استثنایی دیگر دنبال فرزندان شان نمی‌آیند، شهرداری بودجه پیش بینی شده را به شرکتهای سرویس مدرسه نمی‌دهد و آنها هم دست از کار کشیده‌اند.

* برای چندمین بار، مالباختگان رامک خودرو برای اعتراض مقابل مجتمع قضایی مفتوح اجتماع کردند. معترضان شعار می‌دادند که «رامک دزدی می‌کند، مفتوح حمایت می‌کند». این معترضان قبلاً گفته بودند، حدود ۷ هزار نفر بیش از ۵ سال است که از شرکت رامک خودرو ماشین پیش خرید کرده‌اند و در طی این سالها با نوسان بازار

جنبش رنگین کمان بیشماران

شعارهای شبانه چه می گوید؟

بقیه از صفحه ۲۵

منصور امان

شب گذشته نیز همچون شبهای دیگر، از پشت بام و از پنجره های باز، صدای بلند انقلاب در شهرهای کشور طنین افکن شد. دیروز با هم دستهای پرتوان و خستگی ناپذیری، دیوارهای شهر را با نقش برنابیدن و برآشوبی پیام رسان خود کرد. در سراسر روز در دانشگاه و مدرسه، محل کار و مترو، جا پای مصمم جنبش انقلابی به جا گذاشته شد. آری، در رنگین کمانی از اشکال خلاق، انقلاب ماندگاری خود را هر روز و هر شب از نو به رخ می کشد و زمین پیشروی اش را برای یورش سهمگین تر از پیش علیه حاکمیت ستمکار هموار می کند.

نزدیک به دوپست سال پیش مارکس و انگلس در جزوه کوچکی به نام «مانیفست حزب کمونیست» از «شیخی» نام بردند که «اروپا را گشت می زند». استعاره آنها اشاره ای بود به حضور نیرومند و فراگیر شده ذهنیتی عدالت طلبانه و سوسیالیستی که می رفت سازمان یابد و تمامی قدرتهای ارتجاعی اروپا را علیه خویش به تقلا درآورده بود. امروز نیز در کشور ما «شیخ» انقلاب در گشت و گذار است و حضور آن نه فقط در بسیج پلیسی و امنیتی قدرت حاکم یا تهدیدها، فحاشیها و شکوه های پیوسته اش، بلکه در بهنه پهناور جامعه معترض، در زاهدان و مهاباد و هر آنجا که نیروی تغییر دی و آبان و شهرپور در هیات زن یا مردی، جوان یا نوجوانی عینیت یافته باشد، لمس پذیر می شود.



آنچه که در روزها و شبهای میهن گشت می زند، ترجمان مادی حقیقتی رواج یافته نزد توده ها است که حتی از زبان اعضای حاکمیت هم شنیده می شود: «شرایط به گذشته بر نمی گردد». فعالیت متوقف نشدن جنبش انقلابی علیه حاکمیت با وجود بسیج و تلاش دیوانه وار جملگی دستگاه های پلیسی و امنیتی برای خفه کردن و یا دستکم پایش آن، شاهدهی از ورود نبرد «بالا» و «پایین» به میدانی دیگر و دورانی دیگر است.

گریبان «نظام» در چنگ توده معترض است و او که هنوز داغ کمپین سراسری علیه «دهه فجر» اش التیام نیافته، ناچار است با تسخیر کُسرتهای فرمایشی اش و تبدیل آنها به تریبونی برای خیزش «زن، زندگی، آزادی» روبرو شود؛ سلسله ای از رویدادهای «نظام» شکن کوچک و بزرگ که اقتدار متکی به ترور و اوباشگری آن را از سطح جامعه به عقب می راند و سایه سرنوشتی را پررنگ تر بر سرش می گستراند. شاید هیچ نمادی گویا تر از زنان زندانی آزاد شده ای که در برابر زندان اوین شعار می دادند «حکومت ستمگر نابود باید گردد»، نتواند حضور زنده و رزمنده انقلاب را روشن و شفاف یادآور شود. آنگاه که مخوف ترین شکنجه گاه رژیم ولایت فقیه نیز قادر نیست تاثیر دوزخی خود را بر خواست آزادی و عدالت و اراده دستیابی به آن بگذارد، دوران نو آغاز گردیده و پایان کار رژیم چ.ا نزدیک شده است. فراسوی خبر... پنجشنبه ۲۷ بهمن

روز یکشنبه ۹ بهمن، خانواده های زندانیان محکوم به اعدام با تجمع مقابل قوه فاسد قضاییه خواهان اعدام نکردن بستگان شان شدند. تجمع این شهروندان روز چهارشنبه ۱۲ بهمن مقابل قوه فاسد قضاییه با برافراشتن پلاکاردها و سردادن شعار «اعدام نکنید» برگزار شد. روز دوشنبه ۲۴ بهمن، خانواده های زندانیان محکوم به اعدام مقابل زندان کرج تجمع کردند.

روز یکشنبه ۳۰ بهمن برای چندمین بار، جمعی از خانواده های زندانیان محکوم به اعدام دست به تجمع مقابل قوه فاسد قضاییه زدند. بر اساس گزارش، عفو بین الملل که در خرداد ماه سال جاری منتشر شد، جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۱ میلادی با اجرای دستکم ۳۱۴ حکم اعدام بار دیگر پس از چین در جایگاه دوم جهان قرار گرفت.

*کارگران شهرداری یاسوج در ادامه اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و عدم پاسخگویی مسئولان دست به تجمع مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد زدند. یک کارگر شهرداری یاسوج با اظهار تأسف از اینکه هیچ مسئولی پاسخگویی دغدغه ها و نگرانیهای آنان نیست، به خبرنگار ایلنا گفت: خودتان می دانید که در هشت ماهه گذشته، تورم چه میزان افزایش یافته و اختلاف ارزش پولی که امروز به ما می دهند با ارزش پولی که باید هشت ماه قبل به ما می دادند زمین تا آسمان است. یک پاکبان معترض هم از ناامیدی خود و همکارانش از شهرداری یاسوج خبرداد و اظهارداشت: هشت ماه است که حقوقی نگرفته ایم و هیچ آمیدی هم نداریم چرا که مسئولان شهرداری پاسخگویی ما نیستند.

*کارگران نگهبان پروژه قطار شهری اهواز در ادامه کنشهای دامنه دارشان در اعتراض به عدم پرداخت ۱۸ ماه حقوق و ۲ سال عیدی و بی خیالی مسئولان دست به تجمع مقابل فرمانداری در کلاشهر اهواز زدند و خواستار رسیدگی بازرسان وزارت کار به وضعیت پرداخت مطالبات عقب افتاده خود شدند. یکی از کارگران با انتقاد از بی توجهی مسئولان استانی در واکنش به اخباری که در چهار سال گذشته در مورد شرایط سخت زندگی کارگران نگهبان پروژه قطار شهری اهواز در نتیجه تعطیلی کارگاه و عدم دریافت ماهها حقوق منتشر شده است، به خبرنگار ایلنا گفت: از بازرسی وزارت کار می خواهیم با ورود به پروژه قطار شهری اهواز به روند پرداخت حقوق کارگران شاغل در آن رسیدگی کند.

*جمعی از فرهنگیان مالباخته تبریز برای اعتراض به بالاترین ۲۵ ساله در رابطه با زمینهای خریداری شده جلوی موزه ساعت در تبریز تجمع کردند.

*برای دومین روز، بازیکنان تیم فوتبال نفت مسجد سلیمان برای اعتراض به عدم پرداخت حقوق از تمرین قبل از بازی با تیم پرسپولیس در تهران خودداری کردند.

*نانوایان پایتخت تهران برای اعتراض به کاهش سهمیه آرد و بالا رفتن هزینه طبخ نان مقابل اتحادیه نانوایان تهران تجمع کردند.

*مالباختگان، پرونده نگین خودرو و ایرتویا در مقابل دادسرای تهران تجمع کردند. معترضان شعار می دادند: «حق خوری را رها کنید، دین ما را ادا کنید»، «شعبه اجرای حق، رای رو میده به ناحق».

سریال اعتراض خانواده های زندانیان محکوم به اعدام

روز شنبه یکم بهمن، برای چندمین بار، جمعی از خانواده های زندانیان محکوم به اعدام در زندانهای مرکزی کرج و قزلحصار دست به تجمع مقابل ساختمان قوه فاسد قضاییه در تهران زدند. این خانواده ها با در دست داشتن پلاکاردهایی با محتوای «اعدام نکنید» و سر دادن شعارهایی، خواستار توقف اجرای حکم اعدام زندیکان شان شدند.



روز سه شنبه ۴ بهمن، خانواده های زندانیان محکوم به اعدام در ادامه اعتراض به اعدام بستگان شان مقابل دفتر ارتباطات مردمی قوه فاسد قضاییه تجمع کردند. روز چهارشنبه ۵ بهمن، شماری از خانواده های زندانیان محکوم به اعدام، برای چندمین بار دست به تجمع اعتراضی زدند. این تجمع با برخورد خشونت آمیز ماموران زندان همراه بود و چند نفر از معترضان در جریان برخورد خشونت آمیز ماموران، زخمی شدند.

حماسه پُر شور پیشمرگان فدایی در بهمن ۱۳۶۱

همریشه گی دو استبداد شاه و شیخ

زینت میرهاشمی

سرنگونی استبداد سلطنتی در انقلاب سال ۱۳۵۷، جنبه پیروز جنبش ضد آزادیخواهی مردم بود. به جرات باید گفت که سرنگونی دیکتاتوری شاه، دستاورد نیروهای مترقی و آزادیخواهی بود که تا پای جان برای رهایی از دیکتاتوری و برای تحقق آزادی و دموکراسی مبارزه کردند. پس باید گفت خواسته های انقلاب سال ۱۳۵۷ همچنان موضوع اصلی جنبش ضد دیکتاتوری است که این روزها

بالنده تر و آگاهانه تر شده است. بخش ناموفق انقلاب، قدرت گیری نیروهای بنیادگرای مذهبی و کسب قدرت خمینی در توافق با قدرتهای استعماری و امپریالیستی بود. اگر مردم در سال ۱۳۵۷ توانستند شاه را سرنگون کنند متأسفانه موفق نشدند یک حکومت دموکراتیک، کثرتگرا برای جاری کردن دموکراسی برقرار کنند. این شانس بزرگ برای پیشرفت جامعه ایران و دستیابی به یک توسعه پایدار را حکومت پهلوی و قدرتهای استعماری از مردم ایران سلب کردند. زاویه مخالفت نیروهای ارتجاعی به رهبری خمینی با شاه، نه آزادیخواهی بلکه فرهنگی ارتجاعی و مذهبی بود. هدف خمینی تسلط بنیادگرایی و جاری کردن قوانین شریعت بود. رژیم شاه به موازات سرکوب نیروهای مترقی، میدان تنفس برای نیروهای ارتجاعی مذهبی را سخاوتمندانه باز گذاشت. بنیادگرایی اسلامی با نام جمهوری اسلامی به برکت سیاستهای شاه توانست خشن ترین دیکتاتوری را برپا کند.

حضور پرویز ثابتی رئیس دستگاه شکنجه و آدمکشی حکومت پهلوی و بقیه شکنجه گران ساواک در خیابانهای اروپا و آمریکا در صف اول طرفداران سلطنت پهلوی و طلبکاری آنها از براندازان استبداد شاهی، بخش تازیدی تاریخ جنبش ضد دیکتاتوری مردم ایران از انقلاب مشروطه تا حال است.

خمینی با اعدام سریع تعدادی از بازماندگان ساواک، فرصت بررسی جنایات آنها و همدستی برخی از روحانیون با ساواک را نداد. عدم رسیدگی به جنایات حکومتی، همواره راه را برای تداوم خشونت باز می گذارد.

حضور نمایندگان ساواک در صف کسانی که رویای بازگشت به گذشته را دارند به معنای به سرانجام رساندن قلع و قمع همه نیروهای آزادیخواه است که جمهوری اسلامی تا به حال موفق به آن نشده است.

شعار نه فراموش می کنیم و نه می بخشیم، شعار جنبش دادخواهی است که شامل دیکتاتورهای شاه و شیخ می شود. فراموش کردن شکنجه گاههای ساواک شاهنشاهی و جانهای شفیفته آزادی که در دوران خفقان دیکتاتوری شاهنشاهی سر به دار شدند، یعنی باور نداشتن به جنبش دادخواهی و تحریف تاریخ جنبش عدالتخواهانه مردم ایران است.

فراسوی خبر... دوشنبه ۲۴ بهمن

ما و نیروهای دشمن زیاد نبود و مسیر رد و بدل کردن با تراکتور انجام می گرفت. پیکر همه رفقا را تحویل ندادند، پس از مبادله آخرین جسد، رابط به ما اطلاع داد که دیگر جسدی در اختیار ارتش نیست. ما چاره ای نداشتیم جز قبول این ادعا. اما از سربازان یک نفر مانده بود که نام او «محمد» بود. نگاه غم انگیز و مایوسانه ای پیدا کرد، طاقت نگاه به چهره اش نداشتیم. رفقای در صحنه توافق کردند که او هم برود. غرق شادی شد و رفت. سالها پیش او را در فرانکفورت دیدم. با خانواده اش پناهنده آلمان شده بود. آن لحظه را برایم تشریح کرد و از خاطرات خوش با پیشمرگان فدایی که زندانی آنان بود برایم حرفهای بسیار زد.

پیکر رفقای شهید را در میان اندوه فراوان به خاک سپردیم و پس از آن بحران موجود در سازمان که به شاخه کردستان تزیق شده بود، بروز آشکار پیدا کرد.

از آنجا که هدف اصلی نوشتن این سطور، گرامیداشت خاطره رفقای شهید در چهلمین سالروز حماسه بهمن ۱۳۶۱ بود، از بیان دیدگاه خود در باره بحران یاد شده و مواردی که از طرف گرایشهای متفاوت از آن زمان و تاکنون طرح شده اند، خودداری می کنم و فقط اضافه کنم که دیدگاه خود پیرامون بحران در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را در مقاله ای با عنوان «بحران در جنبش کمونیستی ایران، راه حل برون رفت از آن و نقش ما» به تاریخ اول مرداد ۱۳۶۲ نوشتم و در جزوه ای با دو مقاله دیگر منتشر کردم. چند سال پیش هم در مجموعه ای که در شماره صد مجله آرش منتشر شد به طرح نکاتی پرداختم.

یاد و نام شهدای حماسه ۲۳ بهمن در کردستان گرامی و زنده است!
بهمن ماه ۱۴۰۱

*این مقاله بخشی از گزارش پیرامون حماسه پیشمرگان فدایی در ۲۳ بهمن سال ۱۳۶۱ است. گزارش کامل در آدرس زیر منتشر شده است.
<https://efiran.org/10186>

مهدی سامع



منبع: وبسایت سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران*
هوا هنوز به طور کامل روشن نشده بود که رفیق زاهد، از پیشمرگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، با چهره ای پر از اندوه به دفتر شاخه کردستان آمد و قبل از هر حرفی مرا در آغوش گرفت و گفت، رفقا شهید شدند. پس از لحظاتی از او پرسیدم کدام رفقا و او جواب داد یازده رفیق و جسد های آنها هم دست دشمن است. این اولین گزارش از عملیات حماسی ۲۳ بهمن سال ۱۳۶۱ بود که به مناسبت گرامیداشت رستاخیز سیاهکل (۱۹ بهمن ۱۳۴۹) صورت گرفت.

برای چند دقیقه نمی توانستم فکر را متمرکز کنم. بالاخره بر احساس اندوه مسلط شدم و ابتدا اعلامیه کوتاهی پیرامون این عملیات حماسی نوشتم که همان روز منتشر شد و سپس در شور و مشورت با برخی از رفقا، به دنبال پیدا کردن راهی برای تحویل گرفتن پیکر رفقا بودم.

عملیات ۲۳ بهمن ۱۳۶۱ در جاده بین بوکان و سقز صورت گرفت. کمیته نظامی شاخه کردستان سازمان تصمیم گرفته بود که به مناسبت سالگرد رستاخیز سیاهکل دو عملیات نظامی انجام شود. یکی در جاده سقز به بوکان و دیگری در جاده بوکان به میاندوآب. چند روز پیش از حرکت رفقای پیشمرگه، در جلسه مشترک کمیته کردستان و کمیته نظامی، اوضاع بحرانی سازمان را برای آنها تشریح کردم. آنها از وجود بحران در سازمان اطلاع داشتند. پاسخ رفقا به اتفاق این بود که سازمان از تابستان تاکنون عملیاتی نداشته و لازم است هم به دلیل بی عملی طولانی مدت و هم به دلیل سالگرد حماسه سیاهکل عملیات انجام شود.

در مدتی که مسئول شاخه کردستان بودم هیچوقت در مورد چگونگی عملیات نظامی نظر نمی دادم و تنها مصلحت کلی سازمان از نظر سیاسی را وظیفه خود می دانستم. در این مورد هم همین روش، البته با کمی پرسش در مورد چند و چون حرکت، رعایت شد. عملیات در محور بوکان میاندوآب عملی نشد، اما عملیات در محور بوکان سقز ابتدا با موفقیت انجام گرفت ولی در مرحله عقب نشینی رفقا به محاصره نیروی بزرگی درآمدند و یازده تن از رفقا به شهادت رسیدند.

پیشمرگان فدایی که در این نبرد حماسی به شهادت رسیدند؛ رفقا مسعود رحمتی (فرمانده پیشمرگان)، حسن محمدپور، علی نودری، بهنام (شهرام) قاسم زاده رضوی، جعفر (حر) رضایی، ابراهیم (شریف) کردی، مراد (حیدر) میرزایی، اسد (شاهو) یزدانی، اسماعیل بزرگر، فریدون بانه ای و محمود امین زاده بودند.

در مورد اجساد رفقا و در مشورت با معتمدان محل راه حلی پیدا شد. معاوضه هر جسد با یک زندانی. تعدادی سرباز در عملیات پیشین دستگیر شده بودند. بر طبق توافق باید سربازان زندانی را به یکی روستای نزدیک شهر منتقل می کردیم. آن سال برف سنگینی در کردستان باریده بود به طوری که تا بالای زانو در برف فرو می رفت. در سال ۱۳۴۹ و در عملیات حماسه سیاهکل هم برف سنگینی در منطقه دیلمان باریده بود. در طی مسیر و همراه با سربازان زندانی افکارم میان دو حماسه رفت و آمد می کرد. ما به همراه سربازان زندانی در یک ستون یک نفره و در کوره راههای پر برف حرکت می کردیم. به دهکده محل قرار رسیدیم و عملیات معاوضه شروع شد. یک سرباز از جانب ما به رابط معتمد تحویل داده می شد و آن رابط یک جسد تحویل می گرفت. فاصله بین

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 461/ 20 February 2023

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram @nabard_khalg ---

https://telegram.me/nabard_khalgh

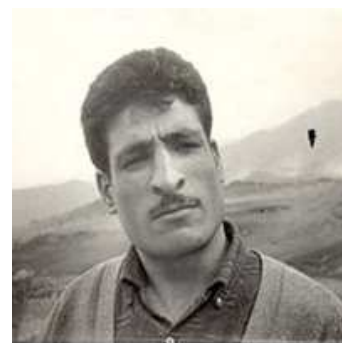
NABARD - E – KHALGH in Facebook // // // <https://www.facebook.com/nabardekhalgh>

شهادت فدایی در ماه اسفند

یادواره شهیدان فدایی

رفیق اکبر مسلم خانی

گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی



فدایی شهید رفیق اکبر مسلم خانی در آذر ماه سال ۱۳۲۷ در همدان متولد شد و به دلیل فقر و تنگدستی خانواده اش از دوران کودکی به کار برای معاش کمک خانواده مشغول شد و فرصت درس خواندن پیدا نکرد. وی کارگر کفافی بود و سپس به

رفیق اکبر مسلم خانی

مشاغل دیگر از جمله خیاطی روی آورد. در سال ۱۳۵۵ به طور تصادفی در محلی بود که ساواک برای دستگیری تعدادی افراد به آن محل حمله کردند و بازداشت وی موجب می شود که بیشتر با مسائل اجتماعی و سیاسی آشنا شود.

رفیق اکبر فعالیتهای اجتماعی از جمله کوهنوردی را بسیار جدی پیگیری می کرد و عضو گروه کوهنوردی همدان شد که طراحی و ساخت پناهگاه (کلاخ لانه) را در سال ۱۳۵۸ اجرایی کردند که میانه راه قله الوند ساخته.

آشنایی و ارتباط رفیق مسلم خانی با رفیق علی اشتراکی تاثیر زیادی بر شخصیت و فعالیتهای وی گذاشت که مطالعه و انجام کارهای تشکیلاتی تا حد پذیرش مسئولیتهایی در بخش همدان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را می توان نتیجه این ارتباط دانست.

پس از ضربات سال شصت و قطع ارتباط تشکیلاتی، منجر به دستگیری آنان شد.

نوزده بهمن ۱۳۶۲ پس از مدتها بازجویی و شکنجه رفقا علی اشتراکی و اکبر مسلم خانی توسط سپاه جنایتکار پاسداران اعدام شدند.

یادشان و نامشان جاودان



رفقا: رحیم سماعی - مهدی اسحاقی - علی اکبر صفایی فراهانی - غفور حسن پور اصیل - احمد فرهودی - جلیل انفرادی - اسکندر رحیمی - هادی فاضلی - اسماعیل معینی عراقی - شعاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا لنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمد علی محدث قندچی - هوشنگ نیروی - ناصر صیغف دلیل صفایی - مسعود احمدزاده - عباس مفتاحی - اسدالله مفتاحی - مجید احمدزاده - مهدی سوالانی - حمید توکلی - غلامرضا گلوی - بهمن آژنگ - سعید آریان - عبدالکریم حاجیان سه پله - مناف فلکی - علی رضا نابدل - یحیی امین نیا - جعفر اردبیلچی - محمد علی تقی زاده - اصغر عرب هریسی - اکبر مؤید - علی نقی آرش - حسن سرکاری - مجتبی خرم آبادی - ابراهیم پور رضا خلیق - صبا بیژن زاده - بهنام امیری دوان - جمال الدین سعیدی - هوشنگ پور کریمی دریاکناری - عبدالرضا کلانتر نیناسکی - احمد غلامیان لنگرودی (هادی) - محمد رضا بهکیش (کاظم) - بدالله گل مژده (نظام) - حمید آزادی - جعفر پنجه شاهی (خشایار) - محمد علی معتقد (امیر) - حشمت الله شهبازی - جواد غفوربان - جلیل حواری نسب - فرزاد قائمی - سعید عقیقی - علی خلیقی - هوشنگ اقبالی - عبدالرحیم صبوری - تیمور ستاری - منصور سعیدی - اقبال طاهرخو - بهالدین نگهداری - خسرو قره داغی - سیروس خرده بین - قنبر پیشدست - ناصر نجم الدینی - داوود امیر احمدی - هاشم احمدزاده - شاپور تقریبی - حمید رضوان - شهره صبوری - شهین احمدپور - علی رضا ظریفی بامیان چوبداری - یعقوب شکرالهی - محسن جیبان - فریبرز کشاورز - فرشید کشاورز - رضا حشمت زاده - مهشید معتضد - امیر اصغر نژاد - فرامرز باقرپور - موسی مکاری - فرمان عظیمی - حمید آقوردی زاده - غلامرضا باقری آق بابا - علی رضا باقری - فریده بوسفی - غلام راستا - حسن پایدار - سهیل جهان ستان - فرهاد سلیمانی - علی فرهادی - قدرت الله مددی دارستانی - غلام کیانزاد - محمد رضا علی مددی - سعید سلیمانی - منوچهر ممیز - محمد حسن شریعتی - عباس زاده - کاووس گلابوند - سید پرویز لسان - علی (فرزاد) بیگلری - عباس چمازکنی - فریدون کهزادی - حسین چرخیان - قدرت الله ارجمندی - ابراهیم تولایی - محمد رضا راستی - رضا سیدالشهدایی - حشمت خداداد - منصور حبیبی زاده و طی سالهای ۴۹ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در مبارزه علیه رژیمهای شاه و خمینی و برای تحقق دموکراسی و سوسیالیسم به شهادت رسیدند.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم